

اسلام‌شناسی

فصلنامه تخصصی

پاییز ۱۳۹۵ - شماره ۵۲

ویژه مقالات اقتصاد مقاومتی ۲

ویژه مقالات
اقتصاد مقاومتی

جایگاه فعالیتهای
اقتصادی زنان
در سیره حضرت
زهرا سلام الله علیها

توازی فساد اداری
و رکود اقتصادی

اقتصاد
ممتدی

قلمرو فعالیت
اقتصادی زنان

نقش آموزه های
دینی در اقتصاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی اسلام‌شناسی

هیئت تحریریه:

سرکار خانم دکتر صدیقه رضایی

سرکار خانم معصومه سادات هاشمی

سرکار خانم فهیمه رئوف

سرکار خانم نیره تاجیک

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه

اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

مدیر مسئول: فرزانه طالقانی

سردبیر: محبوبه هژبری

فصلنامه تخصصی اسلام‌شناسی از

مقالات شما جهت درج در نشریه استقبال می‌کند.

مطالب نشریه صرفاً بیانگر

دیدگاه نویسندگان مقالات می‌باشد.

جهت دستیابی به فایل نشریه،

به سایت مدرسه اسلام‌شناسی مراجعه فرمایید.

آدرس: مشهد، چهارراه لشگر،

خیابان امام خمینی (ره) ۴۸، پلاک ۸۶۶، طبقه اول،

معاونت پژوهش.

تلفن: ۰۵۱۳۸۵۲۵۲۵۱

فهرست مطالب:

درآمد: ۱

جایگاه فعالیت‌های اقتصادی در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها؛ ۳

قلمرو فعالیت اقتصادی زنان؛ ۲۷

نقش آموزه‌های دینی در اقتصاد؛ ۴۵

توازی فساد اداری و رکود اقتصادی؛ ۷۹



درآمد

پژوهشکده اسلام شناسی با هدف شناسایی و جذب علاقمندان به پژوهش و برنامه ریزی برای رشد استعداد های پژوهشی طلاب و نیز پرکردن خلأ موجود میان دستاوردهای آموزش و نیازهای پژوهشی جامعه فعالیت می کند.

مقاله نویسی و روش تحقیق و نگارش، ویرایش، آشنایی با نرم افزارهای علوم اسلامی، آشنایی با اینترنت و محیط word، روش جستجوی پیشرفته، مرجع شناسی، روش نقد و ارزیابی مقالات و کتب، از جمله فعالیت های این موسسه می باشد.

در حال حاضر هفت گروه در رشته های تفسیر و علوم قرآن، فقه و حقوق، فلسفه و کلام، مطالعات زن و خانواده و اخلاق و تربیت مشغول گذراندن دوره های کارورزی پژوهش هستند.

در این راستا پژوهشگران بسیاری آموزش داده شده و پیشرفت های فراوانی در زمینه ارائه مقالات تخصصی و کاربردی به موسسات ذی ربط صورت گرفته است.

نشریه اسلام شناسی نیز به منظور حمایت از فعالیت های علمی - پژوهشی دانش آموختگان مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها و بهره برداری مناسب از نتایج فعالیت های آن ها، اقدام به چاپ مقالات برگزیده آن ها نموده است.

در این شماره، مقالات مربوط به اقتصاد مقاومتی که در فراخوان مقاله سال ۱۳۹۴ توسط اساتید و پژوهشگران این موسسه تدوین شده است، با موضوعات: جایگاه فعالیت های اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام با محوریت الگوگیری اسلام با محوریت



الگوگیری حضرت زهرا سلام الله علیها، قلمرو فعالیت اقتصادی زنان، نقش آموزه های دینی در اقتصاد، توازی فساد اداری و رکود اقتصادی ارائه می گردد.

زحمات خالصانه استاد فاضل و وارسته سرکار حاجیه خانم مقدسی و تلاش مجدانه مسئولین محترم پژوهشکده اسلام شناسی و اساتید محترم ارزیاب که موجب آماده سازی مقالات گردید، قابل تقدیر است.

عزت، شوکت و پایداری نظام مقدس جمهوری اسلامی و صحت و طول عمر مقام معظم رهبری و تأییدات خاصه الهی را برای این بزرگواران از درگاه خداوند متعال آرزومندیم.
خداوند! از تو میخواهیم روح ما را از معرفت ناب کلام خویش سیراب سازی و آن را انیس و همدم ما قرار دهی، آمین.



جایگاه فعالیت های اقتصادی زنان در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها

چکیده

اقتصاد در لغت به معنای میانه نگاه داشتن و به اندازه خرج کردن است و فعالیت های اقتصادی زنان آن دسته از فعالیت هایی است که زن به سبب آن می تواند کسب درآمد کند خواه بیرون از خانه باشد (داشتن شغل) خواه در داخل خانه (مهریه، نفقه، ارث) و دین اسلام با این گونه فعالیت ها هیچ مخالفتی نکرده و حتی در مورد اشتغال زنان تا جایی که زن بتواند به همسر و خانواده خود از لحاظ مالی کمک کند و باعث ضربه زدن به نقش اصلی او که همسری و مادری است نشود او را تشویق هم کرده است. اهمیت و ضرورت این تحقیق این است که جایگاه واقعی زنان را در فعالیت های اقتصادی بیان نماید.

واژگان کلیدی: جایگاه زن در آیات، جایگاه زن در روایات، اقتصاد زنان، اشتغال

طرح مسئله

نگاهی اجمالی به تاریخچه ی فعالیت های اقتصادی زنان روشن می کند، که قرن ها پیش از آن که اروپا به زن حق مالکیت بدهد، اسلام به زنان این حق را داده است، آن هم با هدف های انسانی و نه اغراض سود جویانه سرمایه داری. زنان از نظر اسلام می توانند کار کنند، در خانه یا بیرون از خانه و مالک محصول کار خویش باشند. ارث ببرند و ارث بگذارند، و به هر نوع تلاش سازنده اقتصادی دست زنند؛ سرمایه گذاری کنند و به تاسیس مزرعه و کارخانه بپردازند، این ها همه مسایلی است که در فقه ما مطرح گردیده است.

* دانش آموخته سطح ۲ مدرسه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

این تحقیق به طور جامع از همان ابتدا جایگاه زن در آیات و روایات را بیان کرده سپس به نقش های اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام و اشتغال آن با محوریت بانو فاطمه ی زهرا سلام الله علیها پرداخته است.

این رو اسلام تنها در صورتی موافق اشتغال زنان است که سلامت اخلاقی جامعه به مخاطره نیفتد و موجب افزایش نا امنی جنسی نگردد.

مفهوم شناسی

۱-۱ معنا و مفهوم اقتصاد در لغت و اصطلاح

اقتصاد (لغوی): ممایض شدن - میانگی کردن - میانه نگاه داشتن - به اندازه خرج کردن - تعادل دخل و خرج را حفظ کردن

علم: یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تامین گردد بحث می کند.

۲-۱ جایگاه و منزلت زن در آیات

دیدگاه اسلام درباره زن را می توان دیدگاهی مترقی و در عین حال معنادار دانست. اسلام زن را هم چون مرد انسان می داند که سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت پذیری و توان ارتقاء و کمال را داراست و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است که آیه ۳۵ سوره احزاب و آیه ۷۲ سوره توبه و آیه ۵ سوره فتح به آن اشاره دارد.

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا. » (نساء، آیه ۲)

قرآن کریم با این آیه آشکارا به عقاید خرافی مسیحیت پاسخ داد زیرا خطاب این آیه با کلمه «الناس» نشان دهنده این است که زن و مرد در نظر خدا از لحاظ انسانی و منزلت ذاتی برابرند و با کلمه «اتقوا» بطور مساوی به اطاعت و عبادت خدا خوانده شده اند و اهلیت هر دو برای تکامل



روحي برابر بوده و از رشد و عقل برخوردارند زیرا قبول عبادت متوقف بر وجود عقل است و عقل شرط تکلیف است.

و اولاً خود را به قتل نرسانند و بر کس افتراء و بهتان میان دست و پای خود نبندند، یعنی فرزندی که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کس غیر پدرش نبندند و با تو در هیچ امر معروفی که به آن ها کنی مخالفت نکنند، بدین شرایط با آن ها بیعت کن و برآنان از خدا آمرزش و غفران طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست. (ممتحنه، آیه ۱۲)

قرآن مجید هرگاه سخن از انجام وظیفه و پاداشت است زن و مرد را مساوی هم می آورند از جمله: «و لا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اَكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا». (نساء، آیه ۳۲)

آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید یعنی در اموری که موهبت خداست و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت، ولایت، هوش، حسن جمال و نطق فصیح و غیره طمع نکنید و بر صاحبانش حسد نوزید و به کسب علم و هنر پردازید- که هر که از مرد و زن از آن چه اکتساب کنند بهره مند شوند و هرچه خواهید از فضل خدا درخواست کنید نه از خلق - تا به شما اعطا کند - که خدا فیاض و به همه چیز داناست. (النساء، آیه ۳۲)

از این آیه به خوبی متوجه می شویم که در قانون و فرهنگ اسلام، زن و مرد در بهره مندی از کسب تلاش و پاداش عبادت و الزام به وظایف و مسئولیت ها مساویند. در قرآن مجید مردان و زنان با القاب همسان و مساوی یاد شده: «اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِيْنَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقَاتِ وَالصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰبِرَاتِ وَالْخٰشِعِيْنَ وَالْخٰشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصّٰئِمِيْنَ وَالصّٰئِمَاتِ وَالْحٰفِظِيْنَ فُرُوْجَهُمْ وَالْحٰفِظَاتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَالذّٰكِرَاتِ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَّ اَجْرًا عَظِيْمًا» (احزاب، آیه ۳۵)

«همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خدا ترس خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان با حفاظ خوددار از تمایلات حرام و مادران و زنانی که یاد خدا بسیار



کنند بر همه آن ها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.»
دریافتیم که ادعای گروهی روشنفکر نما مبنی بر اینکه اسلام برای زن ارزش قائل نیست دروغ و اتهامی مغرضانه بیش نیست و اسلام ارزشی بیش از ادیان دیگر برای زن قائل بوده است.

۲-۱ جایگاه و منزلت زن در روایات

پاداش زن از زمان بارداری تا زایمان و پایان شیر دادن همانند پاداش مرزبان راه خداست، و اگر زن در این مدت از دنیا رود، پاداش شهید برای اوست. (فلسفی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۸)
بهترین فرزندان دختران هستند زیرا (ملطفات) این دخترها موجوداتی لطیف هستند، ظریف هستند یعنی در ساختمان وجودی زن نهایت حکمت و ظرافت و لطافت بکار برده شده است (مجهرات) زن ها آماده به خدمت هستند برای مردان و برای اجتماع (مونسات) زن انیس های خوبی هستند (مبارکات) مایه برکت خانواده و اجتماع هستند.

امیر مومنان علی (علیه السلام) فرموده: به زن بیش از توانایی اش کاری واگذار مکن، زیرا زن هم چون گل خوشبو موجودی لطیف و پر ظرافت است، نه پهلوان. (مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۲۳، ج ۱۰۳)

پنجمین اختر تابناک ولایت امام باقر (علیه السلام) فرموده: هنگامی که زن، صاحب اختیار و اراده باشد، خرید و فروش می کند، شهادت می دهد، از مال خود هر چقدر بخواهد می بخشد، زیرا از این کارها برای او رواست. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۱۵)

۲-۱ جایگاه و منزلت زن در کلام امام خمینی

حضرت امام (ره) موقعیت و شخصیت زنان را به آن ها شناساندند و جایگاهشان را تبیین نمودند و با سخنان پیامبر گونه خود استعداد های خفته زنان را بیدار و فعال کرد. ایشان رد جایی فرمودند: زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت نمایند.

و در جایی دیگر فرمودند: شما زنان باید مملکت را بسازید.

و باز فرمودند: زنان از نظر اسلام نقش حساس و بنای جامعه اسلامی را برعهده درند.



همچنین: صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد آن نشأت می گیرد.

ایشان با این سخنان، زنان را وارد در صحنه اجتماع و سیاست نمودند و در عین تشویق به ورود در سیاست و اجتماع و تربیت و سازندگی سخن گفتند و راه سعادت را به آن ها یادآور شدند.

حضرت امام (ره) این مسئله را به زن ها باوراندن که آن ها می توانند هم در اجتماع فعال باشند و هم در سیاست دخالت کنند و هم همسری مهربان برای همسرشان و مادری دلسوز برای فرزندانشان و هم کدبانوی نمونه ای برای منزل خود باشند. امام چنان به زنان شخصیت دادند که آنان توانستند استعدادهای خود را بروز داده و با اعتماد به نفس به کارهای بزرگی دست بزنند. اینان در ایام دفاع مقدس و در روزگار مقاومت و صبر، با قناعت و صرفه جویی و صبر و رضایت به تمشیت امور خانه پرداخته و با این کار، مشوق بزرگتری برای مردان در امر دفاع و مبارزه با دشمن بودند. آنان در طول انقلاب و پس از پیروزی و در ایام جنگ ثابت کردند که شایستگی آن همه تعریف و تایید از طرف حضرت امام را داشتند. آن ها از حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگو گرفته و پیرو حضرت زینب سلام الله علیها هستند و به این پیروی افتخار می کنند. در دروان جنگ تحمیلی زنان ما بهترین امتحان را داده و از این امتحان الهی سرافراز بیرون آمدند. آن ها فرزندان خود را بدرقه کرده و به استقبال پیکر مطهر آن ها رفتند و صحنه های زیبای صبر و شکیبایی را به نمایش گذاشتند. عده ای از آن ها حتی گریه هم نکردند و آن چنان صبر و مقاومتی از خود نشان دادند که در بخاری به جز از زنان صدر اسلام در جایی دیگر دیده نشده است. (مصطفوی، زن از منظر اسلام، ص ۱۰)

زن مسلمانی متعلق به دنیای جدید، در تامین نیازهای مالی خانواده مشارکت می کند. جهان امروز جهان رقابت هاست. کمبود منابع و ازدیاد جمعیت، انسان ها را در رقابتی فراگیر، گاه تا حد منازعه به پیش می برد.

فاطمه، دختر پیامبر، وقتی همسرش را در موقعیتی می یابد که قادر به تامین او و فرزندانش نیست، و همسرش را فقیر و نادار می بیند، شکایت به پدر نمی برد، هیاهو راه نمی اندازد، او را تحقیر نمی کند، بر دامنه توقعاتش نمی افزاید، وضعیتش را با دیگر دختران عرب که به مراتب از او دارای منزلت پایین تری هستند مقایسه نمی کند... بلکه به آرامی و با نهایت متانت و تواضع، پا



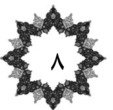
به پای او کار می کند. او اجازه نمی دهد کمر علی (علیه السلام) زیر بار برآوردن احتیاجات خانواده، خم شود. این رفتار فاطمه، کاملا ماهیت الگویی دارد. همه ما به خوبی می دانیم که احکام شرع، تامین نفقه زن و فرزند را به عهده مرد گذارده است. و این را نیز می دانیم که بسیاری از آقایان علاقه ای به کار کردن و پول در آوردن همسرانشان ندارند (حال به هر دلیلی، شاید برخی تصور می کنند زنی که دستش توی جیبش رفت، کمتر در مقابل اقتدار بی چون و چرای مردانه تمکین می کند.) ولی با این وجود حضرت فاطمه به ما می آموزد، اگر زنی توان کسب درآمد و مشارکت در تامین مخارج خانواده را دارد. (به سبب داشتن مهارت، دانش، تخصص، ارثیه و...) باید آن را در اختیار خانواده قرار دهد. یا شوهر، سپاسگزارانه آن را رد خواهد کرد یا قدرشناسانه خواهد پذیرفت. فاطمه بی هیچ منتی چنین کرد.

نکته مهم این که تامین نیازهای خانواده وظیفه زن نیست بلکه باید به عنوان نشانه ای از محبت و همراهی و علاقه اوبه همسر و خانواده اش تلقی شود. اگر مردی متلفت این نشد و مساعدت مالی زنش را حق خود دانست، دیگر مشکل با اوست. (ناظر زاده کرمانی، فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی، ص ۶۶)

زنان مسلمان، در عرصه اجتماع، نباید زن باشند، بلکه باید انسان ها، افراد، اشخاص، اعضا، گروه... نامیده شوند. زن مسلمانی که از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) الگو می گیرد، جدی است. به خصوص، تا زمانی که جامعه به آن حد از رشد و کمال نرسیده که عضو آن، به سبب جنسیت (که امری الهی است نه ارادی)، امتیاز نگیرد و ندهد، زن مسلمان، زن بودن خود را فاش نمی سازد. نه آن را وسیله کسب امتیاز می کند و نه می گذارد به سبب آن، جامعه از امتیازاتش بکاهد. «زنیت»، (اگر این مصدر خود ساخته مرا بپذیرید)، خاصیتی پنهان است.

محتوای سخن یک زن، تخصص او، کارکرد او، تولید اجتماعی او، دانش او، هنر او، مدیریت او، لیاقت او، توان او ... باید از زن بودنش پیش افتد و به بازار جامعه عرضه شود. و هم چنان که فاطمه چنان کرد.

زن الگو پذیرنده از او نیز، باید از خود چیزی را نشان دهد که مربوط به «گوهر انسانی» است و ربطی به جنسیت نداشته باشد.



۱-۳ زن و اقتصاد

اسلام افزون بر تدابیری که برای کاهش مشکل فقر زنان در نظر گرفته، زمینه افزایش ثروت آنان را نیز فراهم کرده است. زیرا زنان گذشته از امکان کسب درآمدهای شغلی می توانند اموال دیگری را به عنوان مهریه، ارث، هدایا و غیره به دست آورند و با توجه به اینکه از نظر شرعی و قانونی از مسئولیت های مالی در قبال شوهر و فرزندان و نزدیکان در بیشتر موارد معاف اند، قادر خواهند بود این اموال را در فعالیت های اقتصادی سودآور به جریان اندازند.

روشن است که در صورت وجود سازماندهی صحیح می توان از سرمایه های مالی زنان به عنوان یکی از منابع عمده ثروت در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور ها بهره گرفت. با یک محاسبه ساده در می یابیم که از انباشته شدن دارایی های به ظاهر ناچیز هر یک از زنان در کشوری مانند ایران، ثروت های هنگفت هزاران میلیاردی قابل برداشت است که البته بخش عمده ای از آن هم اکنون در سیستم بانکی و بازارهای بورس کشور در جریان است.

در مقابل، مردان ناگزیرند بخش عمده ای از دارایی های خود را در جهت تامین نفقه همسر و فرزندان و سایر مصارفی که معمولاً برعهده آنان قرار می گیرد، هزینه کنند و این امر، سرمایه های مالی مردان را به طور چشمگیری کاهش می دهد. به این ترتیب زن مسلمان ضمن پذیرش شوره خود به عنوان مسئول تامین نفقه خانواده قادر است با استفاده عقلانی از سرمایه های مالی خود به احساس مثبت استقلال نیز دست یابد.

با این همه، نگرش ارزش شناختی اسلام به مال و دارایی درباره زنان نیز همانند مردان صادق است و به همین دلیل الگوی برتر زن مسلمان ثروتمند، یعنی حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که از تمامی ثروت خود در راه حفظ و تحکیم اسلام گذشت، از جایگاهی بسیار والا در فرهنگ اسلامی برخوردار است. (بستان، اسلام و تفاوت های جنسیتی، ص ۱۸۲)

۲-۳ درآمدهای مالی زنان

در نظام حقوق اسلام، زنان از تمامی حقوق اقتصادی، قضایی، اجتماعی، سیاسی و معنوی و غیر آن



برخوردارند. و اگر در طول تاریخ سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی آن حقوق را خاص مرد میدانسته، اسلام با انقالب اجتماعی و فرهنگی خود طوفانی به پا کرده، نظام جاهلی زمان خود را بر نداشت و برای اولین بار تمام حقوق واقعی زن را در چهارده مقرن قبل از آن که اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، این حقوق را برای زن، اعلام کند به وی بشارت داد و مساوات و برابری را بین زن و مرد برقرار کرد. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام و غرب، ص ۳۵)

زنان در اسلام از دو نوع حقوق برخوردارند:

اول حقوق خصوصی: که در بردارنده نفع خود شخص است. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۸۲) اعم از حقوق اختصاصی زن که منافع آن تنها مربوط به زن می باشد یا حقوق مشترک بین زن و مرد که هر دو از آن حقوق بهره مند خواهند بود.

دوم حقوق عمومی: که تامین کننده منافع جامعه و مردم است. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۸۳)

در اینجا درآمدهای مالی زنان که شامل مهریه، نفقه، ارث و اشتغال است می پردازیم.

- مهریه

مهریه همان صداق است که در فارسی به آن کابین می گویند. مهریه عبارت است از حق مالی که به محض زناشویی بر عهده مرد قرار می گیرد و از حقوق اختصاصی زن می باشد که قرآن نیز می گوید:

«وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» (نساء، آیه ۴)

مهر زنان را با کمال رضایت و طیب خاطر به آنها بپردازید.

در اسلام مهری تا آن درجه از اهمیت برخوردار است که اگر شوهر زنی کافر شود و مهریه زنش را نپرداخته باشد، دولت اسلام او را موظف به پرداخت می کند و در صورت عدم قدرت پرداخت وی، از بیت المال می پردازد، حق حاکم اسلامی حق ندارد از زن بخواهد مهریه خودش را ببخشد یا از آن چشم پوشی کند. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام، ص ۳۶)



– نفقه

نفقه عبارت است از پرداخت هزینه های عمومی و عادی زن در خانواده، مانند خوراک و پوشاک و مسکن و دیگر نیازهای ضروری زن در حد متعارف که باید از طرف مرد به زن پرداخت شود. پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) در آخرین خطبه خود به آن اشاره کرده است و فرموده است: «...فعلیکم کسوتهن و رزقهن بالعمروف...» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰،

باب ۶، ح ۲)

بر شما مردان است که لباس و خوراک زانتان را به نیکی تامین نمایید، علوه بر آن مستحب است مردان تلاش بیشتری کرده، زنان و خانواده را در رفاه و آسایش قرار دهند تا زن بتواند به وظایف اصلی خود که همانا تربیت فرزند است با آسودگی خاطر بپردازد.

گرچه زن نیز با خدمت به شوهر در منزل و همکاری با او راستشرا بر منزل تجسم می بخشد و جاه و جلال خود را ثابت می کند. در حدیثی از حضرت رضا (علیه السلام) به وجوب ایجاد رفاه و آسایش برای زن تعبیر شده و فرموده: « صاحب النعمه یجب ان یوسع علی عیاله. » (تحف العقول، حرانی، حسین به شعبه، ص ۴۶۶)

کسی که از نعمت زیادی برخوردار است بید در هزینه عیالش گشاده دست بوده و بر آن وسعت بخشد. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام، ص ۴۴)

– ارث

زن قبل از اسلام در بسیاری از تمدن ها و قوانین کور ها از ارث محروم بود، مثلا در اسکاندیناوی و برخی کشورهای اروپایی دختر ارث نمی برد. (صدر، حقوق زن در اسلام، ص ۳۲)

ولی اسلام این رسم را از بین برد و حق مسلمی از ارث را برایش تشریح نمود که در بیشتر موارد یک دوم ارث مرد است این تفاوت هم بدون حکمت نبوده و به گفته علامه طباطبایی نیمی از سهم مرد طبعاً صرف نفقه و مخارج زن خواهد شد و به زن باز خواهد گشت قرآن برای اثبات حق ارث زنان با آیه « لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ

الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيْبًا مَّفْرُوضًا» (نساء آیه ۷)

زن را در کفار مرد و همانند او ذی حق در دریافت ارث معرفی کرد و استقلال او را نشان داد، در شرایطی که در جامعه عرب آن روز و حتی سایر ملل معاصر، زن نه ارث می برد و نه حق مالکیت داشت. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۱۱۸)

حتی در حقوق داخلی ایران اسلامی استقلال مالی زن مورد تاکید قرار گرفته که طبق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی «زن مستقلا می تواند در دارایی خود هر تصرفی را بنماید» (همان)

- اشتغال

در اسلام هیچ منعی برای اشتغال زنان به کارهای مناسب و شایسته وجود ندارد، بلکه حتی تاکید بر کار و تلاش از طرف آنها شده تا با کمک همسران خود بهتر بتوانند به تربیت فرزندان خویش بپردازند. آن چه در اسلام برای زنان ممنوع شده از این جت است که آنان مورد ظلم قرار نگیرند و کارها و شغل های نامناسب و دور از شان خود را برنگزینند، یا که به کارهای سخت که از نظر جسمی توانایی انجام آن ها را ندارند مجبور نشوند و گرنه مانعی برای حضور زن با تمام شرایط و موازین اسلامی در هیچ کاری دیده نمی شود یک قاعده کلی عقلی و فطری وجود دارد که می گوید دادن هر مسئولیتی به هر فردی باید براساس لیاقت و توانایی او باشد. علی (علیه السلام) می فرماید: «ان احق الناس لهذا الامر اقواهم علیه واعلمهم بامر الله فیه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷، ص ۵۵۸)

شایسته ترین مردم برای زمامداری (و حتی هرکاری) کسی اس که برای اداره آن کار از همه تواناتر و به دستورات خدا در این باره آگاه تر باشد.

این یک اصل عقلی است که نه تعبد بدان راه دارد و نه قابل تخصیص است، یعنی نمی توان بر آن استثناء زد زیرا احکام کلی عقل همانند قواعد ریاضی غیر قابل تخصیص هستند. مثلا یکی از احکام عقلی این است که ظلم قبیح است. بر این حکم عقلی نمی شود تبصره ای زد و موردی را یافت که ظلم باشد ولی قبیح نباشد، چون همه جا ظلم قبیح است. بنابراین زن در حد توانایی جسمی و روحی خود با رعایت موازین اسلامی و رعایت حقوق همسر خو می تواند هر نوع شغلی را



برگزیند و در جهت ادای وظیفه خود از هیچ کوششی دریغ نکند. حتی در منابع فقهی داریم که اگر زنی قبل از ازدواج به انجام کاری اشتغال داشت و شوره با قبول همین وضعیت رضایت خود را اعلام کرد حق ندارد با اشتغال او مخالفت کند مگر این که منافات با حق و حقوق او داشت باشد و به کاری مشغول شود که خلاف شرع باشد که در قانون مدنی ماده ۱۱۱۷ به آن اشاره شده است: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیات خود یا زن باشد منع می کند.» درباره این که آیا شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد است یا نه ضابطه کلی نمی توان دست داد. بلکه این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می کند و تشخیص آن با عرف است. (ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام و غرب، ص ۴۸)

۱-۴ تاریخچه ی اشتغال زنان

در قدیم حتی در کشورهایی چون انگلستان زن اجازه نداشت از لحاظ اقتصادی استقلال داشته باشد و بتواند برای خود سرمایه ای کسب نماید.

ولی بالاخره با صنعتی شدن اروپا، این فشار از بین رفت و به مرور زمان زن استقلال اقتصادی خود را بدست آورد. در انگلستان که سابقاً شخصی زن کاملاً در شخصیت مرد محو بود، قانون یکی در سال ۱۸۷۰ و دیگری در سال ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار از زن رفع حجر نمود. در ایتالیا قانون ۱۹۱۹ میلادی زن را از شمار محجورین خارج کرد. در قانون مدنی سوئیس (۱۹۷۰ میلادی) اعلام شد که زن مثل شوهر خود اهلیت دارد. ولی زن شوهردار در حقوق پرتقال و فرانسه هنوز در اعدا محجورین است. گو این که قانون ۱۸ فوریه ۱۹۳۸ در فرانسه حدود حجر زن شوهردار را تعدیل کرده است. (رک: دوست محمدی، شخصیت زن، ص ۶۸)

اما دین و ملیت ما از قدیم به زن استقلال اقتصادی بخشیده و او را ازاد گذاشته تا پا به پای مرد در جامعه حضور داشته باشد و در سازندگی اجتماع خود کوشا باشد. زنان سرزمین کهنسال ما، از هفت هزار سال پیش و بطور کلی در تمام طول تاریخ، دوش به دوش مردان خود، برای پرورش و بقای نسل ایرانی و برای تامین معیشت و مایحتاج زندگی جوامع انسانی با کوشش مام کار کرده اند. و در تاریخ صدر اسلام اگر به دقت بنگریم متوجه می شویم که اسلام از زنان می خواهد تا در جامعه حضور داشته باشند و در فعالیت های اقتصادی نقش فعالی را ایفا نمایند و از این مهمتر



به زنان اجازه می دهد تا استقلال اقتصادی داشته باشند تا جاییکه خداوند در کتابش می فرماید: «برای مردان از آنچه که کسب کرده و به دست آورده اند، نصیبی و بهره ای هست و برای زن از آنچه که کسب کرده و به دست آورده اند نصیب و بهره است.» (نساء، آیه ۳۲)

در عصر حاضر بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیل می دهند و بر محققین ثابت شده که بدون حضور زنان در صحنه کار و فعالیت، نمی توان حجم کار و تولید را افزایش داد و به دو برابر رساند، فلذا زنان، گذشته از همکاری در همه زمینه های حرفه ای مردان، در مقامات عالی ریاست و مناصب پر مسئولیت نیز وارد شده اند. (نورزی، منزلت زن ایرانی، ص ۵۹)

۲-۴ دیدگاه کلی اسلام درباره اشتغال زنان

با نگاهی به قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی درمی یابیم که اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به خودی خود هیچ ممنوعیتی در اسلام ندارد، بلکه به عنوان یک واقعیت مفروض گرفته شده است. قرآن کریم از دختران پیامبر بزرگ، حضرت شعیب (علیه السلام) یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته اند، (قصص، ۲۳) بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر و امامان معصوم علیه السلام در مشاغل گوناگونی هم چون تجارت (الطبرانی؛ المعجم الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۳)، صنایع دستی (همان، ج ۲۴، ص ۲۶۴)، ریسندگی و بافندگی (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۶۴ از ابواب مایکتسب به، ص ۱۷۴)، آرایشگری (همان، باب ۱۹ از ابواب ما یکتسب به صص ۹۳-۹۵)، خدمات خانگی (همان، ج ۱۵، باب ۳۴ از ابواب العدد، ص ۴۶۱)، اجاره املاک (همان، ج ۱۳، باب ۳۱ از کتاب الاجاره، ص ۲۸۰)، تولید مواد خوشبو کننده (الکلبینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۹۶). و ... به عنوان کار درآمدزا به فعالیت می پرداخته اند و به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند روسپی گری و آوازخوانی در مجالس گناه (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۵ و ۱۵ از ابواب ما یکتسب به، صص ۶۲-۶۵ و ۸۴-۸۵)، هیچ مخالفتی با اشتغال زنان صورت نگرفته است، هر چند توصیه و تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده نیم شود. پس می توان حکم اولی اشتغال زن در اسلام را جواز آن دانستن گرچه با ملاحظه قیود خاصی ممکن است احکام دیگری مثل کراهت یا استحباب به عنوان ثانوی برای آن ثابت شود.

در توضیح وجه کراهت اشتغال زنان می توان این واقعیت تاریخی را گوشزد کرد که اسلام با



الگوی تقسیم کار جنسیتی که در جامعه صدر اسلام حاکم بوده، مخالفتی نکرده است، بلکه میتوان گفت احکام الزامی یا اولویت های دین در تثبیت این الگو نقش موثری داشته اند. از یک سو، اسلام نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت اقتصادی در برابر خانواده معاف نموده است.

از سوی دیگر، اهتمام اسلام به کاهش اختلاط جنسی در سطح جامعه و تاکید بر نقش مادر- همسری زنان، زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان عمدتاً به سوی فعالیت های مربوط به خانه درای سوق داده شده و مردن مشاغل بیرون از خانه را به عهده گرفته اند. توجیهی که برای این رویکرد اسلام می توان یادآور شد، این است که اسلام اشتغال زنان را نه به خودی خود، بلکه در فرضی که به مصالح مهم تر به ویژه ایفای نقش های مادری و همسری و حفظ پاکی و سلامت اخلاقی جامعه آسیب می رساند، ناپسند شمرده است.

در مقابل، چنان چه اشتغال زن با برخی عناوین مطلوب شرعی ملازم باشد و به جنبه های منفی یاد شده نیز منجر نشود، می توان رجحان اشتغال زن را به عنوان ثانوی نتیجه گرفت، مانند موردی که زن به دلیل عدم کفاف درآمد شوره برای تامین هزینه های زندگی و به منظور یاری رساندن به او به اشتغال روی می آورد، بدون آن که در انجام نقش های خانوادگی او اختلالی پدید آید یا ناگزیر از اختلاط با نامحرمان در محیط کار گردد، که مصداق روشن آن، اشتغال رد محیط منزل یا مجاورت آن بدون حضور نامحرمان است. شایان ذکر است که یاری رساندن زن به شوهر در امور دنیوی و اخروی به عنوان یکی از ویژگی های زن شایسته در برخی روایات مورد تاکید قرار گرفته (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۶ و ۹ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۱۴ و ۲۴) و اطلاق این روایات که کمک به شوهر در تامین هزینه های زندگی از طریق اشتغال را نیز در بر می گیرد، دلی رجحان شرعی اشتغال زن در فرض یاد شده است.

اما نکته درخور توجه آن است که الگوی مطلوب اسلامی بر حسب ساختارهای اجتماعی و ادوار تاریخی گوناگون می تواند شکل های متفاوتی به خود بگیرد. از این رو، برای معرفی الگوی اسلامی در اوضاع اجتماعی کنونی ضرورت دارد عناصر اصلی الگوی صدر اسلام را از عناصر



موقعیتی و عارضی آن تفکیک کنیم وبا تکیه بر عناصر اصلی، الگوی متناسب با جامعه و زمان حاضر را ارائه دهیم.

همان گونه که اشاره شد، اسلام با اشتغال زنان له خود به خود مخالفتی ندارد و تنها بر کاهش اختلاط جنسی را جامعه و اولویت نقش مادر همسری برای ایشان تاکید می ورزد. بنابراین، با رعایت این دو اصل در برنامه ریزی های خرد و کلان اجتماعی می توان در جهت تحقق الگوی اسلامی تقسیم کار جنسیتی و اشتغال زنان حرکت کرد، هرچند شکلی که این الگو در جامعه کنونی پیدا می کند، با شکل آن در جامعه صدر اسلام تفاوت های آشکاری خواهد داشت.

۳-۴ انگیزه های اشتغال زنان:

تامین هزینه های زندگی مشترک

فرار از کار خانه به سبب ناتوانی یا حقیر شمردن آن»

افزایش تجربه واطلاعات خود

ارضا نشدن به کار خانه و خانه داری

همانند سازی

پر کردن اوقات فراغت زیاد که بیشتر در زمان مجرد دیده می شود. (نوروزی، منزلت زن ایرانی، ص ۸۹)

- تامین نیازهای معیشتی و افزایش درآمد شخصی یا خانوادگی همواره اصلی ترین انگیزه اشتغال خواه برای مردان و خواه برای زنان بوده است. به نظر می رسد اوضاع نامناسب اقتصادی در دهه های اخیر در کشورهایی مانند ایران که با بالا رفتن سطح انتظارات رفاهی همراه بوده، بیشترین تاثیر را در روی آوردن زنان به بازار کار داشته است. اما تحقیقات انجام شده، دخالت انگیزه های دیگری را نیز در اشتغال زنان نشان داده اند که دستیابی به استقلال و آزادی فردی، تامین ایمنی برای آینده خود و خانواده، افزایش تعامل اجتماعی، علاقه به کار و امکان برآوردن خواسته های شخصی از مهم ترین آن ها به شمار می روند. (سفیری، جامعه شناسی اشتغال زنان، ص ۴۵)



از آن جا که بیشتر این انگیزه ها با بیماری های اقتصادی و فرهنگی جوامع در ارتباط اند، از دیدگاه اسلام وضعیت مطلوب زمانی حاصل می شود که پدیده هایی هم چون فقر، نابرابری طبقاتی، طلاق و خشونت بر ضد زنان به پایین ترین سطح ممکن برسند، به گونه ای که زنان ناگزیر نباشند برای رهایی از پیامدهای این مشکلات، بار سنگین اشتغال را به دوش کشند.

اما در شرایط موجود اشتغال زنان با انگیزه های یاد شده در بیشتر موارد منافاتی با ارزش های دینی ندارد. تامین نیازهای معیشتی خود و خانواده، کسب عزت نفس، برآوردن نیازهای جامعه و تضمین ایمنی آینده خود و خانواده، انگیزه هایی مثبت و مقبول به شمار می آیند، ولی هنگامی که انگیزه های مالی در شکل زیاده خواهی، رفاه طلبی و تجمل پرستی بروز می کنند و یا زمانی که اشتغال زنان جنبه رقابت با مردان و تلاش در جهت تشابه جنسی کامل به خود می گیرد، نمی توان موافقت اسلام را با چنین انگیزه هایی انتظار داشت. در همین راستا، مشارکت آزمندانه زنان با شوهران خود در امر تجارت به عنوان یکی از نشانه های دوره آخرالزمان در روایات اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است. (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۷).

۴-۴ موانع اشتغال زنان

وجود مجموعه ای از موانع و دشواری ها همواره اشتغال زنان در بازار کار را تحت تاثیر قرار داده است، ضمن آنکه هر یک از این موانع و دشواری ها از تاثیر متقابل دو یا چند عامل زیستی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نشات می گیرد. در این جا برخی از مشکلات اساسی را در این زمینه بررسی می کنیم که عبارتند از: تعارض نقش های خانوادگی و شغلی، موانع شرعی و قانونی و پیامدهای اختلاط جنسی در محیط کار.

تعارض اشتغال و نقش های خانوادگی

در مسئله ترجیح اشتغال زن بر نقش های مادری و همسری یا برعکس، دو مال تاثیر گذار است: الف) مبانی ارزشی و ایدئولوژیک صاحب نظران،

ب) شواهد تجربی مورد استناد آنان. درباره عامل نخست، فمینیست ها معمولا در سلسله مراتب نظام ارزشی خود، برابری جنسی به ویژه در قدرت و منزلت اجتماعی را در رأس هرم جای داده و



سایر ارزش ها را تحت الشعاع آن و دارای اهمیت ثانوی می دانند. در این میان، کسانی که اصل ارزشمندی نهاد خانواده را انکار می کنند، شعار نسخ خانواده سر می دهند و کسانی که به اهمیت ارزش های زندگی خانوادگی اذعان دارند، می کوشند الگوی جدیدی از آن را که در راستای هدف غایی یعنی برابری جنسی باشد، معرفی کنند.

در مورد عامل دوم نیز باید به پژوهش های تجربی فراوانی اشاره کرد که درباره موضوعاتی مانند تاثیر اشتغال مادران بر فرزندان و تاثیر اشتغال زنان بر ثبات زندگی زناشویی انجام شده است. گرچه صاحب نظران در این مورد موضوعات هنوز به توافق نرسیده اند، ولی در خصوص تاثیر اشتغال مادران بر فرزندان به نظر می رسد برخلاف دیدگاه هایی که اشتغال مادر و جدایی او از کودک را حتی به طور کوتاه مدت برای کودک بسیار مضر می دانند. و دیدگاه هایی که آسیب های مشاهده شده را به عومل دیگری غیر از اشتغال مادر نسبت می دهند، بتوان از دیدگاه معتدلی حمایت کرد که جدایی های کوتاه مدت در قالب اشتغال پاره وقت را برای کودکان، مزیت بخش یا دست کم بی ضرر می داند، اما جدایی های دراز مدت را به ویژه برای کودکان خردسال زیان آور تلقی می کند.

در مورد تاثیر اشتغال زنان بر ثبات روابط زناشویی نیز می توان مشابه همین ارزیابی را داشت، زیرا روشن است که زن در صورت اشتغال تمام وقت به سبب خستگی بیش از حد و نداشتن فرصت کافی، امکان حمایت عاطفی از شوهر را به شکل مطلوب نخواهد داشت و در چنین وضعیتی احتمال بروز اختلال در روابط زناشویی به شدت افزایش می یابد.

اسلام ضمن آن که اشتغال زنان را مجاز دانسته، بر اولویت های نقش های مادری و همسری تاکید دارد. جهت گیری نظام اجتماعی اسلام، تحقق جامعه ای سالم و صالح است که بسیار متعالی تر از جامعه یکپارچه ی پارسونز خواهد بود. از آن جا که سلامت جامعه علاوه بر نظم ارگانیک آن بر حسب شاخص های دینی همچون عفت و طهارت روحی تعریف می شود، این امر در مناسبات اجتماعی و به طور خاص در مناسبات جنسیتی بازتاب ویژه ای می یابد. از یک سو، با توجه به این که روند رشد بدنی و شخصیتی کودک، تاثیر بسزایی در سلامت روانی و اخلاقی او در دوران جوانی و بزرگسالی دارد و نیز این که رابطه مادر و فرزند به ویژه در سنین اولیه کودکی،



نقش محوری را در این زمینه ایفا می کند، دلیل اولویت یافتن نقش مادری در مقایسه با نقش شغلی از دیدگاه اسلام مشخص می شود. از سوی دیگر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده، مستلزم کاهش اختلاط زنان با مردان در سطح جامعه است و تاثیر این امر بر سلامت معنوی جامعه، موجب اولویت یافتن این الگو در برابر الگوی مساوات جویانه است.

اکنون باید جایگاه اصل برابری نیز مشخص شود. هم در نگاه پارسونز و هم در دیدگاه اسلامی، ارزش عدالت بر ارزش برابری حاکم می گردد با این تفاوت که نگرش آخرت گرایانه اسلام به تصویری از برابری می انجامد که نه تنها از مفهوم عدالت جدا نمی افتد، بلکه در ضمن آن تحقق می یابد. بر طبق آیات و روایات هرگونه نابرابری در قدرت و پایگاه اجتماعی بین زنان و مردان با ایمان که احتمالا از نقش های متفاوت آن ها برمی خیزد، با پاداش های اخروی جبرانی می شود. پس حاکمیت اصل عدالت، چشم پوشی از اصلی برابری را در پی ندارد؛ چرا که در پیشگاه خداوند همه انسان ها از هر نژاد و قومیت و جنسیتی، یکسان و برابرند و چیزی جز پرهیزگاری موجب برتری و امتیاز نمی شود.

همان گونه که پیش تر اشاره شد چنین نگرشی مستلزم آن است که اشتغال زن به عنوان یک امر مباح و در مواردی راجع تلقی گردد، مشروط به این که اولاً با نقش های مادری و همسری تعارض نداشته باشد و ثانياً مستلزم اختلاط جنسی در سطح جامعه نباشد. با فقدان دو شرط یاد شده، اشتغال زن نه تنها رجحان خود را در دیدگاه اسلام از دست می دهد، بلکه حتی می توان به ناپسندی و کراهت آن قائل شد. مدلول ضمنی این سخن آن است که اگر سیاست هایی که در حمایت از زنان شاغل به مرحله اجرا در می آیند، بدون لطمه زدن به نقش های خانوادگی زنان، موجب کاهش تعارض این نقش ها با اشتغال آنان گردند، از دیدگاه اسلام مورد تایید خواهند بود. اما سیاست هایی که اولویت اشتغال بر نقش های خانگی را مفروض گرفته یا دست کم اولویت نقش های خانگی را نادیده می گیرند و در نتیجه، بر روند ایفای نقش های خانوادگی زن تاثیر منفی بر جای می گذارند، با دیدگاه اسلام همخوانی نخواهند داشت.

اکنون آیا می توان نتیجه گرفت که اسلام فرضیه تعارض نقش های خانوادگی را با اشتغال زنان را تثبیت می کند؟ در پاسخ به این پرسش باید موضوع ارزش های غایی را بار دیگر یادآور شویم. اگر



در حوزه اشتغال زنان، برابری و تشابه جنسی را هدف غایی بدانیم، ناگزیر باید بپذیریم که دیدگاه اسلام با اولویت دادن به نقش های مادری و همسری برای زنان، مانعی فرا روی برابری شغلی میان زن و مرد ایجاد کرده و به تعبیر دقیق تر، این مانع دیرینه را تثبیت و تقویت نموده است. اما اگر برابری شغلی هدف نباشد، بلکه اشتغال زنان صرفا به لحاظ پیامدهای مثبت آن هم چون افزایش درآمد به منظور تامین نیازهای معیشتی و تضمین ایمنی آینده خود و خانواده، مطلوب باشد، روشن است که الگوی اسلامی توزیع نقش های خانوادگی نمی تواند مانعی در برابر اشتغال زنان قلمداد شود. (بستان، اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، ص ۱۵۸)

موانع شرعی و قانونی

طرفداران حقوق زن، مسئله لزوم احراز رضایت شوهر توسط زن برای خروج از منزل را که در شرع اسلام بر آن تاکید شده است، گاه به عنوان مانعی در برابر اشتغال زنان مطرح می کنند. بر حسب ادعا، وقتی مرد شرعا می تواند خروج همسر خود از منزل را محدود یا ممنوع کند، این بدان معناست که هر زن شوهرداری بالفعل یا بالقوه با مانعی جدی در برابر اشتغال خود روبه روست. در همین راستا ماده ۱۱۱۷ از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز با بیان این که «شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند» حق اشتغال زن را تابع اراده شوهر دانسته و به این ترتیب، مانعی قانونی در برابر اشتغال زنان شوهر دار قرار داده است. برخی تا آن جا پیش رفته اند که حتی قانون نفقه (ماده ۱۱۰۶ از قانون مدنی) را که برگرفته از نص قرآن کریم است، حاوی پیام ضد اشتغال زن دانسته و خواهان تجدید نظر در آن شده اند، چرا که به موجب این قانون، نفقه زن در عقد دائم بر عهده شوهر قرار داده شده است و این امر می تواند کاهش مشارکت شغلی زنان را در پی داشته باشد. حال باید دید تا چه اندازه می توان با ادعاهای یاد شده موافقت کرد.

یادآوری چند نکته در این زمینه لازم است: نکته نخست، عدم منافات این حکم اسلامی با حق اشتغال زن است، زیرا به موجب قاعده اشتراط ضمن عقد که در فقه اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است، زن می تواند برخورداری از حقوق مختلف، از جمله حق تحصیل و حق اشتغال در خارج از منزل را در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری که با شوهر می بندد شرط کند. نکته



دوم راجع به توجه ویژه ای است که اسلام به ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران نشان داده است؛ بدین لحاظ، چنان چه ممانعت شوهر از خروج زن از منزل در شکل اضرار باشد، که البته تشخیص آن بر عهده افراد ذی صلاح خواهد بود، بنابر موجه ترین برداشت در مورد قاعده نفی ضرر حتی امکان برخورد قضایی با شوهر در اسلام پیش بینی شده است.

سومین نکته نیز آن است که با توجه به شواهد عینی، مانع شرعی یاد شده در مقایسه با موانع اخلاقی و فرهنگی تاثیر اندکی دارد؛ چون در سال های اخیر، شاهد افزایش قابل توجه اشتغال زنان همراه با کاهش مخالفت مردان با این امر بوده ایم؛ از این رو، با فرض نبود موانع اخلاقی و فرهنگی نمی توان حکم شرعی مزبور را مانعی جدی در برابر اشتغال زنان قلمداد کرد.

با توجه به نکات فوق، پاسخ ایراد به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی هم مشخص می شود و لذا این ماده قانونی نمی تواند مانعی جدی در برابر اشتغال زنان به حساب آید. بدیهی است در استناد به این نکات برای توجیه قانون مزبور، فقط ناظر به مواردی هستیم که تشخیص شوهر در مورد منافی بودن شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا همسر، تشخیص نادرستی باشد یا اینکه وی به بهانه های واهی در صدد جلوگیری از اشتغال همسرش برآمده باشد؛ در این صورت، ممانعت او از شغل همسر، اقدام ناموجهی تلقی نخواهد شد. اما ادعای ناسازگاری قانون نفقه با اشتغال زنان در حقیقت به معنای ناسازگاری این قانون با برابری شغلی بین زن و مرد است، نه با اصل اشتغال زن. از این رو ایراد مزبور تنها از سوی کسانی قابل طرح است که برابری و تشابه جنسی میان زنان و مردان را به عنوان هدف غایی در عرصه اشتغال زنان مفروض می گیرند. ولی با رد این پیش فرض، هیچ ایرادی به قانون نفقه از جهت ناسازگاری آن با اشتغال زنان وارد نخواهد بود.

پیامدهای اختلاط جنسی در محیط کار

چون الگوهای غیر اسلامی اشتغال زنان غالباً اختلاط جنسی را مفروض می گیرند، به بروز دشواری ها و تعارضاتی برای خود زنان می انجامند که گاه به موانعی در برابر اشتغال آنان تبدیل می شوند. آزار جنسی در محیط کار یکی از مهم ترین مشکلاتی است که زنان شاغل در بسیاری از جوامع، به ویژه در جوامع غربی از آن رنج می کشند و گمان نمی رود بدون تجدید نظر در مبنای اختلاط جنسی، این مشکلا راه حل مناسب خود را بیابد. بر طبق برآوردها، در انگلستان از



هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدتی طولانی دچار آزار جنسی می گردند. این قبیل واقعیت ها از آن جا ناشی می شوند که بیشتر مردان اعم از مدیران، کارفرمایان، همکاران و مشتریان هرچند به طور ناخواسته به زنان هم چون موجوداتی جنسی می نگرند و این طرز نگرش به طور طبیعی در رفتار آنان منعکس می یابد. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی ایران، کاهش اختلاط جنسی در اماکن عمومی و به ویژه در محیط های شغلی به سبب بالا بردن احساس امنیت در زنان از سوی بیشتر آنان مورد استقبال قرار گرفته است. (رستمی، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، ص ۹۵-۹۶)

مشکل دیگری که برخی از صاحب نظران فمینیست به آن توجه داده اند، تعارض نقش های شغلی و نقش های زنانگی است که زنان غربی معمولاً با آن روبرو می شوند. نظر به اینکه فرهنگ غرب، انحصار خانواده را به عنوان مکان بروز زنانگی در هم شکسته است، زنان شاغل حتی اگر خود را از برخی نقش های زنانه - به طور خاص، همسری و مادری - به طور کامل رها سازند، در محیط شغلی به گونه دیگری از عوارض زنانگی رنج می برند. به گفته سیمون دوبوار، زن شاغل از جهانی وضعیت نامناسب تری نسبت به همسر و مادر خانه نشین دارد؛ زیرا از او در تمامی اوقات و همه مکان ها انتظار می رود که همانند یک زن رفتار کند. یعنی ناگزیر است افزون بر وظایف شغلی، وظایفی را نیز که زنانگی مستلزم آن ها است (به طور خاص ارائه ظاهری دلپذیر) در دستور کار خود قرار دهد.

در نتیجه، تعارضی درونی بین علقه های شغلی و علقه های زنانگی در خود احساس خواهد کرد، وی به میزانی که به علقه های شغلی خود اهتمام ورزد، احساس می کند که از نمونه های زنانگی (زنانی که روزهای خود را در سالن های زیبایی می گذرانند) عقب افتاده است و به میزانی که به آراستگی ظاهری خود توجه نماید، احساس خواهد کرد که کارش نسبت به مرد شاغل در سطح پایین تری قرار می گیرد.

الگوی اسلامی اشتغال زن، اصل را بر کاهش اختلاط جنسی در حوزه های عمومی جامعه قرار می دهد. قرآن کریم در داستان دختران شعیب علیه السلام به این نکته اشاره نموده و می فرماید: « هنگامی که موسی به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که در حال سیراب کردن



چهارپایان خود بودند و کمی آن طرف تر دو زن را دید که گوسفندان خود را به سمت آب نمی آوردند. موسی از آن دو پرسید: شما چه می کنید: ما به آن ها آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (که نمی تواند چوپانی گوسفندان را به عهده بگیرد) « از این گذشته، اسلام بروز جنبه های جنسی زنانگی را در خارج از قلمرو خصوصی خانواده رد می کند. براین اساس، ضمن آن که احتمال آزار جنسی در محط کار به عنون یکی از موانع اشتغال زنان به میزان قابل توجهی کاهش می یابد، انتظار می رود اهتمام زنان در آن محیط صرفاً معطوف به علقه های شغلی شود و سطح موفقیت شغلی آنان افزایش پیدا کند.

ولی متأسفانه واقعیت های اجتماعی هموره فاصله زیادی با این تصویر آرمانی داشته اند و شاید نتوان جامعه یادوره ای از تاریخ را یافت که در آن زنان توانسته باشند با آسایش خاطر و بدون هیچ گونه آزار و مزاحمتی از سوی مردان به کار بیرون از منزل بپردازند. به نظر می رسد این امر که خود ریشه در تفاوت های طبیعی زن و مرد و ضعف تربیت اخلاقی افراد دارد، یکی از نکاتی است که اسلام در اولویت دادن به اشتغال مردان در مقایسه با اشتغال زنان در نظر گرفته است.

به هر حال، اسلام تنها با الگویی از اشتغال زنان موافق است که سلامت اختلاقی جامعه را به مخاطره نیفکند و موجب افزایش نا امنی جنسی نگردد.

نتیجه بحث

نتیجه ای که از این تحقیق می توان گرفت این است که دین اسلام زن را در کنار مرد در خانواده و جامعه به فعالیت های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشویق کردی همچنن که حضرت خدیجه همسر یامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) در کنار شوهرش به فعالیت پرداخت و در پیروزی انقلاب رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نقش بسزایی داشت.

این تحقیق که جزو یکی از تحقیقات دینی بوده بطور واضح فعالیت های اقتصادی زنان را بیان کرده و هیچ گونه مخالفتی با اشتغال زنان نداشته در این تحقیق روشن شد که اسلام در جایی که مرد نتواند از عهده ی مخارج خانواده برآید زن را تشویقی می کند اشتغال داشته باشد البته به شرطی که باعث فساد وی و جامعه نشود و به نقش اصلی او که همسری و مادری است ضربه



نخورد.

و پیشنهاد می شود که زنان در محیط هایی کار کنند که با مردان انفعال هستند به شغل هایی روی آورند که بتوانند در منزل خود انجام دهند از قبیل رسیدگی، بافندگی و یا خدمات خانگی. و مشکلاتی که در سر راه این تحقیق وجود داشت این بود که کتب مورد نیاز در این زمینه بطور راحت در دسترس نبوده و وقت کافی وجود نداشت.



منابع

*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات الهادی، قم.

۱- ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۳، **تحف العقول**، ترجمه: پرویز اتابکی، قم، دارالحدیث.

۲- بستان، حسین، ۱۳۸۸، **اسلام و تفاوت های جنسیتی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳- حر عاملی، ۱۴۰۹، **وسایل الشیعه**، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام.

۴- دوست محمدی، هادی، ۱۳۶۸، **کتاب شخصیت زن از دیدگاه قرآن**، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۵- رستمی، الهه، ۱۳۷۹، **جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی**، تهران، جامعه ایرانیان.

۶- سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، **جامعه شناسی اشتغال زنان**، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

۷- صدر، حسن، ۱۳۵۷، **حقوق زن در اسلام و اروپا**، تهران، جاویدان.

۸- طبرسی، حسن بن فضل، بی تا، **مکارم الاخلاق**، بی جا، بی نا.

۹- فرجی، محمد، ۱۳۸۵، **قانون جمهوری اسلامی ایران**، تهران، طرح نوین اندیشه.

۱۰- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۷، **مکارم الخلاق**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.



۱۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۲، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی*
ایران، تهران، اقبال.

۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، *اصول کافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران،
دفتر نشر فرهنگ.

۱۳- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.

۱۴- مصطفوی، فریده، ۱۳۸۲، *زن از منظر اسلام*، قم، بوستان کتاب.

۱۵- ناظر زاده کرمانی، فرناز، ۱۳۷۸، *فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی*،
قزوین، نوادر.

۱۶- ناظمی، غلامرضا، ۱۳۸۹، *برابری زن و مرد در اسلام و غرب*، مشهد، ضریح
آفتاب.

۱۷- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*،
قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.



قلمرو فعالیت اقتصادی زنان

چکیده

هر فعالیتی که فرد در مقابل آن مزدی دریافت کند فعالیت اقتصادی نامیده می شود. با استناد به آیات و روایات وسیره ی زنان صدر اسلام این مطلب روشن می شود که این نوع فعالیت ها مختص مردان نبود و شامل حال نان نیز می شود.

اسلام کار برای زن را با حفظ حجاب و رعایت حقوق همسر برای او جایز دانسته است.

واژگان کلیدی: فعالیت، اقتصادی، کار، توسعه، اشتغال.

طرح مسأله

اشتغال زنان به کار در دو عرصه مطرح می شود: ۱- در عرصه ی خصوصی و خانه؛ ۲- در عرصه ی عمومی و اجتماع که به آن کار بیرون از خانه می گویند. اشتغال زن به کارهایی مثل شست و شو و پخت و پز و امثال این کارها همراه زن بوده و مورد بحث هیچ یک از موافقان و مخالفان کار زنان نیست؛ زیرا مخالفان اشتغال زنان؛ با این نوع کار مخالفتی نداشته و آن را مجاز با وظایف زن می دانند. از نظر اقتصاددانان فعالیت زنان در خانه که برای ساماندهی کانون خانواده است، کار و فعالیت اقتصادی به حساب نمی آید. (کیان مهر، تاثیر اشتغال زنان بر خانواده، مجله کار و جامعه، ش ۲۳) آن چه در این جا مورد بحث است اشتغال زنان در مراکز تولیدی و تجاری و خدماتی- اداری است. اکنون این پرسش مطرح می شود آیا زنان مجازند، که با توجه به فرهنگ دینی و اسلامی همانند مردان در عرصه اجتماعی در فعالیت های اقتصادی حضور یابند؟ یا تلاش در عرصه های تجارت و تولید و دیگر موارد ویژه ی مردان است.

مفهوم شناسی

۱. تعریف اقتصاد

اقتصاد: انسان با محیط خود مناسبات و روابط گوناگون دارد؛ آن قسمت از مناسبات و روابط انسان با محیط زندگی اش که به تأمین اشیاء یا خدمات مورد نیاز او از راه تولید اشیاء و خدمات مورد نیاز یا مبادله ی آنان مربوط می شود؛ روابط و مناسبات اقتصادی نامیده می شود.

علم اقتصاد شناخت این روابط و روند استفاده از آن هاست (اقتصاد توصیفی) و سیاست اقتصادی در پی تنظیم این روابط بدان گونه که باید باشد (اقتصاد تکلیفی). (نوری، اقتصاد اسلامی، ص ۵۹) اقتصاد در لغت عربی به معنای اعتدال و میانه روی است و در اصطلاح به آن قسمت از قواعد و مقررات گفته می شود که با مال و ثروت در ارتباط است. (همان، ص ۵۸)

هم چنین در جای دیگر آمده است که اقتصاد به معنای میانه روی و تجاوز نکردن از حدود و راه آسان است. (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و ج ۲ ص ۱۳۸)

۲. اهمیت و ضرورت اقتصاد

اقتصاد و مسائل مربوط به آن یک جنبه از زندگی بشر است و همه ی زندگی در آن خلاصه نخواهد شد، با این وجود مسائل اقتصادی نقش مهمی در زندگی بشر دارد؛ بخش مهم این تلاش در طول زندگی صرف تأمین احتیاجات و تأمین معاش می شود.

در همه ی جوامع چه در گذشته و چه در حال افزایش سطح رفاه و برخورداری افراد جامعه از امکانات مادی بیشتر و بهتر از اهداف بسیار مهم بشر بوده است. دین اسلام با این که ارتقای معنوی انسان و خداگونه شدن او را مد نظر دارد سعی در برطرف کردن این نیازها دارد، و تلاش می کند انسان را از اسیر شدن به مادیات و دل بستن به دنیا برهاند؛ اما بی اعتنایی به آن را نیز تبلیغ نمی کند.

اسلام در دسترس نبودن معاش را خطری می داند که اعتقادات انسان را تهدید می کند. به طوری که عبارت « من لا معاش له لا معاد له » گویای این امر است. (مخزن العرفان در تفسیر قرآن،



ج ۹، ص: ۲۶۴)

و نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تلاش برای رفع نیازهای زندگی را پسندیده می داند و فردی که در راه خدا تلاش می کند را هم چون مجاهد فی سبیل الله می داند. (کافی، ج ۵، ص ۸۸)

از نظر اسلام اقتصاد در زندگی فرد اهمیت فراوان دارد و کشوری که وضعیت اقتصادی آن نابسامان باشد و نتواند پا به پای کشورهای دیگر در مسیر پیشرفت همه جانبه حرکت کند بسیار آسیب پذیر است.

۳. اهداف فعالیت اقتصادی

الف) حکمت و هدفمندی افعال خدا

در بینش دینی زن نیز دارای ویژگی های شناخت انسانی است خداوند متعال به زن نیز مانند مرد ابزارهای ظاهری و باطنی و اعضاء و جوارح بخشیده است به یقین با توجه به وجود هدف در افعال الهی تجهیز زنان به این ابزارها هدفمند است نه بیهوده.

زن مجاز است از این ابزارها در راهی که شرع برای او تعیین کرده ؛ بهره برده و در راه تکامل مادی و معنوی از آن استفاده کند. ممنوع کردن زن از فعالیت اقتصادی همراه با تعطیل کردن بخشی از استعدادهاست که خدا برای او تعیین کرده واین مخالف حکمت الهی است. (طاهریان، حضور زن در عرصه های اجتماعی اقتصادی از نگاه آیات و روایات، ص ۲۷۲)

ب) استقلال اقتصادی واجتماعی

استقلال زن در بُعد اقتصادی و حتی اجتماعی می تواند شاهی خوب بر فعالیت اقتصادی زنان باشد؛ زیرا اگر زن مستقل در اداره ی امور اقتصادی خود باشد، دیگر وابسته به مرد نخواهد بود پس باید نیاز مادی و جسمی خود را نیز برطرف کند؛ تا به دیگران نیازمند نباشد. اگر این چنین است پس باید از نظر شرعی و قانونی کار و اشتغال برای زنان مجاز نباشد. (همان)



ج) لزوم رسیدن به توسعه

عده ای معتقدند برای رسیدن به توسعه ی اقتصادی در کشور، فعالیت اقتصادی زنان نیز لازم است؛ اعتقاد این افراد بر این است انسانی که نمی تواند با یک پا تند راه برود. چگونه می توان بدود، (شمس نجف آبادی، مثلث زن دین توسعه کتاب زنان، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ش ۷ ص ۳۶) و از آن جایی که زنان نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می دهند پس حضور آن ها در توسعه ی فعالیت اقتصادی ضروری است. (باجوری، المرأة فی الفکر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۶۹)

فعالیت های اقتصادی زنان

۱. فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن

شواهدی که از قرآن برای جواز فعالیت زنان می توان استنباط کرد، در چهار دسته قابل بررسی است:

۱. آیاتی که انسان را به بهره گیری از منابع طبیعی رهنمون کرده است.
۲. آیاتی که بر لزوم وفای به عقد دلالت دارد.
۳. آیاتی که درخصوص تحریم تحلیل برخی معاملات است.
۴. آیاتی که اشتغالات خاص را معرفی می کند، یا می توان جواز فعالیت کار را از آن استنباط کرد.

الف) امر به بهره مندی از طبیعت

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ لَنُشْرُونَ»

(او کسی است که زمین را برای شما رام کرد. بر شانه های آن راه بروید و از روزی های خداوند بخورید). (ملک، آیه ۱۵)

تعبیر «کلوا من رزقه» از بیان علامه طباطبایی (والمعنى هو الذى جعل الارض مطاوعه منقادة

لكم يمكنكم ان تستقروا على ظهورها وتمشوا فيها تأكلون من رزقه الذى قدره لكم بانواع



الطلب والتصرف وفيها). (طبابایی المیزان فی تفسیر القرآن ج ۲۰ ص ۱۳) می باشد که به معنای انواع طلب و تصرف در زمین است؛ از این رو به معنای خوردن نیست بلکه هم چون آیه « وَكُلُوا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ » (واموال یکدیگر را به باطل نخورید) (بقره، آیه ۱۸۸) به معنای تصرف کردن است.

براساس این تفسیر این آیه گوشزد می کند که ما زمین را به گونه ای آفریدیم که شما بتوانید نیازهای مادی خود را برطرف کنید. و واژه ی «کلوا» انسان را به کار و تلاش دعوت می کند.

از طرفی واژه ی «کلوا» خطاب به همه ی صنوف است و شامل همه انسان ها اعم از زن و مرد می شود و اختصاص به گروه خاص ندارد و جمع مذکر بودن واژه ی «کلوا» هم دلیلی بر این است که این آیه خطاب به مرد است بلکه روش قرآن در بیان احکام مشترک این است که از خطاب مذکر استفاده می شود.

برای مثال؛ اقامه ی نماز و پرداخت زکات با خطاب مذکر در قرآن آمده است « وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَأْتُوا الزَّكَاةَ » (و نماز به پا دارید و زکات بپردازید) (نور، آیه ۵۶)؛ و وجوب روزه ماه رمضان «يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » (ای

افرادی که ایمان آوردید! روزه بر شما نوشته شده همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند؛

نوشته شد تا پرهیزگار شوند). (بقره، آیه ۱۸۳) و آیات دیگر که مانند همین آیات است. اما آیا می

توان گفت این احکام فقط برای مردان است و زنان از این احکام مستثنی هستند؟

ب) لزوم وفای به عقد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (ای افرادی که ایمان آوردید! به پیمان ها و قراردادهای

وفا کنید). (مائده، آیه ۱)

وفی و اوفی هر دو به معنای تمام و کامل کردن (ابن منظور لسان العرب ماده وفی) و عقود جمع

عقد به معنای بستن و گره زدن چیزی به چیز دیگر است. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،



طبرسی، ج ۳، ص ۲۵۸) جمله «أوفوا بالعقود امر است و انسان را به هر چیزی که به آن عقد گفته می شود امر کرده است؛ این آیه دو جنبه دارد:

۱- از نظر مصداق عقد که در آن عقد خاص ذکر نشده است.

۲- از نظر مخاطب که زن و مرد را شامل می شود. در هیچ جایی از قرآن حکم وفای به عقد به گروه و صنف خاص اشاره نشده است.

ج) تحلیل و تحریم برخی معاملات

خداوند برخی از معاملات را نظیر خرید و فروش که نوعی کسب و تلاش اقتصادی است را حلال کرده است و فرموده است: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ...» (خداوند بیع را حلال کرد) (بقره، آیه ۲۷۵) و پاره ای از موارد را حرام شمرد: «حرم الربا»؛ (خداوند ربا را حرام کرد) و در جای دیگر آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (ای کسانی

که ایمان آوردید! ربا را چند برار نخورید) (آل عمران، آیه ۱۳۰). آیات فراوان دیگری نیز وجود دارد که با تعبیرهای گوناگون ربا و رباخواری را تحریم و درآمد حاصل از این راه را حرام می داند این هم یکی از احکامی است که بین زن و مرد مشترک است و هیچ مطلبی دلالت بر تفکیک جنسیتی وجود ندارد. برخی از آیات برای حلال و حرام بودن معاملات به زبان معیار بسنده کرده است و می فرماید: «...لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...»؛ (نساء، آیه ۲۹) (واموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید) و در ادامه آمده است: «(همان) (ای کسانی ایمان آوردید اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد).

اما ملاک ممنوعیت فعالیت های اقتصادی عنوان (اکل مال به باطل) و معیار سنجش و مشروعیت آن صدق عنوان «تجارة عن تراض» است. تمام فعالیت هایی که انسان انجام می دهد از این دو حالت خارج نیست؛ اما هیچ یک از این آیات اشتغال زن بیرون از خانه را نفی نمی کند؛ پس لازم است که اگر زن بیرون از خانه کاری یا فعالیت اقتصادی انجام می دهد؛ در صورتی که از نظر شرع مجاز است مانع ندارد و صرف بیرون از خانه بودن دلیلی بر ممنوعیت آن شمرده



نمی‌شود. (طاهریان، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی اقتصادی از نظر آیات و روایات، ص ۲۶۱)

د) اشتغالات خاص

دسته‌ای از آیات جواز بر اشتغال زنان در بیرون از خانه است. این آیات به حرفه‌ی یا شغل خاص اشاره دارد. البته این آیات در مقام بیان حرفه یا شغل برای انسان‌ها نیست بلکه مقصود فعالیت‌هایی بوده که در آن زمان رایج بوده است و هم‌اکنون هم عده‌ای این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها اشاره به گروه خاص ندارد و همه‌ی انسان‌ها اعم از زن و مرد را شامل می‌شود.

صیادی

«...وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا...»؛ (و هنگامی که از احرام بیرون آمدید؛ صید کردن برای شما مانعی ندارد) (مائده، آیه ۲). در ابتدای این سوره خداوند صید چهارپایان و خوردن گوشت آنان را حلال شمرده است و فرموده «...أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ...»؛ (چهارپایان برای شما حلال شده است) (مائده، آیه ۱) و در ادامه می‌فرماید؛ «...غَيْرَ مُجَلِّی الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ...» (مگر آن چه بر شما خوانده می‌شود و هنگام احرام صید را حلال نشمرید) (همان). این آیات شکار را برای افراد حاضر در مناسک حج در حالت احرام ممنوع اعلام کرده است. اما خطاب آیه‌ها مشترک میان زن و مرد است پس شکار بر زن و مرد محرم حرام است و هنگامی که از احرام خارج شدند می‌توانند شکار کنند حال برای تفریح باشد یا نه. پس شکار کار و فعالیتی است که زن و مرد می‌توانند انجام دهند.

ماهگیری و غواصی

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...» (او کسی است که دریا را مسخر ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن از آن استخراج کنید) (نحل، آیه ۱۴). این آیه به دو شغل اشاره دارد اول ماهی‌گیری زیرا مقصود از گوشت تازه از دریا ماهی است که می‌توان آن را صید کرد. دوم غواصی و استخراج زیور آلات مثل مروارید و



مرجان است باز در این آیه مخاطب صنف یا گروه خاص نبوده و شامل مرد و زن می شود.

کودک داری

«...فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...»؛ (و اگر برای شما نوزاد شیر می دهد پاداش آن ها را بپردازید) (طلاق، آیه ۶). در این آیه به مردانی که زن خود را طلاق داده اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به او شیر دهد امر کرده است که اگر مادر کودک حاضر است به نوزاد شیر دهد مزد آن را بدهید، در ادامه ی آیه می فرماید: «...وَإِنْ تَعَاسَرْتُم فَاسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى»؛ (و اگر به توافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن او را عهده بگیرد) (همان). مفسران در معنای این آیه گفته اند اگر مرد و زن در شیر دادن نوزاد به توافق نرسیدند در این صورت بر پدر لازم است که برای نوزاد دایه بگیرد. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۸)

دایگی و شیر دادن نوزادانی که مادرانشان شیر نداشته یا از دنیا رفته بودند در زمان گذشته مرسوم بود. چنان که حلیمه ی سعدیه و چند تن از زنان دیگر که برای همین به مکه می آمدند و در برابر خدمتی که می کردند مزد دریافت می نمودند. این کار در قرآن نفی نشده است. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۱۷)

دامداری

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»؛ (و هنگامی که به چاه آب مدین رسد گروهی از مردم را دید، که چهارپایان خود را سیراب می کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان بودند به آن دو گفت: کار شما چیست؟ گفت: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند و پدر ما مرد کهن سالی است) (قصص، آیه ۲۳).

آن چه از این آیه می توان استنباط کرد وجود چند نکته است؛ اول آن که فعل مضارع دلیل بر استمرار است و نشان می دهد که این کار روزمره ی آنان بوده است از طرفی با بیان این که پدر ما مرد سالخورده است می توان فهمید که همه ی کارهای گوسفندان اعم از چرا بردن و آب دادن



به عهده ی دختران بوده است. این جواز بر فعالیت دختران بیرون از خانه نیست بلکه آن ها بعد از سوال حضرت موسی می گویند پدر ما مردی سالخورده است عذر خود را از انجام این کار بیان می کنند و کار بیرون خانه بر حسب ضرورت انتخاب کرده اند. (قصص، آیه ۲۷)

۲. فعالیت اقتصادی زنان در روایات

و کتب محمد بنالحسن الصفار-رضی الله عنه-الی ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام: « فی امرأة طلقها زوجها ولم یجز علیها النفقة للعدة وهي محتاجة هل یجوز لها ان تخرج تبتت عن منزله للعملو الحاجة؟ فوقع علیه السلام لا بأس بذلك اذا علم الله الصحة منه»؛ (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه سید حسن خراسانی ج ۳ ص ۴۹۹).

محمد بن حس صفار در نامه ای به امام حسن عسکری نوشت: زنی را شوهرش طلاق داده است و از دادن نفقه در ایام عده خودداری کرده آیا آن زن نیازمند است، و آیا حق دارد برای تحصیل روزی از منزل بیرون برود امام حسن عسکری فرمودند: اگر واقعا چنین است و خداوند براستی آن را می داند، اشکال ندارد.

دو مسئله ی مورد نظر در این جا کار کردن زن بیرون از خانه و خروج زن در بیرون خانه است. اما آن چه مورد توجه است خروج زن از خانه برای کار کردن و اداره ی زندگی است. اما آن چه سبب شبهه در این جا است این است که چون زن در عده است و شاید مجاز نباشد بدون اجازه ی شوهر از منزل خارج شود. اما آن چه مشخص است این است که اصل کار کردن در بیرون از خانه برای زن جایز بوده است. (طاهریان، حضور زن در عرصه های اجتماعی اقتصادی از نظر آیات و روایات، ص ۲۶۸)

۳. سیره ی عملی زنان

زنان فراوانی در صدر اسلام و در زمان پیامبر و معصومان مشغول فعالیت اقتصادی بودند که این بزرگواران نه تنها نهی بر کار نمی کردند بلکه آنان راتشوق هم می کردند. (احمد حنبلی، مسند احمد، ج ۳، ص ۵۰۳)



الف) بافندگی

ام حسن نخیعه می گوید: حضرت علی علیه السلام در راه به من برخورد کرد، و فرمود: ام حسن! به چه کاری مشغولی؟ گفتیم: بافندگی؛ فرمود: بدان که حلال ترین کسب است. باتوجه به این روایت امام با دیدن ام حسن ابتدا از کار او پرسید که دلیلی بر فعالیت اقتصادی زنان است و در ادامه او را تشویق به ادامه کارش نمود. (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۱)

ب) نوحه خوانی

حنان بن سدیر گوید: در محله ما زنی بود که کنیزی نوحه خوان داشت. این زن از طریق نوحه خوانی کنیزش، زندگی خود را اداره می کرد. وی نزد پدرم آمد و گفت: تو می دانی که زندگی من از جانب خدا و به وسیله نوحه خوانی این جاریه تأمین می شود.

دوست دارم از امام صادق (علیه السلام) بپرسی که اگر این کار حلال است، ادامه بدهم، و گر نه کنیز را بفروشم و از بهای آن زندگی کنم تا خدا فرجی برساند. پدرم گفت: پرسش این مسئله از امام برای من سخت است. او اضافه می کند: وقتی خدمت امام رسیدیم، خودم از امام درباره مسئله آن زن پرسش کردم.

امام فرمود: آیا برای اجرت شرط می کند یا نه؟ گفتیم: به خدا قسم، نمی دانم شرط می کند یا نه. حضرت فرمود: به آن زن بگو: شرط نکن و هر چه دادند قبول کن. در این روایت نیز نوحه خوانی زن مورد تأیید امام قرار گرفته است. اگر اشتغال زن به نوحه خوانی غیر مجاز بود، آن حضرت وی را از این کار نهی می فرمود.

لازم به ذکر است این که امام در جواب پرسش کننده گفتند: برای کارش اجرتی تعیین نکند و هر چه دادند قبول کند، دلیل بر حرمت این کار و تحصیل درآمد از این طریق نیست؛ زیرا اگر چنین بود، امام مستقیماً او را از ادامه آن کار برحذر می داشت.

اگر به صورت استلزام نهی ای از کلمات امام فهمیده شود، مربوط به تعیین اجرت است به اصل عمل. عدم تعیین مزد نیز به احتمال قوی به سبب ویژگی کار است، نه خصوصیت نوحه خوان و جنسیت وی که زن است یا مرد... (همان، ص ۸۶)



ج) آرایشگری

ابن ابی عمیر با واسطه از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: یکی از زنانی که به آرایشگری بانوان اشتغال داشت بر رسول خدا وارد شد حضرت فرمود: آیا کارت را رها کردی یا هنوز به آن ادامه می دهی؟ زن گفت: ای رسول گرامی بر شغلم باقی ام مگر آن که شما مرا نهی کنی حضرت نه تنها منع نکرد بلکه اجازه فرمود به کارش ادامه دهد و او را به برخی از آداب این کار نیز راهنمایی فرمود. (همان، ۱۱۹)

د) عطر فروشی

حسین بن زید هاشمی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که زنی به نام زینب عطاره نزد زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد. پیامبر وارد خانه شد و او را نزد همسرانش دید. به وی فرمود: منزل ما را خوشبو کردی. زینب عرض کرد: منزل به بوی شما معطرتر است. پس از این سخنان، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخی از آداب و احکام خرید و فروش را برای وی بیان فرمودند. چنان که از این روایت استفاده می شود، نه تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با اشتغال زینب به عطر فروشی مخالفتی نکرد، بلکه با حسن رفتار خود با وی و با بیان برخی از آداب معامله، او را نسبت به ادامه آن کار تشویق کرد. (همان، ۱۵۱)

۴. اشتغال زنان از دیدگاه مخالفان

از آیات و شواهد روایی یاد شده می توان استفاده کرد که اسلام نسبت به اشتغال زنان دید منفی ندارد و کار و تلاش اقتصادی را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است.

تذکر این نکته نیز ضروری است که آن چه به عنوان دیدگاه قرآن و سنت، در ارتباط با اشتغال زنان بیان شد مربوط به نفس کار و تلاش اقتصادی و بیان جواز این عمل برای زنان است. اما این که زنان برای حضور در محل کار چه شرایطی را باید رعایت کنند، چه شغلی برای زن شایسته تر است، کدام کار با حالت روحی و جسمی زن متناسب است، حق تقدّم با کار خانه است یا بیرون، در صورت تراحم میان رسیدگی به فرزندان و همسر و اشتغال به کار بیرونی، ترجیح با کدام است،

اما در این میان دیدگاه دیگری وجود دارد، که با مسئله اشتغال زنان در بیرون از خانه مخالفند، و



آن را ممنوع می دانند اما برخی از دلایل آنان به شرح زیر است.

الف) ناسازگاری با وظیفه طبیعی زن

رسول باجوری این چنین می گوید که: (خداوند متعال تولید و تکثیر نسل آدمی را بر دوش زن نهاده و برای انجام این مسئولیت او را به ابزارهایی که از ضروریات تربیت طفل است مثل عاطفه و مهربانی مجهز ساخته و شوهرش را برای تامین نیازهای او و فرزندانش ملزم کرده است. تا زن بتواند با خیالی آسوده مسئولیت خود را انجام دهد. بیرون رفتن زن از خانه و کارکردن او با این اغراض منافات دارد زیرا جمع بین دو کار مشکل است و گاهی محال است زیرا محیط خانه و جو خانه زنان کارمند بهتر است. محیط مسافر خانه نسبت زن همسر ویا مادری که بهترین اوقات خود را که شاداب است در محل کار می گزارند برای خانه خستگی به ارمغان می آورد. (باجوری، المرأة فی فکر اسلامی، ج ۱، ص ۱۷۱)

نقد بر این مطلب را می توان این گونه بیان کرد که اگر چه این مطلب درست است که زن نمی تواند بعد از محیط کار کارهای خانه را به طور مطلوب انجام دهد اما این دلیلی بر ممنوعیت فعالیت اقتصادی آنان نیست. نهایت چیزی که می توان از این مطلب استنباط کرد این است که کار بیرون برای زن مرجوع است نه ممنوع. پس باید بین این دو تفاوت قائل شد و می توان به این نتیجه رسید، انجام و ظایفی که خدا برای زن مقرر کرده است اولویت دارد اما باز این دلیلی بر ممنوعیت فعالیت زن نمی شود. مشکل دیگری که بیان می کند مسئله زنان شوهر دار است نه جنس زن پس دلیل فقط بر مرجوع بودن اشتغال زنان شوهردار در بیرون از خانه است نه طلق زنان که شامل دختران و بیوه ها هم می شود. (طاهریان، حضور زن در عرصه های اجتماعی اقتصادی از نظر آیات و روایات، ص ۲۷۶)

ب) ناسازگاری با روح شریعت

دلیل دیگری بر جایز نبودن از خانه این است که گرچه نص صریحی بر حرمت فعالیت اقتصادی زنان در بیرون از خانه شده ولی با روح شریعت و احکام ان در تعارض است. «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم و ایه ولهن مثل الذی



علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه». تاکید دارد بر اینکه انفاق وظیفه مرد است و زن وظیفه ای در این باره ندارد. وظیفه زن همان چیزی است که در فطرت او قرار دارد. اگر زن وارد اجتماع شود و کار مرد را انجام دهد سبب تغییر شریعت شده که در اندیشه اسلامی مطلوب نیست زیرا تغییر در دین خدا جایز نیست. زن مگر برای ضرورت نمی تواند به کار بیرون از خانه مشغول شود. (باجوری، المرأة فی لفر اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۹)

ج) اشتغال بیرون مستلزم ارتکاب حرام

استدلال دیگر بر ممنوعیت کار زن این است که کار زن بیرون از خانه مستلزم چندین لازمه حرام است: ۱- مستلزم کشف حجاب و تبرجاست؛ ۲- موجب اختلاط زن و مرد در محل کار است؛ ۳- سبب فتنه انگیزی و مقدمه برای وقوع زنان و مردان در حرام می شود و چیزی که مقدمه حرام باشد حرام است. پس کار زن حرام است. دیگر این که کار کردن زن اگر چه ممکن است موجب توسعه اقتصادی در کشور و رفاه خانواده شود سبب از دست رفتن بسیاری از مصالح خانواده و فرزندان میگردد. در تزاخم میان توسعه اقتصادی که مصلحت مادی دارد و مصلحت فرزندان و خانواده مصلحت خانواده مقدم است. (همان)

اولاً: صغرای این قیاس مبنی بر این که کار زن در بیرون از خانه مستلزم حرام است تمام نیست؛ زیرا خود نمایی و کنار گذاشتن حجاب لازمه جدا ناشدنی کار کرن زنان نیست. ممکن است زن به فعالیت اقتصادی در بیرون از خانه اشتغال داشته باشد و دارای پوشش و ظاهری مناسب باشد.

زن می تواند با رعایت ضوابط و مقررات اسلامی شغلی در اجتماع داشته باشد. از این رو این قیاس نتیجه نمی دهد. اگر زن هنگام خروج از خانه و در محل کار خودنمایی نداشته باشد حجاب خود را نیز محفوظ بدارد و هیچ لازمه فاسدی بر کار او مترتب نشود در این صورت دلیلی بر حرمت کار اجتماعی زن نخواهیم داشت.

درباره اختلاط نیز می توان گفت: اولاً اختلاط مفهوم مشکک و دارای افراد فراوانی است که برخی از افراد ان به یقین اشکال ندارد و برخی از مصادیق ان حرام است. بنابراین نمی توان به طور مطلق اختلاط را دلیل بر جایز نبودن اشتغال زنان دانست.



باید اختلاط به طور دقیق تعریف و مرز حرام آن مشخص شود. در مواردی که زن و مرد برای انجام کار از خانه خارج شوند و در محیط های عمومی مانند معابر حرکت و در مکان های مذهبی شرکت کنند اختلاط حرام نیست.

د) ناسازگاری با حقوق شوهر

همسر در قرارداد ازدواج خود را متعلق حق شوهر قرار داده است و بر اساس آن باید در تمام اوقات باید در اختیار وی باشد؛ به این معنا که تمام اوقات او متعلق حق شوهر است. بنابراین کار کردن زن در ساعت هایی از روز به معنای اجیر شدن وی در آن ساعت هاست؛ در حالی که زن فرصت خالی برای اجیر شدن ندارد. در نتیجه هر گونه کاری که بخشی از اوقات شبانه روز زن را مشغول کند، تجاوز به حق شوهر خواهد بود. (حلی، سرائر، ج ۲ ص ۴۷۱) زنی که به عقد مردی در نیامده چنین مشکلی ندارد. او تمام وقتش آزاد است و می تواند اجیر دیگران شود.

دیگر این که این مشکل با اجازه شوهر بر طرف می شود. در حقیقت مانعی که در این جا وجود دارد، تزامم بین دو حق است که نمی تواند بین حق اشتغال خود و حق شوهر جمع کند و چون حق شوهر مقدم است باید از او اجازه بگیرد. پس این دلیل را نمی توان برای ممنوع بودن کار زن به طور مطلق مطرح کرد.

ه) ناسازگاری با وضعیت جسمانی زن

برخی کارهای بیرون از خانه را طاقت فرسا و نیازمند قدرت و توان جسمی فراوان و نامتناسب با جسم لطیف زنان دانسته و بدین سبب گفته اند زن نمی تواند به کار بیرون از خانه مشغول باشد. (سباعی، المرأة بین الفقه و قانون، ص ۱۵۳) شاید استدلال این افراد بدین گونه تکمیل شود که کارهای بیرون از سنگین و طاقت فرساست و انجام آن به وسیله زن سبب اضرار به جسم و حرام است. بنابراین اشتغال به کارهای بیرونی برای زنان جایز نیست.

نقد و بررسی: این دلیل در صغرا و کبیرا مخدوش است؛ زیرا اولاً: سنگینی کارهای بیرون از خانه خاصیت ذاتی و کلی بلکه اکثری آن نیست؛ زیرا بسیاری از کارهای بیرون فاقد این صفت اند. ثانیاً: بر فرض صحت این مطلب مربوط به زمان های گذشته است که فناوری به کمک انسان



نیامده بود ولی در حال حاضر که تمام کارهای سنگین با نیروی ماشین انجام می شود جایی برای این سخن باقی نمی ماند.

شرایط و ضوابط فعالیت اقتصادی زنان

۱. حفظ حجاب

اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شد این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد، استعداد خود را به فعلیت برساند منع کردن آن ظلم است.

باز داشتن زن از کوشش هایی که آفرینش به او امکان داده است نه تنها ستم به زن است، خیانت به اجتماع نیز می باشد. هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادای انسان معطل و بی اثر بماند؛ به زیان اجتماع است. فلج کردن این عامل و تضييع نیروی نیمی از افراد اجتماع هم بر خلاف حق طبیعی فردی زن است و هم بر خلاف حق اجتماع و سبب می شود که زن همیشه به صورت یک سربرابر برای مردان، در زندگی باشند.

پیرامون حجاب اسلامی که مشخص شده است، موجب حذر رفتن زن و ضایع ساختن استعدادهای فطری او نیست. حجاب اسلام نمی گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعدادهای او را گرفت. مبنای حجاب در اسلام این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع خالص برای کار و فعالیت باشد. به همین جهت به زن اجازه نمی دهد که وقتی از خانه بیرون می رود موجب تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می باشد. (مطهری، مسئله حجاب)

۲. حقوق همسر و فرزند

الف) حق همسر

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که زنی به نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا حق مرد بر زن چیست؟ حضرت فرمود (این که او را اطاعت کند و از



خانه چیزی به دیگری صدقه ندهد و بی اجازه ی او روزه ی مستحبی نگیرد، و در حال در امر زناشویی او را ممانعت نکند و از منزل خارج نشود مگر به اذن شوهر و اگر بدون اجازه ی او خارج شود، ملائکه آسمان و زمین و فرشته بر او غضب کنند، و رحمت تمام شود و او را لعن کنند تا زمانی که به زمین برگردد). (نراقی، رساله حقوقی امام سجاد، ص ۲۷۹)

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که: گروهی نزد رسول خدا آمدند و عرض کردند: یا رسول الله! ما دیدیم کسانی را که یکدیگر را سجده می کردند حضرت فرمود: اگر قرار بود که امر کنم مردم یکدیگر را سجده کنند (یعنی اگر سجده برای غیر خدا جایز بود) هر آینه امر می کردم زنان بر مردان سجده کنند. (همان)

از هر دو روایت می توان نتیجه گرفت که زن برای انجام هر فعالیتی باید از همسرش اجازه بگیرد. فعالیت اقتصادی یکی از این موارد است که زن باید برای انجام دادن آن اجازه ی همسرش را داشته باشد و در غیر این صورت مورد لعن و غضب فرشتگان واقع می شود و کارش جنبه ی شرعی ندارد.

ب) حق فرزند

یکی از حقوق فرزندان بر پدر و مادر محبت و مهربانی و شفقت والدین است. چرا که فرزندان بیشتر از هر کس احتیاج به محبت و مهربانی دارند مخصوصاً هنگامی که هم پدر و هم مادر مشغول به کار باشند. وظیفه مادر به عنوان کانون عاطفه این است زمانی که از محیط کار و فعالیت خود بر می گردد، کودک خود را در آغوش گرفته و دست نوازش بر سر آنان بکشد.

چنان که رسول خدا هنگامی که از سفر یا محیط کارش باز می گشت کودکان را که به دیدارش می شتافتند را در آغوش می گرفت و این کار را به اصحاب نیز سفارش می کردند. کودکانی که به این مقام نایل می شدند بر هم تفاخر می کردند. از سیره ی پیامبر این نتیجه را گرفت که این موضوع شامل حال زنان نیز می شود و زن نباید خستگی محل کار را وارد منزل کند و سبب ناراحتی فرزندان شود. (همان، ص ۳۱۷)



نتیجه بحث

فعالیتی که در مقابل آن بتوان مزدی دریافت کرد؛ چه در خانه و چه در بیرون از خانه فعالیت اقتصادی نامیده می شود. از آیات اشاره شده می توان به این نتیجه رسید آیه هایی که امر به فعالیت اقتصادی می کنند شامل مرد وزن می شود و نمی توان آن را به صنفی خاص اختصاص داد. سیره ی زنان صدر اسلام هم نشان می دهد که نه تنها فعالیت اقتصادی ممنوع نیست بلکه معصومان هم مردم را تشویق بر ادامه ی آن می داندو در پایان تأکید شده که انجام فعالیت اقتصادی برای زنان باید تابع مقررات باشد وزن باید حجاب خود را حفظ و حقوق فرزند و همسرش را ضایع نکند.



منابع

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ۱- ابن حنبل، احمد، بی‌تا، **المسند**، دارالصادر، بیروت، بی‌تا.
 - ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، موسسه الاعمی للمطبوعات، بیروت.
 - ۳- باجوردی، جمال محمد فقی رسول، ۱۴۳۳، **المرأة فی الفكر الاسلامی**، بیروت، دارالمعرفه.
 - ۴- حلی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۰ (ه. ق)، **سراائر**، قم، موسسه النشر الاسلامی
 - ۵- حیدری نراقی، علی محمد، ۱۳۸۵، **رساله ی حقوقی امام سجاد علیه السلام**، بیجا، انتشارات مهدی نراقی.
 - ۶- سباعی، مصطفی، بی‌تا، **المرأة بین الفقه وقانون**، بیجا، بی‌تا
 - ۷- شمس آبادی، فاطمه، بی‌تا، مقاله: **مثلث دین-زن-توسعه**، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۷.
 - ۸- صفی پوری طاب ثراه، عبدالکریم، ۱۳۷۷ (ه. ق)، **منتهی الارب فی لغة العرب**، بیجا، الاسلامیه.
 - ۹- طاهریان، احمد، ۱۳۸۹، **حضور زن در عرصه های اجتماعی واقتصادی از نگاه آیات و روایات**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



- ۱۰- طباطبایی، محمد حسین، بیتا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیجا، بینا.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۷۲، انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۲- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، *اصول کافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۱۴- کیانمهر، محمولی، (آذر، دی) ۱۳۷۸، مقاله: *تاثیر اشتغال زن بر خانواده، بررسی مشکلات زنان شاغل و متاهل در خانواده*، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۳۲.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مسئله ی حجاب*، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۷- یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۳۸۳، *تاریخ تحقیقی اسلام*، ترجمه: حسین علی عرب، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



نقش آموزه های دینی در اقتصاد

چکیده

در این مقاله سعی شده است تا نقش آموزه ای دینی در اقتصاد را مورد بحث و واکاوی قرار داد. دین یک برنامه کلی برای انسان دارد. که او را برای رسیدن به هدف ها هدایت می کند چه اجتماعی و چه اقتصادی سیاسی و فردی در این مقاله آموزه هایی از دین که بر اقتصاد تأثیر دارد و باعث توسعه اقتصادی می شود مورد بررسی قرار گرفته است. و همچنین به تأثیر جهان بینی فرد بر اقتصاد اشاره شده است.

ضرورت این بحث عدم جدایی بین دین و اقتصاد است و این که دین اسلام یک دین کامل برای انسان و برنامه ای کامل برای زندگی متناسب بشر است.

در ابتدا کلیاتی از تعریف اقتصاد و اقتصاد سالم و توسعه آمده است. و بعد اینکه اسلام تنها نیامده فقط به مفاهیم اخلاقی بپردازد، بلکه چهارچوب مشخص برای اقتصاد و کسب و درآمد، مشخص کرده است و برای اینکه مسائل اقتصادی همانند پرداخت خمس و زکات بدرستی انجام شود، آن را با مسائل عبادی مطرح میکند و ارزش معنوی زیادی به آن می دهد و جهان بینی شخص در کیفیت انجام فعالیت های اقتصادی نقش اساسی دارد این که فرد جهان بینی توحیدی داشته باشد و معتقد به خداوند معاد باشد باعث می شود که معنی سود و زیان خسارت و تجارت نزد انسان عوض شود یعنی به جای رقابت های آن چنانی که موجب ورشکستگی ها و درگیری ها و بروز تفرقه می شود تعاون و ایثار را در روابط اقتصادی افراد جایگزین می کند. همچنین آموزه هایی مانند کار قناعت و زهد و جلوگیری از اسراف و توجه به نظم در اسلام همگی به نحوی باعث توسعه اقتصادی می شود.

کار که خود فعالیت اقتصادی است قناعت و زهد موجب می شود فرد از تجمل گرایی دست بردارد در نتیجه کالاهای وارداتی کم و صادرات بیشتر می شود که این خود باعث توسعه اقتصادی می شود.

و نیز اشاره به درآمد های اسلامی کرده ایم مثل خمس و زکات که در آمد های حاصل از آن باعث افزایش پس انداز و سرمایه گذاری، کاهش نرخ بازده انتظاری پس انداز و همچنین تمایل به کار می شود و اگر پول به طور مشروع در یک جایی جمع شود با انفاق می توان سرمایه را دوباره به گردش در آورد. در واقع تمام سیاست های مالی اسلام گردش پول و سرمایه و جلوگیری از انبار و نگهداری آن.

از این بحث نتیجه میگیریم برای رسیدن به اقتصاد سالم و استقلال در اقتصاد باید جهان بینی توحیدی داشت.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد سالم (اقتصاد اسلامی)، توسعه اقتصادی، جهان بینی

طرح مسئله

در این مقاله اشاره ای کوچک به نقش آموزه های دینی در اقتصاد شده است. اسلام یکسری دستور العمل هایی برای زندگی بشر دارد مانند نماز روزه حج، یا پرداخت خمس و زکات پرهیز از اسراف و غیره. این آموزه ها ارتباط مستقیم با زندگی فردی و اجتماعی فرد دارد و هر کدام تأثیر مهمی بر زندگی فرد می گذارد. یکسری آموزه ها مثل پرداخت خمس و زکات و قناعت و زهد تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر اقتصاد و توسعه و رشد آن و رسیدن به استقلال اقتصاد دارد.

و همچنین اشاره کوتاهی به وجود آموزه های دین و تأثیر آن بر اقتصاد شده است. و به صورت تفصیل و یا تأثیر کلان بر روند اقتصادی و یا چگونگی رسیدن به اقتصاد سالم و یا چگونگی برنامه ریزی برای رسیدن به آن بحثی نیامده است. اما اهمیت و ضرورت بحث اینجاست که وقتی فرد مسلمان معتقد است دین اسلام یک دین کامل و برای همه جهانیان و جاودانه است و دارای دو بعد معنوی و مادی است که همه حیات فرد را از لحاظ فردی و اجتماعی تأمین می کند و ضامن رسیدن او به سعادت است. پس باید از همین آموزه های دین به اقتصاد سالم که همام



اقتصاد اسلامی است برسد. و در پرداختن خمس و زکات همان قدر سعی کند که برای نماز و روزه و حج تلاش می کند و همچنین برای افرادی که دین را از اقتصاد جدا می دانند و فکر می کنند که دین نمی تواند به مسائل اقتصادی پاسخ دهد این بحث ها به این افراد پاسخ می دهد و موضوع را روشن می کند و متوجه می شود که هر کدام از آموزه های دین چه زهد و چه قناعت و چه پرداخت خمس و زکات فلسفه اقتصادی دارد. و در نتیجه به مقام این دین و جامع و کامل و جاودانه بودن آن می رسد.

نقش آموزه های دینی در اقتصاد

اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیر مستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره ی مالکیت، مبادلات، مالیات ها، حجرها، ارث، و صدقات، وقف مجازاتهای مالی یا مجازات هایی که زمینه ی ثروت و غیره و همچنین کتاب البیع، کتاب الاجارع، کتاب الهبه، کتاب الوقف دارد.

پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. در این جهت برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می باشند. اسلام مردم را توصیه می کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی، خیانت، رشوه، همه این ها در زمینه ثروت است. و یا قسمتی از قلمروی مفاهیم ثروت می باشد. (مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۳)

در کل جهت گیری اصلی اقتصاد اسلامی تقسیم در آمد جامعه بین ثروتمندان و فقران است. و ثروتمندان را تشویق می کند که بخشی از ثروت خود را از طریق زکات و صدقات به فقرا منتقل کنند. زکات مالیاتی اجباری و صدقه، انتقال داوطلبانه دارایی است و می توان این را همانا تأمین اجتماعی دانست. (مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، پرفسود نور نجد احمد، ترجمه محمد جواد مهدوی)

اسلام از انفاق که یکی از مصادیقش زکات است چنین تعبیر می کند « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ... » (توبه، آیه ۱۰۳) از زکات به عنوان چیزی که مال را پاک و پاکیزه و تطهیر می کند تعبیر شده است. این گونه تعبیر ها با این القائات تأثیر باورهای اعتقادی را بر مسائل اقتصادی در وجدان شخص مسلمان همواره حفظ می کند.



اسلام با تکیه بر دو موهبت اختیار و آگاهی انسان در بعدی فردی و اجتماعی، خود انسان را اصل قرار می دهد و هرگونه تغییر و تحولی را از خود انسان شروع می کند و او را مسدول می شمارد. با تفسیری که اسلام از انسان دارد، دیگر جایی برای جبر و تأثیرات جبری و اساطیری نمی ماند و به انسان در مقابل ابزار اقتصادی اصالت داده می شود. انسان چون عالم و انتخاب گرا است، پس نزد او مسئول است و باید حرکت کند و به این ترتیب در کنار عنصر ابداع و خلاقیت انسان در همه بخش ها به خصوص در بخش اقتصادی، عنصر مسئولیت افراد در دقابل دیگران و حقوق جامعه و حقوق خدا، نیز به وجود می آید.

بر اساس همین مسئولیت، زمینه مبارزه با ظلم قدرت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و طاغوت ها ایجاد می شود. و همچنین اسلام نیامده تنها به انگیزه، و بینش های فلسفی و اخلاقی و اعتقادی اکتفا کند و بخواهد جامعه را تنها و تنها بر اساس این مفاهیم اداره کند و در عین حال برای فعالیت اقتصادی چارچوب حقوقی و ضوابط قانونی وضع کرده است. و یک نظام اقتصادی مشخصی را از نظر حقوق اقتصادی مطرح می کند. مشخص می کند مالکیت ها بر چه اساس درست و بر چه اساس نادرست است تا چه اندازه آزادی اقتصادی برای فرد وجود دارد، تا چه اندازه حق جامعه و طبقات محروم جامعه است. اسلام فقط واعظ اخلاقی، معنوی و الهی نیست که به عنوان اندرز بگوید این کار را بکنید و آن کار را نکنید بلکه چارچوب و ضوابط حقوقی را هم مشخص کرده است.

اسلام، تمام صدقات و زکوات و دیگر مقولات اقتصادی را با رنگ عبادی و معنوی و ارزش آمیخته و سعی کرده افراد این اعمال را زیر پوشش معنوی و اخلاقی انجام دهند و این اعمال دارای بُعد مادی و اقتصادی محض نباشند. اسلام سعی کرده در زندگی انسان ابعاد مادی و معنوی را باهم پیوند دهد. در دیدگاه اسلام ماده و معنا از هم جدا نیست، دنیا و آخرت دو تا نیست. در دیدگاه اسلام فرد و خدا جدا نیست. این ها درد حقیقت همه در یک راستا قرار دارند. پوشش اخلاقی و ارزش رفتارهای اقتصادی، اثرات فوق العاده ای در حفظ هدف های اقتصادی و توزیع بهتر ثروت ها در جامعه دارد.

اسلام در خلال این آموزه ها، انگیزه های مخصوص را شکوفا می کند. انگیزه اخوت، تعاون،



همکاری، ایثار، در محابات در معامله، این ها نکات ریزی است که ممکن است به سادگی از کنار آن ها گذشت و پنداشت که اثری ندارد، در صورتی که آثار اجتماعی فراوان دارند. از لابلای همین نکات ریز، مکانیزم های معنوی اقتصاد کشف می شود. این مکانیسم ها ی معنوی، خیلی از پیش فرض ها و شاخص هایی که در اقتصاد های دیگر به عنوان اصول و شاخص ها و پیش فرض ها ی مسلم مطرح می شود، عوض می کند. یعنی به جای رقابت ها یا چنانی که منجر به ور شکستی ها و درگیری ها و بروز تفرقه ها و دشمنی و عداوت می شود.

تعاون و ایثار و احسان را؛ در روابط اقتصادی افراد جایگزین می کند. در تاریخ اسلام و بازارهای اسلامی نمونه های فراوانی را از تأثیر این عوامل معنوی در روابط اقتصادی جامعه می بینیم که جهان بینی الهی چه نقش فوق العاده و ظریفی در حیات اقتصادی افراد داشته و چگونه انگیزه ها، روحیات و اخلاقیات افراد را عوض کرده و سود طلبی های آن چنانی را که در جهان سرمایه داری می بینیم به حس تعاون و ایثار و محابات در معامله و برادری و... تبدیل کرده است.

(مقاله: مشخصه های اقتصادی اسلامی، محمود هاشمی شاهرودی، [www.isu.ac.ir/](http://www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq)، ۱۶ / ۲ . htm)

اصول دینی موثر در توسعه اقتصادی

۱. ایمان به خدا (جهان بینی توحیدی)

اعتقاد به توحید و اصول عقاید منشعب از توحید و به عبارتی جهان بینی توحیدی نقش اقتصادی دارد و به نظام اقتصادی پوشش توحیدی می دهد و آن را در این مسیر به حرکت در می آورد.

براساس جهان بینی توحیدی، انسان مسلمان در برابر خدا و جامعه انسانی مسئولیت دارد. این که انسان خود را در برابر خدا مسئول بداند، در تمام فعالیت های اقتصادی، تولیدی، توزیعی و مصرفی خود به این مسئولیت توجه دارد و آن ها را براساس این مسئولیت تنظیم می کند.

در یک جهان بینی غیر الهی که انسان معتقد به خدا نیست، معتقد به این است که فقط خودش هست و این دنیا و همه ی وجودش را مسائل مادی و مادیگرایی پر کرده است، رویکرد او به فعالیت های اقتصادی نیز به گونه ای دیگر خواهد بود. همین انسان وقتی معتقد به خدا و توحید و مسئولیت در برابر خالق و خلق شود، قهراً برنامه زندگی او عوض خواهد شد. تأثیر این اعتقاد در



فعالیت های اقتصادی و کیفیت به دست آوردن ثروت و مصرف آن، در مقوله عدالت اجتماعی، بسیار آشکار است، بحث های تأمین های اجتماعی و عدالت اجتماعی و انفاق، همه بر این اصل قرار می گیرد.

توحید و مفهومی که جهان بینی توحیدی از مال و ثروت به ما می آموزد نقش فوق العاده ای در تعریف رابطه ی انسان با ثروت دارد، اینکه به مال و ثروت چطور نگاه کنیم و مال و ثروت و سود تا چه حد برایمان اصالت دارد. اسلام مال را به عنوان مال خدا فرض می کند، سعی می کند این مفهوم مبنایی را در تمام دل ها جا بیندازد که این مال، مال شما نیست، مال خداست که در اختیار شما قرار گرفته است «...آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نساء، آیه ۵۴) «مال الله» (نور، آیه ۳۳)،

«رزق الله» (اعراف، آیه ۹۶) تعبیراتی است که در قرآن کریم در مورد اموال انسان ها به کار برده شده است. قرآن سعی می کند نگاه انسان به مال، نگاه ابزاری و وسیله ای باشد نه نگاه اصلی و هدفی که مال را همه چیز و هدف نهایی بدانند. برداشت انسان توحیدی از مال به عنوان یک وسیله آن هم وسیله ای که خدا در اختیار انسان قرار داده و در واقع مال خدا، رزق خدا و فضل خدا است. این باورها به تدریج، خود یکی از ابزارهای مهم اقتصاد اسلامی برای دست یابی به هدف های والای آن در ابعاد فردی و اجتماعی و تربیت انسان ها و برقراری جامعه اقتصادی عادلانه شده است.

امتیازات اقتصادی برای کانون های قدرت و ثروت - چه فردی و چه طبقاتی - است. نفی هر گونه بندگی برای طاغوت ها و قدرت ها و نفی مظاهر طاغوت از اصول اعتقادی انسان مؤمن است که همگی از اصل توحید سرچشمه می گیرد. با حاکمیت ارزش های معنوی، حاکمیت و رهبری جامعه به افراد صالح می رسد، به فردی که هر چه بیشتر این ارزش ها را در خود تحقق بخشیده باشد. این نقیض آن چیزی است که در جهان بینی های مادی مطرح است.

(هاشمی شاهرودی، مشخصه های اقتصاد اسلامی، - [www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq-16-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq-16-ye-Sadiq.htm](http://www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq-16-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq-16-ye-Sadiq.htm) .۲ .۱۶)

۲. ایمان به وحی (قرآن کریم)

قرآن کریم در یک نگاه معنوی که آثار قطعی مادی دارد، داشتن ایمان و تقوا را موجب افزایش



برکات و به تبع آن رشد اقتصادی می داند و اتفاقاً تکذیب دین و معرف آن را موجب عذاب الهی بر می شمرد. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم (اعراف، آیه ۹۶)

پس انسان هوشمند که قرآن کریم را به عنوان کتابی که در آن هیچ شکی وجود ندارد قبول دارد و می داند که در نگاه توحید محور، ایمان راسخ و صحیح حتی آثار وضعی اقتصادی و جلب برکات مادی را هم در پی دارد.

قرآن کریم تأکید می کند که بابت هر چیز از هر راهی و به هر شکلی نباید کسب سود نمایند و از کم فروشی و کاستن از کیفیت و کمیت باید بپرهیزند. (عاکفی، جهاد اقتصادی، ص ۳۸)

«أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» «حق پیمانانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید. (شعراء، آیه ۱۸۱) و همچنین اساس نظام اقتصادی بر تسلط مالک بر اموال خود و اراده آزاد در تصرف آنها استوار شده است. «الناس مسلطون علی اموالهم» (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۱۹) قرآن تصریح کرده است که فقط افراد رشید دارا سلطه کامل و اراده آزاد در محدوده تعیین شده نسبت به اموال و دارایی خود هستند و جامعه اسلامی حق ندارد اموال سفها و صغار (یتیمان) و مجانین (دیوانگان) را در اختیار آنان قرار دهد. (نساء، آیه ۵۶) قرآن این حکم را معلل به فلسفه اموال در احکام کرده است. و می فرماید: «قیام و استواری اقتصادی یا به تعبیر دیگر توسعه اقتصادی را در اموال و سرمایه های اشخاص قرار داده شده است.

از این رو سفیه و صغیر چون نمی توانند اموال را در جهت قیام توسعه اقتصادی بکار گیرند حق تصرف در آن ها ندارند، بلکه اموالشان باید در اختیار سرپرست رشید یا حاکم اسلامی «قرار گیرد. (سلمان پور، آموزه های اسلام در جهت توسعه اقتصادی، شماره ۴۵) مگر این که رشد آنها احراز گردد. (همان)



چند نمونه از تصریح قرآن کریم به اقتصاد

توسعه اقتصادی پیام نهفته در حقیقت مسخر ساختن طبیعت برای انسان قرآن و روایات متعددی خبر داده است که خداوند، طبیعت و آنچه در زمین و آسمان است. دریاها و آنچه در دریاهاست و خورشید، ماه، شب و روز (لقمان، آیه ۲) را مسخر انسان ها کرده است. این تعالیم بیان می‌دارد که انسان می‌تواند به دورترین کرات آسمانی و آن چه در آن هاست و به اقیانوس ها و دریاها و ذخایر نهفته در آنها دست یابد و در جهت هدف یا اهداف معینی بهره‌برداری کند و به طریق اولی، سرمایه‌ها و مواهب زمین را کسب کند و در بستر سالمی که دین و احکام اسلام تعیین کرده است، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد.

توصیه به احیاء و حیازت، توصیه به توسعه اقتصادی

احیاء و حیازت مباحث و بهره‌وری از زمین، جایگاه مهمی در اقتصاد اسلامی دارد و به شدت به آن توصیه شده است تا آنجا که قسمتی از فقه را تشکیل داده است. (شهید ثانی، شرح لمعه، دار العلم الاسلامی، بیروت، ج ۷، ص ۱۳۲)

آیات قرآن به صورت دستور به بهره‌وری از زمین، اشاره کرده است مانند:

۱- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...» یعنی: ای مردم، آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید. (بقره، آیه ۱۶۸)

۲- «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» یعنی: و دستور دادیم که از این روزی حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم، تناول کنید. (طه، آیه ۸۱)

۳- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» یعنی: او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید. پس شما در پست و بلندیهای آن حرکت کنید و روزی او خورید و شکرش گویند که بازگشت خلق به سوی اوست. (ملک، آیه ۱۵)



۴- «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ

نَضِيدٌ رِزْقًا لِّلْعِبَادِ» (ق، آیات ۹ تا ۱۱) مفسران و فقها در این که امر «کلوا» در سه آیه اول برای وجوب است یا استحباب، اختلاف نظر دارند. برخی حمل بر وجوب و برخی حمل بر استحباب کرده اند. ما در اینجا وارد بحث تخصصی فقهی و تفسیری نمی شویم؛ چرا که اگر آیه را حمل بر استحباب هم کنیم که بیشتر فقها و مفسران نیز بر این نظر هستند. (فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۸) باز به بحث و مقصود ما لطمه وارد نمی شود.

در سه آیه اول، قرآن اشاره می کند که شایسته است که از آنچه در روی زمین و زیرزمین می روید، بخورید (بهره برداری کنید). بدون شک این توصیه مؤکد، شامل تمام سرمایه های خدادادی در روی زمین، جنگلها، مراتع، معادن و ذخایر دریایی می شود.

در آیه چهارم در واقع امر به مهار آب های زیرزمینی، جاری بر روی زمین و آب باران و احیاء زمین از طریق کشاورزی و باغداری می نماید. تمام این امور، امروزه در قالب بحث توسعه اقتصادی مطرح و قابل بررسی و مطالعه است. بنابراین می توان ادعا کرد این قبیل آیات و روایات در تعالیم اسلامی در واقع امر به برخی از ابعاد مهم توسعه اقتصادی است.

توسعه اقتصادی تکلیفی در جهت نفی سبیل کفار بر مسلمین

یکی از امور مسلم، بلکه ضروری دین اسلام، نفی سبیل و قطع راه های سلطه کفار و اجانب بر مسلمانان و جامعه اسلامی است. این تکلیف در قرآن به صورت خبر آمده است. «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، آیه ۱۴۱) نه به شکل جمله انشایی و امری.

در جای خود در اصول فقه (آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۹۲) ثابت شده که این گونه واجبات با اهمیت تر و مورد تأکید بیشتر شارع هستند. خداوند متعال در این آیه فرموده است که کفار راهی برای سلطه بر مسلمانان و جوامع اسلامی ندارند.

اگر این آیه را به عنوان خبر تلقی کنیم از آن کذب لازم می آید و تعالی الله عن ذلک. از این جهت، باید آیه را حمل بر جمله انشایی و امر نموده و قایل شویم به این که خداوند از این بیان



می خواسته است یک تکلیف و امر مؤکد بر مسلمانان و حکومت اسلامی را بیان نماید که آنان باید تمام راه های تسلط کفار بر خود و جامعه خود را قطع و سد نمایند.

این امر آن قدر مورد تأکید خداوند است که تحقق آن به وسیله مسلمانان، مفروغ عنه گرفته شده و به صورت یک خبر القا شده است.

فقهها این اصل رکن فرهنگ اسلامی را به صورت یک قاعده مهم فقهی در آورده اند و تحت عنوان «نفی سبیل» درباره آن و از جزئیات آن بحث می کنند (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱) و مبنای استنباط و اجتهاد بسیاری از احکام فرعی در موضوعات مختلفی در باب معاملات، روابط بین مسلم و غیرمسلم، اجرای حدود و مجازاتها... قرار داده اند.

جریان این قاعده در باب معاملات و مسائل اقتصادی دو ویژگی مهم نظام اقتصاد اسلامی را به دست می دهد، اول: استقلال اقتصادی نظام اسلامی و دوم: برتری نظام اقتصادی اسلام بر سایر نظام ها.

متأسفانه کشورهای اسلامی به خاطر عقب ماندگی از آیات قرآن و تعالیم اسلام هنوز نتوانسته اند این دو ویژگی را برای نظام اقتصادی خود دست و پا کنند.

بدون شک اقتصاد جوامع اسلامی یکی از راه های نفوذ و سلطه کفار است. از این رو، استقلال و برتری اقتصادی جامعه اسلامی یکی از مهمترین راه های نفی سبیل و قطع کانال نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین است. آنچه مسلم است استقلال و برتری اقتصادی در گرو توسعه اقتصادی و برخورداری از نظام اقتصادی سالم و رو به رشد اسلامی است.

بر این اساس از قاعده نفی سبیل وجوب توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی بر مسلمانان و حکومت اسلامی استنباط می گردد.

۳. ایمان به معاد

در جهان بینی توحیدی یکی از اصول منشعب از توحید، ایمان به معاد و حیات اخروی است، ایمان به جهان دیگری که از این جهان پر بارتر، والاتر، بالاتر است و جهان ابدی است. این ایمان در بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی و تنظیم روابط و مناسبات اقتصادی نقش بسیار اساسی و



فوق العاده دارد. ایمان به حیات دیگر و جهان دیگر که یکی از اصول اعتقادات اسلامی است، سبب می شود معنی سود، زیان، مطلوبیت، خسارت، تجارت، نزد انسان عوض شود و مصادیق آن ها گسترش پیدا کند. دیگر برای چنین انسانی فقط سود و زیان در این دنیا مهم نیست، چون جهان دیگری را بعد از این جهان می بیند و به آن معتقد است. یقین دارد که آنچه را که در این جهان بدهد، ده برابر آن را در جهان دیگر به دست می آورد.

این مسأله ای است که در آیات قرآن زیاد به چشم می خورد، خدا وقتی می خواهد با ما در مسائل مربوط به انفاق و عدالت های اجتماعی و تأمین های اجتماعی و زکوات و خدمات و خیرات و مبرات و غیره سخن بگوید، همیشه از این تعبیر استفاده می کند و می فرماید این تجارت بالاتری است. گر چه در این دنیا چیزی را از دست می دهد اما آنچه را در آخرت در عوض آن به دست می آورد بسیار بیشتر و بالاتر از چیزی است که از دست داده است. مصداق تجارت و سود بیشتر و بهره حقیقی این است، نه بهره ای که به زعم جهان بینی مادی تنها در این دنیا و در این حیات ترسیم می شود. هم چنین مطلوبیت ها نیز در جهان بینی توحیدی عوض می شود، مطلوبیت ها در یک جامعه مؤمن در مطلوبیت هایی از قبیل لهو و لذت و نفع طلبی خلاصه نمی شود. مطلوبیت، مصادیق خیلی ارزنده تر و بالاتری پیدا می کند که همه مبتنی بر اعتقاد به جهان دیگر است، مفهوم و مصداق سود و زیان بر اساس اعتقاد به آخرت تعریف می شود.

معاد برای انسان معتقد به ماده و دنیا اصلاً معنا ندارد که کسی برای حفظ مصالح جامعه و دیگران از سودجویی خود دست بکشد. اما انسان معتقد به حیات اخروی می داند وقتی امروز انفاق می کند فردا ده برابر آن را می گیرد، فردایی که باور دارد و در جهان بینی او اثبات شده است، نه فردای خیالی. این فرد، دست کشیدن از منفعت مادی و جسمی محدود خود را در مقابل یک لذت و سود بالاتری در مقام موازنه قرار می دهد و می بیند آن سود بر این سود ترجیح دارد. قهراً این همان اصل سودطلبی فردی است که از اصول فطری انسان است و قابل حذف نیست، ولی در اینجا انسان سود پایدار اخروی را بر سود دنیایی ترجیح می دهد و در نتیجه و بالمالزمه، مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده است. (هاشمی شاهرودی، مشخصه های اقتصاد اسلامی، www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq16.htm، ۱۶، ۲۰۱۶)



عدالت یک اصل است و یک هدف اقتصادی است و هرگاه روش و سیاست‌های اقتصادی جامعه در تضاد با عدالت قرار گرفت، عدالت مقدم است. ارزش‌ها تنها عدالت و قسط نیست. ارزش‌های اسلامی دیگری نیز مطرح است که آن‌ها هم باید به عنوان اساس مسائل اقتصادی مورد نظر قرار بگیرد.

به طور کلی سیاست‌های اقتصادی باید ذیل ارزش‌های معنوی قرار گیرد. اقتصاد اسلامی به امور اقتصادی، نگاه اخلاقی دارد، اسلام وقتی می‌خواهد برای افراد وظایف اقتصادی قرار بدهد، وظیفه‌ای که نقش اقتصادی در جامعه در تولید یا توزیع ثروت دارد، سعی می‌کند این وظیفه را با یک ارزش اخلاقی و عبادی بیامیزد. مثلاً انفاق که کاملاً کاربرد اقتصادی دارد و در توزیع مجدد ثروت و در تامین اجتماعی و برقراری عدالت بسیار مؤثر است، آن قدر با مسائل عبادی و معنوی آمیخته شده که صبغه اقتصادی آن را تحت الشعاع قرار داده است. در انفاق شرط است که مانند زکات و خمس با قصد قربت و عبادت و بدون منت داده شود. (همان)

۴. ایمان به پیامبران

ادیان الهی به خصوص اسلام، نه تنها بر توسعه از جمله توسعه اقتصادی تأکید کرده‌اند؛ بلکه با تأملی در تاریخ و تعالیم انبیا در می‌یابیم که منشأ پیدایش بحث نظری توسعه در علوم انسانی و حکمت عملی و علم اداره حکومت، پیامبران به خصوص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و معصومین (علیهم السلام) بوده‌اند. در عمل نیز توسعه در تمام ابعاد مانند فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... ناشی از تلاش و کوشش یا توصیه سفارش آن رسولان الهی و اصحاب صادق آنان بوده است.

چند نمونه از سرچشمه توسعه

حضرت آدم (علیه السلام) اولین شخصی بود که به تعلیم خداوند به کشاورزی و کشت گندم دست زد و هابیل، فرزند صالح او، این کار را توسعه داد. (ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴) سایر انبیاء در هزاره اول این کار را ادامه دادند تا این که نوبت به حضرت نبیط یکی از فرزندان زادگان حضرت نوح که فردی صالح بود، رسید.



وی کشاورزی را به طور گسترده‌ای توسعه داد و علاوه بر زراعت به کشت درخت و ساختن نهرها و جاری کردن آب ها دست زد و صنعت باغداری و آبیاری را پدید آورد (همان، ص ۱۸) این آغاز توسعه دو صنعت آبیاری و باغداری بود که تا امروز ادامه یافته است.

حضرت داوود (علیه السلام) نخستین فردی است که به تعلیم خداوند، صنعت ریخته‌گری در فلزات را ابداع نمود. آن حضرت استفاده از فلزات را از حالت بسیط خارج کرد و از طریق ذوب فلزات و ریخته‌گری به تجارت فراورده‌های آن پرداخته است. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۷۴)

پیشکسوت صنعت دامداری، انبیا الهی بوده‌اند، کما این که اولین کسی که توسعه شهری و اجتماعی و تقسیم جمعیت را ابداع نمود و بدان همت گمارد، حضرت نوح (علیه السلام) و سپس حضرت فالغ، یکی از پیامبران پس از هزاره اول، بود. (ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۸)

فن تجارت به وسیله انبیا علیهم السلام پدید آمد و در اثر تعلیم و توصیه آنان به اصحاب خود، توسعه پیدا کرده است. در سایر ابعاد توسعه مانند توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی... نشانه‌ها و قراین دقیق و متقن تاریخی در دست است که انبیا الهی و دین اسلام منشأ آنها بوده‌اند. (سلیمان پور، آموزه های اسلام در جهت توسعه اقتصادی، شماره ۴۵، ص ۶۱)

۵- عدل

یکی دیگر از اصول اعتقادی اسلام، عدل است. این عدل، تنها بعد فلسفی ندارد که خداوند عادل است، بلکه این بعد فلسفی دارای یک دلالت اجتماعی است. با ایمان به عدل خدا در حقیقت جایگاه و ارزش عدل و هدف قرار گرفتن عدالت در همه امور انسان مشخص می‌شود و در حقیقت افراد در سایه این اعتقاد تربیت می‌شوند که عدالت به عنوان یک هدف مقدس، یک ارزش مطلق که به هیچ وجه استثناء پذیر نیست و به عنوان یک مشخصه اصلی نظام خلقت مطرح است. بر این اساس، افراد موظفند که در سلوک فردی و اجتماعی و به خصوص اقتصادی خود عدالت را اجرا کنند. (هاشمی شاهرودی، مشخصه های اقتصاد اسلامی، (www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq /Andesh-ye-Sadiq .۲ .۱۶ .htm))

عوامل دینی موثر در اقتصاد

۱. کار در اسلام

دین اسلام کار را به منزله عبادت و موجب افتخار و رسیدگی به مال را نشانه جوانمردی و ایمان می داند. « تَعَاهَدُ الرَّجُلُ زَيْعَتَهُ مِنَ الْمَرْوَةِ » (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۶، نرم افزار جامع الاحادیث) امام صادق علیه السلام فرمودند: رسیدگی مرد به ملکش از جوانمردی است و فرمودند: «إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيْمَانِ» (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۸۷، نرم افزار جامع الاحادیث) اصلاح مال نشانه ایمان است.

در خبر روایات چنین نقل شده است که امام صادق علیه السلام حال کسی را پرسیدند: گفتند فقیر و محتاج شده، فرمودند: اکنون به چه کاری اشتغال دارد؟ گفتند در خانه نشسته و به عبادت مشغول است. فرمودند: پس از چه راهی ارتزاق میکند؟ گفتند یکی از دوستانش او را تأمین می کند فرمود: «وَاللَّهِ لَلَّذِي يَقْوَتْهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ» (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۷۸، نرم افزار جامع الاحادیث) به خدا قسم کسی که او را اداره می کند از او عابد تر است.

ضرورت استحکام و استواری کارها از دیدگاه اسلام

از اموری که برای رسیدن جامعه اسلامی به استقلال اقتصادی، همراه با اعتبار بین المللی و عزت و سر بلندی آن نقش محوری دارد، انجام صحیح و استوار امور، اعم از تولیدی و خدماتی است؛ به این معنا که هر فرد با احساس مسئولیت و داشتن وجدان کاری، در نقش یک عضو جامعه سعی کند کار خود را با استحکام و استواری، همراه با کیفیتی مطلوب انجام دهد. اسلام نیز بر این امر تأکید فراوان کرده است، به طوری که حتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در باره دفن اجساد مردگان بر استحکام در عمل تأکید نمودند و پس از محکم کردن قبر یکی از اصحاب با سنگ و گل فرمودند: من نیک می دانم که قبر، فرسوده و (بدن) دست خوش پوسیدگی خواهد شد ولی خداوند دوست دارد که چون بنده اش کاری را انجام می دهد آن را محکم و استوار کند. در روایت دیگری حضرت می فرماید: خداوند متعال دوست دارد هر عمل کننده ای (کارگر و مأمور بر انجام وظیفه ای) کار خود را به خوبی انجام دهد.



بنابر این یکی از شرایط رسیدن جامعه اسلامی به عزت و سر بلندی همراه با استقلال اقتصادی، و از علایم وجود نظم و انضباط و جدیت در جامعه، انجام کارها و وظایف به طور صحیح و استوار می باشد. مناسب است در اینجا به برخی از آثار و فایده های اجتماعی و اقتصادی اتقان در عمل بپردازیم.

الف) بهره برداری کارآ از منابع

یکی از اثرات اقتصادی اتقان در عمل این است که از سرمایه های انسانی و فیزیکی به طور کارآ استفاده می شود. چنانچه تولید کالا یا انجام خدمتی با سستی و سر همبندی صورت گیرد نتیجه ای جز اتلاف منابع صرف شده و دوباره کاری در پی نخواهد داشت، و این امر با استفاده کارآ از نیروها و صرفه جویی در هزینه ها، که از شرایط اساسی رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است، سازگار نمی باشد.

ب) اعتماد به کیفیت و جلب نظر مصرف کنندگان

از آثار اقتصادی - انجام صحیح کارها، کسب اتحاد زیادی جنبه روحی و فرهنگی نیز دارد، این است که چنانچه افراد جامعه ای با احساس مسئولیت و وجدان کاری، وظیفه خود را به طور صحیح و همراه با استحکام و استواری لازم انجام دهند اعتماد آحاد جامعه به کالاهای داخلی جلب خواهد شد و دیگر کسی به دنبال اجناس و کالاهای خارجی نخواهد بود. این مسأله ای است که اکثر کشورهای جهان سوم درباره آن مشکل دارند.

جامعه ما نیز تا حد زیادی با این مشکل مواجه است. به این معنا که با وجود توان و استعداد تولید کالاهای با کیفیت مطلوب، بسیاری از تولید کنندگان ما، با کسانی که انجام کار یا خدمتی را بر عهده می گیرند؛ با کوتاه نظری و سود جویی شتاب زده، کار خود را با کیفیت غیر استاندارد انجام می دهند و علاوه بر تلف کردن منابع، اعتبار خود را نیز از دست می دهند و در بلند مدت از لحاظ اقتصادی هم به ضرر خود گام بر می دارند.

ج) تقویت صنایع و تولیدات داخلی و کسب اعتبار بین المللی

یکی از ثمره های اعتماد به کالاها و خدمات داخلی این است که دیگر نیازی به واردات خارجی



احساس نمی شود. مصرف کنندگان وقتی احساس کنند با خرید کالاهای ساخت داخل نیاز آن ها به خوبی برطرف گشته و محصولات داخلی نیز از کیفیت مطلوبی برخوردار است، با آرامش خاطر و شوق و رغبت، کالاهای ساخت کشور خود را مصرف می کنند. علاوه بر این، وقتی کشورهای دیگر به این محصولات نیاز داشته باشند برای خرید به این کشور روی می آورند و در نتیجه، صادرات نیز رونق می باشد. بنابر این، ضمن تقویت صنایع و تولیدات داخلی و آثار اقتصادی آن، مانند رفع بی کاری، کشور مذکور از اعتبار اقتصادی در سطح بین الملل برخوردار می گردد، و نه تنها به کسری در تراز پرداخت ها مبتلا نمی گردد، بلکه همواره می تواند در زمینه تجارت خارجی دارای مزاد هم باشد و در روابط اقتصادی و سیاسی خود با دیگر کشورها به طور مستقل عمل کند.

د) روحیه اعتماد به نفس، ابتکار و نوآوری

زمانی که افراد یک جامعه به انجام درست و استوار کارها عادت کنند، و همواره در فکر بالا بردن کیفیت کار یا خدمت باشند، دیگر در برابر سایر کشورها حالت خود باختگی و احساس حقارت نخواهند داشت؛ زیرا وجود روحیه کار و تلاش همراه با ابتکار و نوآوری در راه پیشرفت و ترقی، باعث می شود نیازهای اقتصادی آنان رفع گردد، و با احساس بی نیازی از دیگران و داشتن اعتماد به نفس و امید به آینده اس روشن، استقلال فرهنگی و اقتصادی خود را بدست می آورند و در میان سایر کشورها عزیز و سربلند می شوند.

برعکس، افراد جامعه اگر با کوتاه نظری و سود پرستی، کارها را بدون دقت و استحکام لازمه انجام دهند همواره دست نیاز آن ها به ظرف بیگانگان دراز بوده و در مقابل آنان حالت خود باختگی و سرخوردگی خواهند داشت، و روحیه ابتکار و نوآوری، جای خود را به تقلید کورکورانه و یأس از آینده خواهد داد.

پیداست که با چنین وضعی هیچ گاه یک جامعه به استقلال واقعی نخواهد رسید، و مجبور است در روابط سیاسی و اقتصادی خود با دیگران همواره به آن ها باج بدهد. (خلیلیان، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، ۱-۵-۷)



۲. نظم

ضرورت وجود نظم و تأکید بر آن در اسلام

یکی از شرایط اساسی در درست انجام دادن هر کاری برای رسیدن به هدف، رعایت نظم و انضباط و جذب بودن در تمام مراحل آن می باشد.

منظور از نظم و انضباط و جدیت؛ سازمان پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و سعی و کوشش در کارها و پرهیز از هرگونه سستی و بی سامانی در امور است. در نتیجه، یک سازمان و جامعه دارای نظم از هماهنگی کامل بهره مند است.

خداوند متعال اهل ایمان را از هرگونه ناهماهنگی و تقدم بر خدا و رسول بر حذر می دارد « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (حجرات، آیه ۱) ، و آنان را به پیروی کامل فرا می خواند تا کل مجموعه، سازمان یافته و منضبط گردد. از اصول جالب توجه و کلیدی در سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اصل نظم و انضباط است؛ به طوری که در تمام زندگی آن حضرت عینیت داشت و نظمی دقیق و الهی بر همه شئون و رفتارهای آن حضرت حاکم بود؛ همانطور که در حیات نورانی ائمه وجود این اصل چشم گیر است.

از امام حسن علیه السلام نقل شده است که از پدر بزرگوارشان در باره ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در داخل منزل سوال کردند؛ آن حضرت در جواب فرمودند: چون آن حضرت به منزل می رفت اوقات خویش را به بخش تقسیم می کرد: قسمتی را برای عبادت خدا، قسمتی را برای اهل بین خود و بخش دیگر را برای خودش، سپس زمان مربوط به خویش را بین خود و مردم تقسیم می کردو عام و خاص را می پذیرفت و چیزی از آنان مضایقه نمی کرد در روایات زیادی از پشویان معصوم، به داشتن برنامه ای منظم و تقسیم اوقات تأکید شده است. از باب نمونه، امام کاظم علیه السلام در این باره می فرماید: «تلاش کنید اوقاتتان را به چهار بخش تقسیم کنید: یک بخش را برای مناجات با خدا، بخشی برای زندگی و معاش، یک بخش نیر برای معاشرت با برادران و انسانهایی که بدان ها اعتماد دارید و عیوب شمارا به شما می فهمانند و از



دل به شما اخلاص دارند، و بخشی را هم خلوت کنید برای کسب لذت های حلال، که به کمک این بخش، بر انجام وظایف در آن سه بخش موفق میشوید.

برای پی بردن به میزان اهتمام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به برقراری نظم در جمیع امور، کافی است در اقدامات آن حضرت پس از تشکیل حکومت در مدینه تا مل نماییم. از باب نمونه، پس از تشکیل حکومت، دستور سر شماری مسلمانان و ثبت اطلاعات لازم برای برنامه ریزی را صادر فرمود.

رسول گرامی اسلام تا آن جا به نظم و ترتیب در کارها اهمیت می داد که گاهی شخصاً صف های نماز های جماعت را مرتب می کرد و می فرمودند: میان صف ها را پر کنید و دوش به دوش یکدیگر بایستید، تا شیطان بر شما غلبه نکند.

اهمیت رعایت نظم و انضباط در کلام و سیره عملی پیشوان معصوم تا آن جا است که در وصایای امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام) بعد از تقوای الهی، به رعایت نظم در امور تأکید شده است. آن حضرت می فرمایند: من شما دو تن (امام حسن و امام حسین) و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که وصیت من به آنان می رسد به تقوا و ترس از خداوند و نظم در امور سفارش می کنم. (خلیلیان، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، ص ۹۱-۱۱۱)

۳. زهد

زهد و قناعت از مفاهیمی هستند که در فرهنگ و اخلاق اسلامی از آن ها تعریف و تمجید به عمل آمده و کسب آن ها ارزش مند و پسندیده شده است؛ به طوری که در روایات، زهد کلید هر خیر «جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا» (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۴۹) و موجب درک شیرینی ایمان در قلب (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۴۹)، راحتی در دنیا (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۹۱) و هدایت و بصیرت (حرانی، تحف العقول ۵۹) و کلید رحمت های الهی، مقامات اخروی و نجات از آتش (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۱۷۸) و روش اخلاق همه انبیاء (نوری طبری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵۱) بیان شده، و قناعت، عامل بی نیازی از مردم (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷، ص ۱۷۸)، دوام نعمت (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲)،



بهترین کمک برای اصلاح نفس «اعون شیء علی صلاح النفس القناع» (عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۱) و ثروتی که هرگز نابود نمی شود (نوری طبری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۲۶) معرفی گردیده است.

اگر دو واژه زهد و قناعت به معنای ترک دنیا و گوشه گیری از اجتماع و سلب مسئولیت از خود و اکتفا به حداقل (نان بخور و نمیر) باشد، از آنجا که گردش چرخ های تولید و صنعت و رونق اقتصادی در جوامع توسعه یافته به تولید هرچه بیشتر، همراه با مصرف هر چه زیادتیر وابسته است، از این رو طبیعی است کسی به این نتیجه برسد که وجود این دو مفهوم در فرهنگ و اخلاق اسلامی و ترغیب آن دو، مانع توسعه بوده و با پیمودن این مسیر ناسازگار می باشد.

زهد و قناعت در راستای دنیا طلبی و آخرت خواهی تفسیر می شود.

زهد عبارت است از عدم تمایل و رغبت به چیزی که به سوی آن جاذبه و میل و رغبت طبیعی وجود داشته باشد و انسان در اثر عواملی با اختیار خود، بی رغبتی به آن نشان دهد و زیبایی و ارزش آن را ناچیز بشمارد. (مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ص ۶۲۵) به عبارت دیگر زهد یعنی عدم دلبستگی به دنیا؛ بنابر این اگر انسان از نعمت ها و امکانات دنیوی بهره مند گردد، ولی موجب سرمستی و غفلت او و روی گردانی از خدا نگردد و همین طور، اگر چیزی از دستش رفت، برایش سنگین نباشد و بر آن متأسف و اندوهگین نشود، چنین فردی زاهد است. برخی روایات این معنا را تأیید می کنند؛ از باب نمونه: حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: تمام زهد در این دو جمله از قرآن تفسیر و معنا شده است: بر آن چه از کفتان رفت، تأسف نخورید و راجع به آن چه به شما می رسد خوشحال و دلخوش نباشید، پس کسی که بر گذشته تأسف نخورده و درباره ی آینده شادی غفلت آمیزی نداشته باشد، به این مقام به طور کامل رسیده است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹، ص ۵۳۳)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زهد در دنیا کوتاه کردن آرزو و سپاسگزاری در مقابل هر نعمت، و خودداری از گناهان و معاصی است. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۱، ح ۳) آن حضرت در سخن دیگری می فرماید: زهد به معنای ترک هر چیزی است که انسان را از یاد خدا باز می دارد. (همان، ص ۳۱۵، ح ۴) در جای دیگر از آن حضرت نقل شده است که در این باره



فرمود: «زهد به ضایع و نابود کردن مال و ثروت (کنایه از رها کردن و استفاده نمودن) و یا تحریم چیزهای حلال بر خود نیست بلکه زهد به این است که اعتماد انسان به نعمت ها و امکانات، بیش تر از آن چه نزد خدا است، نباشد». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۱).

از چند روایت گذشته برداشت می گردد که اصل زهد، جنبه روحی و قلبی دارد و آن عدم دلبستگی و دل خوش بودن و اطمینان خاطر به نعمت ها و مظاهر دنیوی است. با این روحیه، شخص از دنیا پرستی و هدف قرار دادن سود و ثروت در امان می ماند و آن طور که معقول و شایسته است از نعمت های الهی استفاده می کند و هیچ گاه با رها کردن یا استفاده بیجا آنها را ضایع نمی گرداند؛ زیرا می داند، دل بستن به دنیا و هم چنین ضایع کردن نعمت، به هر صورتی که باشد، با زهد سازگار نیست. بنابر این، زهد به معنای نداشتن نیست، بلکه زاهد واقعی کسی است که مظاهر زیبا و فریبنده دنیا او را فریفته و دل باخته خود نسازد و توجهش از این که مادیات دنیا، کمال مطلوب و نهایت آرزوی او باشد، عبور کرده و به اهداف والاتری متوجه گردد.

مهم، دل بستن به نعمت ها و دارایی ها است. البته در برخی موارد کم کردن مصرف و لذت نیز مطلوب می باشد. این امر، مربوط به بعد عملی زهد می باشد که بحث راجع به آن خواهد آمد.

خداوند متعال با برخوردار نمودن انسان ها از نعمت ها و امکانات بی شمار و وسایل گشایش در زندگی، افزایش رفاه و آسان تر کردن کارها را برای فراهم ساخته است.

در سوره نحل آمده است که برای شما حیوانات بارکش آفریدیم تا بارهای سنگین شما را به جایی که جز با سختی نمی توانستید برسانید، حمل کنند. این آیه ایجاد وسایل دیگری را برای تسهیل زندگی نوید می دهد که بشر در زمان نزول قرآن از آن باخبر نبوده است. بنابر این اگر بتوان در صدد آسان تر کردن امور زندگی برآمد و در نیروی بدنی و زمان لازم صرفه جویی کرد، از نظر اسلام نه تنها نکوهش نشده، بلکه قابل تمجید و ستایش است؛ به ویژه اگر با این قصد همراه باشد که با استفاده بهتر از نعمت های الهی فرصت بیشتری برای فراگرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا فراهم میگردد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۲۸) اسلام حتی از کار و تلاش برای توسعه و گشایش بیشتر در زندگی ستایش کرده است و آن را موجب کسب مقامات اخروی و پاداش الهی می داند.



اسلام علاوه بر توسعه کمی و افزایش امکانات زندگی، بر بهبود کیفی زندگی تأکید دارد و زیبایی و آراستگی را از نیازهای بشر دانسته که باید اشباع گردد. از این رو، به آراستن خود و زیبا سازی زندگی ترغیب نموده است. و اظهار نعمت در گفتار و عمل، از نظر اسلام امری پسندیده و مطلوب است.

قرآن کریم به بازگو کردن نعمت های الهی فرمان می دهد. پیامبر اکرم در روایتی می فرماید: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد همچنین دوست دارد اثر نعمتش را در زندگی بنده اش ببیند.» (ضحی، آیه ۱۱) بنابر این بهره مندی از نعمت ها و امکانات، ایجاد گشایش و سهولت در زندگی و بهبود کیفی آن از نظر اسلام مطلوب و ستایش شده است.

در نهایت افراد یک جامعه می توانند با رعایت زهد و قناعت مصرف غیر لازم را در خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل منزل را کاهش داده و از خرید کالاهای لوکس و تجملی و هزینه برای ساختمان های مجلل خودداری نمایند. این روش امکان صرف سرمایه های اضافی را در امور تولیدی و زیر بنایی فراهم ساخته، و نه تنها سطح اشتغال را در جامعه بالا برده و بیکاری و فقر و محرومیت عده زیادی را هم حل می نماید بلکه درآمد و ثروت را در جامعه به صورت عادلانه توزیع می کند.

در نتیجه همراه با رونق اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی روند رشد و توسعه کشور تسریع گردیده و مشکلات و موانع از سر راه برداشته میشود. بدین صورت که با گسترش روحیه قناعت و صرفه جویی در جامعه واردات و صادرات در جامعه و طراز پرداخت های آن بهبود یافته و با کم شدن نیازهای وارداتی حرکت به جبهه استقلال کامل اقتصادی تسریع می گردد دیگر نکته اینکه با توجه به روحیه ایثار و هم دردی با محرومان جامعه که یکی از آثار زهد و قناعت است توسعه اقتصادی با توسعه عادلانه درآمد و ثروت همراه گشته و عدالت اجتماعی در جامعه گسترش می یابد. در نتیجه یکی از مشکلات توسعه اقتصادی در جوامع پیشرفته صنعتی که همانا افزایش فاصله طبقاتی است پدید نمی آید.

۴. اسراف

یکی از حدود و میزان های بهره مندی و استفاده از نعمت ها، خودداری از اسراف و تبذیر است به



این معنا که شخص از زیاده روی و ضایع کردن نعمتها و امکانات خودداری نماید.

برخی از اقتصاددانان می گویند: اسراف موقعی رخ میدهد که مطلوبیت نهایی مصرف یک کالا برای فرد، کمتر از جامعه باشد و یا ارزش تولید نهایی برای فرد کمتر از ارزش آن برای جامعه باشد و بالاترین درجه اسراف طلب کردن است و آن موقعی رخ می دهد که مطلوبیت نهایی و مذکور به صفر برسد.

بنابر این تحریم اسراف باعث می شود که تولید کنندگان و مصرف کنندگان در تصمیم گیری ها منافع و هزینه های اجتماعی کار خویش را ملاک قرار دهند و به این ترتیب، فقط منافع شخصی مد نظر قرار نگرفته بلکه مصلحت جامعه ملاک تصمیم گیری واقع می شود. (صدر، نظام های اقتصادی صدر اسلام، ص ۴)

قرآن کریم به طور صریح از اسراف نهی کرده است. (اعراف، آیه ۳۱) و مسرفان را اهل آتش و تذبذب کنندگان را برادران شیطان معرفی کرده است. (اسراء، آیات ۲۶-۲۷)

در روایات دور ریختن هسته خرما، در جایی که قابل استفاده می باشد و زیادی آبی که انسان می نوشد، (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۷) و یا استفاده از لباسی که مخصوص مجالس و مهمانی ها است در محل کار از مصادیق اسراف معرفی شده است. (، فلسفی، مکارم الخلاق، ص ۹۸)

از موارد دیگر اسراف هزینه های غیر لازم، با گرفتن قرض از دیگران است درحالی که چنین مصرفی با شأن و شخصیت اجتماعی شخص سازگار باشد از این رو گاهی یک فرد فقیر، اسراف کار تر از یک ثروتمند می باشد؛ زیرا اولی از مال دیگران خرج می کند، ولی دومی از مال خودش هزینه می نماید. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۳) یعنی ممکن است ثروتمند متناسب با دارایی اش خرج کند ولی فقیر درآمد خود را با اسراف هدر دهد. اسراف نوعی کفران و ناسپاسی نعمت های الهی و یکی از عوامل پیدایش فقر برای فرد و جامعه است. اگر جامعه ای هم به اسراف عادت کرد، زیاده روی و اتلاف منابع بدست آنها باعث فقر و احساس نیاز و کمبود در جامعه می شود. و حتی ممکن است این روند موجب گردد همواره دست نیاز جامعه به سوی بیگانگان دراز باشد و در نتیجه استقلال سیاسی و اقتصادی آنها مورد تهدید قرار گیرد.

رعایت صرفه جویی و خودداری از مصارف غیر لازم برای کشورهای در حال توسعه به ویژه



کشورمان اهمیت به سزایی دارد زیرا به طور معمول در کشورهای پیشرفته صنعتی پایه و اساس اقتصاد کشور بر تولید استوار است از این رو همواره تولید بر مصرف فزونی دارد اما اقتصاد کشور ما از طمان رژیم سابق بر پایه تولیدات کشاورزی و صنعتی قرار نگرفته بلکه با اتکا بر درآمد نفت و تأمین کمبودها و نیازها از راه واردات، جامعه مان مصرفی و اقتصاد ما نیز تا حدی زیاد، وابسته به خارج گردیده است.

حد مطلوب بهره مندی و استفاده از نعمت های الهی و مصرف ایده آل از دیدگاه اسلام آن هست که به قدر کفاف و رعایت اعتدال و قناعت باشد.

اعتدال و میانه روی در مصرف که در روایات از آن تعبیر به قصد و اقتصاد شده حد وسطی است که اسراف و تقتیر در آن نباشد. البته این حد با توجه به افراد مختلف و شأن و شخصیت اجتماعی آنان متفاوت است. قناعت صرفه جویی در مصرف و رضایت به مقداری است که خداوند متعال رزق و روزی مشروع و حلال انسان را مقدر کرده است. برای تعریف قدر کفاف باید متوسط درآمد خانوار را در یک جامعه اسلامی در نظر بگیریم؛ حد حساب درآمد کل، اندازه ای است که نیازهای اولیه یک خانواده از لحاظ خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل، درمان و جزء آن تأمین گردد اما این حد از درآمد یا مصرف در سطح حد اقل می باشد در نتیجه کسانی که دارای درآمد یا مصرف کمتر از آن باشند فقیر و نیازمند تلقی می شوند و باید از بیت المال به آنان کمک شود. در آمد و مصرف در حد کفاف هنگامی است که مصارف یاد شده از حد متوسط جامعه بیشتر شده باشد و امکانات مصرف مشخص به درجه ای رسیده که باشد مصرف بیشتر از آن از نظر جامعه افراط و زیاده روی تلقی شود. (صدر، نظام های اقتصادی صدر اسلام، ص ۲۱۹) این تعریف مطابق با معنای کفاف در زبان عربی است، که قدر کفاف آن اندازه از امکانات زندگی است که انسان را از دیگران و درخواست از آنان بی نیاز کند. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۱۳)

البته با پیش رفت و توسعه و اقتصادی جامعه، متوسط در آمد خانوار افزایش می یابد؛ در نتیجه، حد نصاب و کفاف مصرف نیز تغییر می کند.

بنابر این حدود یاد شده متغیر بوده و بستگی به امکانات تولیدی و مصرفی جامعه در هر دوره دارد. از این رو می بینیم که کیفیت زندگی حضرت علی (علیه السلام) در زمانی که اکثریت افراد



جامعه فقیر بودند با زندگی امام صادق (علیه السلام) تفاوت داشت مهم این است که با توجه به شرایط جامعه و میزان تلاشمان بیش از آن چه فراهم شده نطلبیم چرا که بیش از آن زیاده طلبی و حرص می باشد. که انسان را یا به ذلت می کشاند یا منجر به تضییع حقوق دیگران و حرکت های ناسالم اقتصادی می گردد در هر حال در میزان و کیفیت مصرف می بایست مقتضیات زمان و وضع جامعه در نظر گرفته شود.

قناعت و اعتدال در مصرف باعث بقاء نعمت و پدید آمدن زمینه مناسب برای رشد صفات و کمالات معنوی در انسان است.

در آمد های اسلامی موثر در توسعه ی اقتصادی

۱. زکات

«... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا...» (مزمّل، آیه ۲۰)

و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید [در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت.

بیشتر کشور های اسلامی در زمره کشورهای در حال توسعه هستند آن چه در این بخش بدان اشاره می گردد تأثیر زکات بر اقتصاد در حال توسعه است که بیشتر کشورهای اسلامی را در برمی گیرد. چنین اقتصادی برخی از ویژگی های مشترک اقتصاد های در حال توسعه را دارا است. علاوه بر این ویژگی های خاص آن عبارتند از: تحریم ربا، جلوگیری از معاملات سفته بازی و بورس بازی، احتکار و ذخیره کردن کالاها با هدف ایجاد کمبود، تجارت کالاها و خدمات ممنوع از قبیل شراب و غیره در چنین اقتصادی فوری ترین مسائل عبارتند از توسعه و عدالت اجتماعی سیاست های مالی در اقتصادهای اسلامی در حال توسعه به سمت افزایش پس اندازهای خصوصی و عمومی پیش می رود و هدف آن آزاد کردن منابع واقعی برای سرمایه گذاری مولد و تخصیص هزینه های عمومی در مسیری است که در خدمت هدف رشد و رفاه اجتماعی قرار گیرد.



جمع آوری و خرج زکات در چه جهتی و تاچه حد در اجرای این اهداف می تواند مفید باشد؟

الف) پس انداز و سرمایه گذاری

زکات می تواند دو اثر متقابل بر پس اندازهای خصوصی و سرمایه گذاری داشته باشد گرفتن زکات سالانه از پس اندازهای خالصی (یا ثروت خالصی) که بیشتر از حد نصاب است احتمالا میل به مصرف را تقویت خواهد کرد. پس انداز کننده فردی ممکن است از خرج های گزاف رضایت بیشتری بدست آورد تا بدین وسیله از پرداخت زکات سالانه که پس انداز خالص او را کاهش می دهد، خودداری کند. بنابراین تابع مصرف به بالا منتقل می شود. اما زکات ممکن است عکس العملی کاملا متفاوت در او به وجود آورد. ممکن است او برای جلوگیری از کاهش تدریجی ثروتش ثروت را کد خود را به منابع فعال مالی یا واقعی تبدیل کند. همچنین ممکن است تمایل او به سرمایه گذاری افزایش یابد. با در نظر گرفتن تمام جوانب این تمایلات هر دو، موجب افزایش تقاضای کالا و خدمات تولیدی در اقتصاد می شوند. ثروت های اندوخته به عامل فعالی برای تقاضا تبدیل می شوند و سرمایه گذاری در عکس العمل به قدرت زکات در کاهش منابع را کد و در اندازه ای متناسب با آن افزایش خواهد یافت. افزایش تقاضای کالاهای مصرفی و سرمایه گذاری به افزایش تولید کمک خواهد کرد

از نظرگاهی دیگر قدرت زکات در کاهش ثروت را کد و اخذ زکات از فلزات کنز شده به عنوان کیفی این کار، (در مفهوم اقتصادی) عرضه پس اندازها را نسبت به تقاضای آن افزایش خواهد داد.

ب) کاهش نرخ بازده انتظاری پس انداز

این اثر زکات تا آن جا مفید خواهد بود که نرخ بازده انتظاری را کاهش دهد و در نتیجه سرمایه گذاری ها را در جهاتی کم سود تر، اما از نظر اجتماعی ضروری و سود مند، هدایت کند. در نبود معاملات دارای بهره، کاهش سودهای انتظاری سرمایه های خصوصی را به زمینه هایی خواهد کشاند که در شرایط معمولی سرمایه گذاری در آن ها بر عهده بخش عمومی قرار می گرفت. البته چنین سرمایه گذاری هایی دارای سود آوری حد اقلی هستند. نرخ بازده این سرمایه ها نباید کم تر از نرخ زکات باشد. اگر دوران انتظار برای بازدهی این سرمایه گذاری بیشتر از حد طولانی باشد، نیز می تواند مانعی به شمار رود بنابر این اگر چه زکات احتمالا قیمت پس انداز (یا به عبارت دیگر، نرخ بازده انتظاری پس انداز) را کاهش می دهد اما باز هم سطح وسیعی را برای صرف



مخارج دولت باقی می‌گردد.

ج) تمایل به کار

از زاویه ای دیگر ماهیت کیفی زکات تأثیری مثبت و سالم بر تمایل مردم به کار که به نظر لوئیس یکی از عوامل توسعه اقتصادی است خواهد داشت. در نبوده بهره و عدم افزایش پس اندازها بدون هیچ تلاشی توسط آن تمایل طبیعی افراد برای حفظ پس انداز خالص خود آنان را به کار سخت تر یا دادن منابع خود به دیگران برای کار سخت تر تشویق خواهد کرد. بدین طریق تنبلی تقبیح و کار تشویق خواهد شد.

تاکنون در باره ی تأثیر زکات بر پس اندازها و سرمایه گذاری خصوصی سخن گفتیم. اینک به مصرف و سرمایه گذاری عمومی می پردازیم. می توان بین زکات و سیاست مالی رابطه ای مثبت دید که به افزایش تولید و عدالت بیشتر منتهی شود.

زکات به سه دلیل می تواند وجوه در خور توجهی در اختیار خزانه دولت در اقتصاد رو به توسعه بگذارد. نخست آن که زکات وجوهی را در اختیار مسئولان مالیاتی قرار می دهد که معمولا از حوزه ی دید آنها خارج است. یکی از ویژگی های اقتصاد عقب مانده سرمایه گذاریهای اساسی در فلزات گرانبها و زمین به عنوان راهی برای پس انداز است. این تمایل به سرمایه گذاری غیر اقتصادی در فلزات گرانبها در شرایط معمولی کمیت قابل توجهی از ثروت ملی را از حیثه استفاده مولد و دستگاه مالی دولت خارج میکند.

زکات بر چنین اندوخته هایی از چنین سرمایه گذاری های غیر مولدی جلوگیری می کند و انگیزه ای برای سرمایه گذاری اقتصادی به وجود می آورد. از سوی دیگر دولت را قادر می سازد این اقلام (ثروت خالص) را تحت پوشش سیاستهای مالی خود گیرد.

دوم آنکه نصاب زکات موجب می شود دولت بتواند تور مالی خود را کاملا بگستراند. سوم اینکه تأثیر انگیزه آفرین زکات احتمالا سرمایه گذاری مولد و در نتیجه پس اندازها را افزایش خواهد داد. بر اثر این امر پایه مالی زکات افزایش یافته و منابع مالی بیشتری فراهم می آورد اما شیوه خرج وجوه زکات مهم تر است در این زمینه راه های هزینه کردن زکات و طرز کار آن ها را بررسی خواهیم کرد.

قرآن گروه ها یا افراد و راه های صرف مبالغ زکات را به وضوح مشخص کرده است گروههایی



که می توانند از زکات استفاده کنند عبارت است از: فقرا، مساکین، بده کاران، در راه مانگان و مخالفانی که با زکات دلپاشان نرم می شود. راه های مصرف زکات عبارت است از؛ جلب قلوب مخالفان، آزاد کردن برده، تأمین مادی عاملان جمع آوری زکات و آخرین که کم اهمیت ترین آن ها فی سبیل الله.

مهم ترین مسأله در مورد زکات شیوه مصرف وجوه زکات است. ساده ترین شیوه مصرف این وجوه از طریق پرداختهای انتقالی به گروه هایی است که استحقاقی در یافت آنها دارند.

اما در ک عمیقتر اهداف زکات در پرتو تحلیل های اقتصاد جدید راه مصرف دیگری فرا روی ما قرار می دهد که عبارت است از استفاده از زکات برای ایجاد اثر تراکمی بر فقر و به عنوان ابزاری در خدمت سیاست مالی فعالی که هدف آن بالا بردن تابع رفاه مخارج عمومی است و این وجوه یا بخش از آن ها را می توان به نفع در یافت کنندگان واجد شرایط زکات به سرمایه گذاری در بنگاهها یا صناعی که در تملک خود آن ها است تخصیص داد. این سرمایه گذاری ها را میتوان با اولویت های فراگیر سرمایه گذاری در اقتصاد هماهنگ کرد؛ بدین ترتیب این وجوه در یک زمان برآورده خواهند کرد از یک سو مخارج مصرفی یا غیر سرمایه گذاری ناشی از پرداخت های انتقالی منظم و معتنا به زکات را کاهش خواهد داد.

میل نهایی به مصرف در سطوح در آمدی پایین معمولاً کمتر از یک است و در اقتصادهای در حال توسعه این نسبت روی هم رفته بالاست. این دو عامل به همراه یکدیگر نسبت پس انداز به تولید ناخالص ملی را کاهش خواهند داد در سطوح اشتغال بالا انتقال تابع مصرف به سمت بالا در شرایط خاصی مطلوب است اما اقتصاد های در حال توسعه با نسبت پس انداز با درآمد جاری بسیار پایینی روبرویند. و بسیار تمایل دارند مصرف را محدود کنند اگر وجوه زکات در مسیر سرمایه گذاری به کار افتند اثر منفی آن ها بر پس انداز از بین می رود و تولید ناخالص ملی را افزایش خواهد داد از سوی دیگر مصرف این مخارج در جهت سرمایه گذاری اثری تراکمی بر فقر خواهد داشت. (خورشید، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ص ۱۷۳-۱۷۷)

۲. خمس

« وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَأَبْنِ السَّبِيلِ...»



بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است. (انفال، آیه ۴۱)

بسیست در صد غنائمی که مسلمانان در نبرد از دشمنان به دست می آورند یا در آمدی که بعد از کسر هزینه سالانه نصیب ایشان میشود یا گنجی که بدست می آورد یا جواهری که در سایه غواصی بدست می آید یا مال حلالی که با حرام مخلوط میشود و مقدار حرام و صاحب آن معلوم نباشد و یا دارایی کسانی که مورده اند و وارثی ندارند و منابع دیگری که در فقه اسلامی به طور مبسوط نوشته شده باید تخمیس شوند. دولت اسلامی از این درآمد ها می تواند کارهای زیر را انجام دهد.

تأمین کمبود زندگی افراد که طبق قوانین اسلام نمی توانند از زکات استفاده کنند مثل خاندان پیغبر و سلاله او.

تأسیس مراکز عمومی فرهنگی و تبلیغ اسلام که بقاء مکتب و اشاعه آن بستگی به چنین مراکزی دارد.

تأمین زندگی بی درآمد ها و یا کم درآمد ها که انفاق ها قبلی نتوانسته است که زندگی آنها را تأمین کند.

۳. انفاق

« آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ... »

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید. (حدید، آیه ۷)

« وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ... »

از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد. (منافقون، آیه ۱)

« لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ... »

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید. (آل عمران، ۹۲)



«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَّ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ
الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ»

نیک، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنی (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیک (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند. (بقره، آیه ۱۷۷)

« وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ... »

و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از ما زاد نیازمندی خود. (بقره، آیه ۲۱۹)

از مجموع آیات که درباره انفاق وارد شده است دید اسلام در باره اموال و امکانات اضافی یک مسلمان که از راه حلال بدست آورده است روشن می‌گردد که باید بعد از تأمین زندگی معتدل و مناسب شأن خود از اموال خود در راه رفاه خلق خدا هر چند این گونه از انفاق بعد از اهدای مالیات های واجب و مستحب موکد است نه واجب. مادامی که ضرورت اجتماعی و دفاعی در کار نباشد. اسلام با دستور العمل انفاق جامعه را از اسراف و تبذیر که زیاده روی و لخرجی در زندگی ایت باز داشته همچنان که از کنز و زر اندوزی که آن نیز مایه انحراف از اقتصاد سالم است نهی نموده است.

مصارف انفاق: جامع ترین و کلی ترین مصرف انفاق همان راه خدا و به تعبیر قرآن فی سبیل الله است راهی که رضایت خدا در آن است. « الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى... » کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند. (بقره، آیه ۲۶۲)

در آیات دیگر، به برخی از مصادیق راه خدا به خاطر اهمیتی که دارند اشاره شده است که از آن جمله پدران و مادران خویشان و بستگان، یتیمان، بینوایان، در ماندگان، و جهاد در راه خدا است.



انفاق نه تنها به ثروت افراد تعدیل می بخشد بلکه نیازهای جامعه و افراد خصوصاً را برطرف میکند. بنابر این افراد مومن و مکتبی، باید در هزینه کارهای سود مند اجتماعی که مصداق روشن فی سبیل الله است شرکت کنند. و ساز و برگ زندگی ی در آمد و یا کم درآمد، اعم از بستگان و غیر بستگان تأمین نمایند و در تأمین بنیه دفاعی کشور و حراست وطن اسلامی، با بذل جان و مال، بکوشند. سرانجام قرآن بر می گردد، فقیران را شریک اغنیاء و این که، افراد نامبرده در مال ثروتمندان سهمی دارند. چنانچه که میفرماید: « وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ - لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ » و آنها که در اموالشان حق معلومی است - برای تقاضاکننده و محروم. (معارج، آیات ۲۴، ۲۵)

در روایات اسلامی برای انفاق و این که مستمندان حقی در اموال ثروتمندان دارند تأکید شده است چنانکه می خوانیم امیر المومنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُ». خداوند در اموال افراد متمکن روزی مستمندان را قرار داده است هیچ فردی بیچاره نشد.

تعدیل ثروت از طریق انفاق

اقتصاد اسلامی با پی ریزی اصولی امکان تمرکز ثروت در دست فرد یا گروه خاص را به حد اقل رسانده است و اگر علی مشروع ثروت در نقطه ای گرد آمد برای تعدیل ثروت گامهای موثری برداشته است که می تواند از تمرکزهای مضر جلوگیری کند. ۷۲ بار در قرآن به صورت مختلف انفاق در قرآن آمده است. و این درحالی است که قرآن عنایت خاصی نسبت به این موضوع دارد. واز افراد پر درآمد خواسته است که برای رفاه مردم قسمتی از اموال خود را انفاق کنند. (سبحانی، سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۱۷۶-۱۸۳)

۴. ربا

پول در جوامع ابتدایی وسیله مبادله و (نشان دهنده ارزش) و بیانگر مقدار کار لازم برای تولید کالا و یا توزیع آن بود ولی رفته رفته پول از مسیر خود منحرف شده و نقش نخستین خود را از دست و خود موضوع معامله قرار گرفت به گونه ای که پول به صورت کالایی در آمد که سرمایه



دار آنرا با بهره ی خاصی عرضه می کند. و این خود اجعه ای در جهان اقتصاد پدید آورده است. در اقتصاد اسلامی احتکار پول و گنج کردن آن اکیداً ممنوع است بلکه تأکید شده است که پول باید در راه صحیح به گردش در آید و راکد و معطل نماند. حتی اگر اندوخته انسان به حد گنج نرسد و به صورت پول راکد در گوشه خانه بماند در این صورت اگر به حد نصاب خاصی برسد باید یک چهلم آن را به عموان زکات بپردازد و تا زمانی که پول راکد است و از حد نصاب نیفتاده است این مالیات هر سال تکرار می شود.

همانطور که در اقتصاد اسلامی از احتکار و گنج کردن پول و یا راکد گذاردن آن جلوگیری شده همچنین بهره کشی بوسیله پول از طریق ربا خواری نیز ممنوع اعلام شده و توصیه شده است که پول باید در راه صحیحی به جریان افتد تا مایه بردگی افراد نگردد.

مبارزه قرآن با ربا خواری

قرآن در سرزمینی که ربا خواری یکی از رایج ترین کارهای آنان بود مبارزه با ربا خواری را طی چهار مرحله به پایان رسانید و نتیجه گرفت:

نکوهش از ربا خواری و دعوت به رفع نیاز نیازمندان از طریق پرداخت حقوق واجب و این که ربا در نزد خدا افزایش پیدا نمی کند در حالی که زکات رشد می کند. « وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ » آن چه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آن چه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند. (روم، آیه ۳۹)

از ربا خواری یهود در مدینه یا این که شریعت آن ها تحریم شده است مذمت کرده و آن را نکوهش می کند چنانکه می فرماید. « وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا » و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آن ها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم. (نساء، آیه ۱۶۱)



در مرحله سوم از ربای فاحش و تعلق بهره بر بهره انتقاد کرده اعلام می دارند. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً... » ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بهره‌بیزید، تا رستگار شوید! (آل عمران، آیه ۱۳۰)

سرانجام قرآن ربا خواری را به شدت محکوم میکند و آنرا یک نوع محاربه با خدا و رسول او اعلام می دارند. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ . فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ... » ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بهره‌بیزید، و آن چه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید! اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! » (بقره، آیات ۲۷۸، ۲۷۹)

آثار شوم اخلاقی اقتصادی ربا بیش از آن است که در این سطور بگنجد، ما به بیان چند نمونه روشن اکتفا میکنیم. آتش طمع، حرث، سود جویی و پول پرستی را در انسان تشدید کرده روحیه خیر خواهی، نوع دوستی، انفاق و ایثار را میکشد.

استثمار ربا دهنده بوسیله ربا گیرنده از طریق پولی که در اختیار او میگذارد بدون آن که کاری انجام دهد یا مسئولیتی بپذیرد، به عبارتی دیگر: غارت دسترنج مردم و اموال آنان است. و باعث مساعد شدن زمینه برای فاصله های طبقاتی می گردد.

نتیجه بحث

در این تحقیق سعی بر این بود که توضیح کوتاهی راجع تأثیر آموزه های دین بر اقتصاد ارائه شود. ابتداءً به جهان بینی فرد اشاره شد و ارتباط آن با مسائل اقتصادی را بیان کردیم و بعد آموزه های اخلاقی مانند زهد و قناعت و ارتباط آن با توسعه ی واردات کالا و استفاده از کالاهای داخلی را مطرح کردیم. و بعد به درآمدهای مالی اسلام و اینکه هر کدام باعث گردش سرمایه و باعث فاصله ی طبقاتی میشود اشاره داشته شد.

در نتیجه این جهان بینی فرد است که تأثیر مهمی در اقتصاد و فعالیت های اقتصادی فرد دارد. اگر فرد خدا را ناظر بر خود بداند و بر این باور باشد که دنیایی دگر نیز وجود دارد در نتیجه معنای سود وزیان برای او تغییر میکند. و دیگر فقط به فکر خود و فردیت خود نیست و مصالح جامعه را



در نظر می گیرد و دیگر احتکار و کم فروشی نمی کند. و ربا نمیگیرد و همه اینها نقش بسزایی در اقتصاد و استقلال و توسعه اقتصادی دارد.

و همچنین دین اسلام که کامل ترین در ادیان الهی است و برنامه ای کامل برای بشر است آموزه ها و برنامه هایی برای اقتصاد یک حکومت اسلامی دارد تا از هیچ جهت نیازمند و وابسته نباشد. در نتیجه اگر فرد و جامعه ای که دارای جهان بینی توحیدی است به تمام مقررات و ضوابط آن عمل کند به یک زندگی سالم و اقتصاد سالم می رسد.



منابع

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات الهادی، قم.
- ۱- ابن واضح یعقوبی، احمد، ۱۳۷۱، **تاریخ یعقوبی**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ۲- آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۲ ق، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
 - ۳- بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۱ ق، **القواعد الفقهیه**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه الامام امیر المومنین (ع).
 - ۴- تودارو، مایکل، ۱۳۷۸، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
 - ۵- خلیلیان، محمدجمال، **فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 - ۶- خورشید، احمد، ۱۳۹۳، **مطالعاتی در اقتصاد اسلامی**، ترجمه محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
 - ۷- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، **مبانی اقتصاد اسلامی**، تهران، سمت.
 - ۸- سلمان پور، محمد جواد، **آموزه های اسلام در جهت توسعه اقتصادی**، رواق اندیشه شماره ۴۵. تعداد چاپ ۵ نسخه



- ۹- شهید ثانی، *روضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، بیروت، دار العلم الاسلامی.
- ۱۰- عاکفی، اسماعیل، ۱۳۹۰، *جهاد اقتصادی*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- فاضل مقداد، جمال الدین، ۱۳۷۳، *کنز العرفان*، تهران، انتشارات مرتضوی.
- ۱۲- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۷، *مکارم الخلاق*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۳- کلینی، محمدبن یعقوب ۱۳۶۹، *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، انتشارات کتاب فروشی علمیه اسلامی.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۵- مهدوی کنی، محمد رضا، ۱۳۹۰، *نقطه های آغاز در اخلاق عملی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۶- نوری، حسین، ۱۳۶۶، *اقتصاد اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۷- هاشمی شاهرودی، محمود، بیتا، *مشخصه های اقتصادی اسلامی*، بیجا، بینا.



توازی فساد اداری و رکود اقتصادی

(با الگوبرداری از فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با فساد)

چکیده

نظام اداری هر جامعه بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه است. به طوری که نفوذ و شیوع فساد در نظام اداری می تواند زنگ خطری برای همه حکومت ها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه باشد، و تهدیدی بزرگ برای مشروعیت نظام سیاسی به شمار آید. اغراق آمیز نیست اگر بگوییم مانند هر پدیده مجرمانه دیگر به طور قطع و یقین پیشگیری از فساد اداری زمانی که با دیده ای بالغ به آن بنگریم اولین و مهمترین گام در یک پیاده روی طولانی به سوی اقتصادی آزاد، شفاف و در عین حال امن می باشد، که سعادت و رفاه همگانی نتیجه بلامنازع آن خواهد بود.

واژگان کلیدی: توازی، فساد اداری، رکود اقتصادی، پیشگیری

طرح مسأله

فساد اداری، پدیده ای است که در دنیای امروز و بویژه در کشورهای درحال توسعه، به عنوان یکی از مهمترین موانع پیشرفت جامعه به خصوص در زمینه اقتصادی مطرح شده است. این پدیده توانسته صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کند. تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری فساد، باعث پیچیدگی ماهیت آن و در نتیجه شکست بسیاری از برنامه های طراحی شده دولت ها برای مبارزه با آن شده است.

* طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه اسلامی شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی

پیشگیری از فساد صرفا با شعار دادن تحقق نمی یابد، این کار مستلزم عزم ملی، خواست همگانی، جدیت دولت و قاطعیت دستگاه قضائی در برخورد با مجرمین می باشد.

مبارزه با فساد و پیشگیری از آن باید ابتدا از بخش ها و نقاط حساس شروع شود و به عبارت ساده تر همان گونه که رهبر معظم انقلاب در بند هشت فرمان خود مقرر فرموده اند: «در مبارزه با فساد نباید به جای پرداختن به ریشه ها و ام الفساده ها به سراغ ضعف ها و خطاهای کوچک رفت.» (http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3062)

و دور از ذهن نیست که عدم توجه به این دستورالعمل بنیادی رشد هر روزه شاخ و برگ های جدید در زمینه فساد اداری را به همراه دارد. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم فساد و رابطه متقابل فساد اداری و رکود اقتصادی، برخی از راه حل ها که در پیشگیری از فساد موثر می باشد ارائه خواهد شد، به عنوان مثال برای پیشگیری از این پدیده ابتدا باید باید طی یک برر سی همه جانبه کلیه عوامل و هم چنین کسانی که سبب فراهم شدن فرصت ارتکاب فساد می شوند را شناسایی و کنترل نمود، تا دیگر نتوانند مرتکب و یا زمینه ساز ارتکاب آن شوند. به دیگر سخن اصلاح روش های برخورد با فساد، بهبود قوانین، شناسایی و حذف نقاط مستعد فساد، قطعیت در برخورد با متهمین به فساد و مجازات مناسب آنان، افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد سازمان های دولتی از جمله راه حل هایی است که می تواند در مبارزه با فساد نتیجه بخش و سودمند باشد.

۱. فساد چیست؟

در جوامع گوناگون و بر حسب نگرش ها و برداشت ها، تعاریف مختلفی از فساد اداری به عمل آمده است. ریشه فساد فعل لاتین Rumper به معنای شکستن است، بنا براین می توان گفت در فساد چیزی می شکند یا نقض می شود که آن چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی و غالبا مقررات اداری باشد. (صفری، رویکردی بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه، ص ۱۴۵).

در دیدگاه برخی نظریه پردازان، فساد به تمام شکل های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می گردد. «فساد، پاداش نامشروع است که برای وارد کردن فرد به تخلف از وظیفه، تخصیص داده می شود.» (سرداری، رویکردی



بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه، ص ۱۳۴) سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است. (احمدی، مبارزه با فساد اداری در کشورهای در حال توسعه، ص ۱۵۷)

اما در خصوص فساد اداری برخی صاحب نظران، فساد اداری را آن دسته از فعالیت های کارکنان و مسئولان دولت می دانند که، اولاً به منافع عمومی لطمه بزند و ثانياً هدف از انجام آن، رساندن فایده به عامل (کارمندان اقدام کننده) یا به شخص ثالثی باشد، که عاملی را برای این کار اجیر کرده است. با توجه به مطالب فوق الذکر می توانیم مدعی شویم که یک دستگاه فاسد در تمام ساختار نظام اجتماعی اختلال ایجاد میکند. و هر جا صاحب قدرتی که مسئول اداره سازمانی است، بر اثر دریافت رشوه ای نقدی یا غیر نقدی اغوا شود و به انجام کارهای غیر قانونی مبادرت ورزد، این فرد به منافع عمومی زیان رسانده است.

۲. فساد اداری و اقتصادی از دیدگاه آیات و روایات

در این گفتار با توجه به موضوع مورد بحث خالی از ضرورت نیست که به بررسی فساد اداری و اقتصادی در حکومت از دیدگاه آیات قرآن کریم و احادیث بپردازیم.

۲-۱. فساد اقتصادی از دیدگاه آیات و روایات

براساس آموزه های قرآن، قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است، خداوند متعال در آیه پنجم سوره نساء در این باره فرموده است: «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید [ولی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

البته بر پایه تحلیل و تبیین قرآن از نقش و اهمیت اقتصاد سالم در سرنوشت ابدی بشر این معنا به دست می آید که سعادت ابدی انسان یعنی متاله و ربانی شدن و رسیدن به کمک و آسایش و آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فساد انگیزی است؛ چنان که خداوند متعال در آیات ۸۴ تا ۸۵ سوره هود به این مسئله اشاره و می فرماید: «وَالِئِ



مَدِينَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ
 إِنَّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (۸۴) وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ
 بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)؛ و به سوی [اهل] م
 دی ن برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی
 نیست و پیمانہ و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و از عذاب روزی فراگیر بر
 شما بیمناکم (۸۴) و ای قوم من پیمانہ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و
 در زمین به فساد سر برمدارید(۸۵).

از این رو امور اقتصادی و معیشتی مردم و آسایش آنان، دارای جایگاهی مهم در حد مسائل
 اعتقادی و عبادی است؛ چنان که در آیات ۳، ۴۱، ۴۳، ۸۳، ۱۷۷ و ۲۷۷ بقره و هم چنین آیات ۳۹ و
 ۸۵ اعراف، ۱۷۷ و ۱۸۱ تا ۱۸۳ شعرا و آیات دیگر نیز به این مسئله اشاره شده است.
 (<http://iqna.ir/fa/news/۱۴۵۲۱۹۸>).

۲-۲. فساد اداری از دیدگاه آیات و روایات

حکومت از دیدگاه اسلام در برقراری قسط و عدالت اجتماعی به عنوان بستر تعالی معنوی
 افراد نقشی اساسی دارد. با توجه به این موضوع، می توان به ماهیت فساد اداری پی برد که
 اخلال در عملکرد بایسته نظام اداری جامعه اسلامی است به گونه ای که آن را از اهداف
 مورد نظر بازدارد.

از دید قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) فساد اداری، پیامدها و آسیب های
 بسیاری، هم برای مرتکبان فساد و هم برای جامعه در ابعاد مختلف به بار می آورد؛ از جمله
 این که موجب خسران دنیوی و کیفر قضایی، و نیز عقوبت اخروی می شود و با تضعیف نظام
 سیاسی و تخریب سامانه اقتصادی و ترویج انحرافات اخلاقی، عدالت اقتصادی را زایل می
 کند، فرهنگ جامعه را دگرگون می سازد و حکومت اسلامی را در معرض فروپاشی و نفوذ و
 سلطه بیگانگان قرار خواهد داد. با دقت در منابع اسلامی و به ویژه سیره امام علی علیه السلام
 در دوران حکومت پنج ساله آن حضرت، می توان به الگوی جامع و همه جانبه نگری در
 برخورد با فساد اداری دست یافت که همه زمینه های مسئله از ساز و کارهای اداری گرفته تا



بسترهای فرهنگی اجتماعی، سیاست های اقتصادی و سامانه قضایی را در برمی گیرد. بنابراین در مجموع می توان گفت که فساد اداری به عنوان مانعی در تحقق کمال انسانی و مدینه فاضله الهی، مورد توجه و اهتمام ویژه اسلام است و با توجه به اتخاذ رویکرد سامان مند در مبارزه با فساد اداری، اسلام سعی در از بین بردن ریشه ها و زمینه های فساد اداری دارد و تنها به برخورهای قضایی در این زمینه بسنده نمی کند.

اساس نظام اداری جامعه اسلامی بر مبنای عدل و اصلاح است که هر دو در تضاد ماهوی با فساد قرار دارد. آیات قرآن کریم نیز بر اساسی بودن عنصر عدالت در حکومت الهی تأکید میکند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». "براستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم عدالت را برپا دارند. (سوره حدید، آیه ۲۵)

در آیه فوق الذکر مراد به انزال میزان انزال اسباب آن است و امر به اعداد آن و نزد بعضی مراد به آن عدل است که مستلزم سیاست مدنی است و سبب انتظام امور و موجب آن دفاع در برابر اعدای دین است. (کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین ، ص ۱۸۷)

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...» "ای داوود ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن..." (سوره ص، آیه ۲۶)

خداوند در آیه های بعدی سوره ص به تمجید از این مسئولیت خطیر حضرت داود علیه السلام پرداخته، و حکومت بر اساس حق، مصداق عمل صالح و عکس آن، مصداق فساد دانسته شده است «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»: "یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند چون مفسدان در زمین می گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می دهیم. (سوره ص آیه ۲۸).

در روایات اسلامی نیز به جایگاه عدل در اداره جامعه این چنین اشاره شده است: «العدلُ نظام الأُمّة»: عدل سازمان دهنده حکومت است. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۴۶).



در مجموع میتوان گفت که حکومت در اسلام معادل قوام و اصلاح کار مسلمین در جهت مصالح دنیوی و اخروی آن ها بر مبنای عدالت است درحالی که فساد با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی آن، درست در نقطه مقابل این امر قرار دارد. بر همین اساس، فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می شود که از جانب هر کسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌های انجام گیرد؛ به گونه های که در اهداف و عملکرد نهادهای دولتی اخلال ایجاد، و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند.

۳. ضرورت پیشگیری از فساد اداری و اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری:

مطالعه بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت و ضرورت مبارزه با فساد در همه ابعاد آن، اعم از اداری، مالی، اقتصادی و ... پیش از ورود به مباحث پیشگیری از فساد اداری می تواند راهگشا باشد. ایشان در بخشی از سخنان خود فرموده اند:

اگر در دستگاه‌های حکومتی با فساد اقتصادی و کجروی در مسائل مالی برخورد نشود، همه‌ی چیزهایی که مطرح کردند، اگر یکی یکی هم این ها را برآورده کنیم، فایده‌ی ندارد؛ علاوه بر این که خیلی از این چیزها با فساد اصلاً نشدنی است. من انتظار ندارم که همه‌ی مسئولان نظام ما فرشته یا فرشته‌گون باشند؛ نه، بالاخره همه‌ی ما خودمان را می‌شناسیم؛ ما مردمانی هستیم ضعیف، انسان هایی هستیم آسیب‌پذیر، که باید به خدا پناه ببریم؛ ولی باید به این نقطه توجه کرد که در هر جایی فساد به وجود بیاید، مثل زخم واگیرداری است.

شما که مدیر هستید، شما که مسئول هستید، شما که یک مجموعه به دستتان سپرده شده است، با بروز فساد در زیر مجموعه‌ی خود به‌طور جدی مقابله کنید و حساسیت نشان دهید؛ بدون این، کار پیش نخواهد رفت و اوضاع بسامان نخواهد شد. من برای دوستان و مسؤولان بالای کشور مثال زدم و گفتم چند حلقه چاه عمیق با لوله‌های قطور چند اینچی زده‌اید و دارید مرتب به استخری آب می‌ریزید، اما پُر نمی‌شود؛ بعد وقتی دقت می‌کنید، می‌بینید چند شکاف عمیق در بدنه و کف استخر وجود دارد که هر چه شما از این‌جا آب می‌ریزید، از آن‌جا بیرون می‌رود، فساد، این طوری است. این همه کار و تلاش دارد انجام می‌گیرد - امروز در سطح مسؤولان، اندازه و حجم کار و تلاش دلسوزانه‌ی که دارد انجام می‌گیرد، خیلی بالاست - در عین حال هنوز می‌بینیم بعضی از بخش ها دچار مشکلات جدی است.



باید بینیم این زخم در کجاست؛ این ترک در بدنه یا کف استخر در کجاست. با فساد باید مبارزه کرد. مبارزه‌ی با فساد، بسیار جدی است. من گله کردم و هنوز هم از بعضی دستگاه‌ها گله دارم که وقتی ما چند سال پیش مسأله‌ی مبارزه‌ی با فساد را مطرح کردیم، به جای این که سینه سپر کنند و به میدان بیایند و پرچم را در دست بگیرند، توجیه‌های سیاسی و تعدیل‌های غلط و سیاست‌بازانه روی این مسأله گذاشتند و آن کاری که باید بکنند، نکردند. حالا نمایندگان مجلس این کار را بکنند؛ مسؤولان دولتی این کار را بکنند؛ شما مسؤولان بخش‌های مختلف و مدیران دولتی این کار را بکنید.

مردم نمی‌توانند با فساد مبارزه کنند. مبارزه‌ی با فساد، کار دستگاه‌های حکومتی است. ذهن هم فقط به سمت دستگاه قضایی نرود؛ دستگاه قضایی آخرالدواء است. من گفتم بعضی از بخش‌ها درباره‌ی فساد مطالعات عمیق کنند. چند مجموعه در این زمینه تدوین کردند و برای من آوردند که درباره‌ی مسأله‌ی فساد و شیوه‌های فساد و رخنه‌گاه‌های فساد، تحقیقی صورت گرفته بود. دیدیم مهم‌ترین بخشی که می‌شود با فساد مبارزه کرد، دولت است.

خود دولت هم این را قبول دارد و دنبال کرده است. برای مبارزه‌ی با فساد، در دولت انصافاً کارهای مهمی هم در گلوگاه‌ها انجام گرفته است. گلوگاه‌های فساد باید گرفته شود... اگر موردی بود که از این صافی‌ها و از زیر دست مسؤولان دولتی رد شد، آن وقت نوبت قوه‌ی قضاییه است. البته هم قوه‌ی قضاییه و هم مسؤولان دولتی ذی‌ربط باید دست خودشان را کاملاً پاک نگه دارند. من آن‌روز گفتم؛ باید دستمال را تمیز کرد تا بشود شیشه را با آن تمیز کرد.
(<http://farsi.khamaneie.ir/fa/speech/detail.jsp?id=830419c>)

به دنبال روی دادن فسادهای بزرگ و بی‌سابقه چند سال اخیر در سامانه بانکی و مالی کشور ضرورت مبارزه با فساد درون ساختارها و سامانه‌های مالی اقتصادی کشور در اولویت قرار گرفته و بر اجرایی شدن این موضوع تأکیدات بسیاری شده است. اما آن چه در این سالیان و در بهیوهه هیاهوهای سیاسی و رسانه‌ای در حاشیه قرار گرفت لزوم توجه کافی و هذمند به هشدارها، فرمایشات، بیانات ضدفساد، رهبر، پیر و مراد و کشتی‌بان بصیر و هوشمند انقلاب بود که بارها و بارها بر لزوم مبارزه با فساد در سامانه اداری و اقتصادی بر آن تأکید کردند.

آن چه در این روزگار بر حامیان جبهه انقلاب سنگین می‌آید بی‌توجهی کافی به دغدغه‌ها و



آرمان‌های ضد فساد رهبری انقلاب است که طی چند سال گذشته همواره بر آن تأکید داشته و دارند، از هر بعد که به علت‌های به وجود آمدن این فاجعه‌های اقتصادی نگریسته شود، یکی از مهم‌ترین آن‌ها بی‌توجهی به هشدارهای تاریخی رهبر انقلاب طی سال‌های گذشته پیرامون لزوم جدیت و چگونگی مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده است.

بیش از هر وقت و زمان دیگر نیازمند بازنگری و دقت در روش‌های مبارزه با فساد در کشور هستیم و در این راه عدالت‌خواهی حقیقی و نه شعاری، انصاف، عدالت و درست‌کاری مسئولان ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به‌ویژه قضات محترم، می‌تواند بیش از هر چیز دیگر کارساز باشد، نباید گذاشت زمین‌خواران و دیگر مفسدین اقتصادی، قانون و مسئولان امر را دور بزنند و از پشتیبانی پنهان و آشکار دارندگان قدرت و نفوذ سیاسی بهره‌برداری نموده و کار خود را عادی‌سازی نمایند و همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و طرح مبارزه با فساد که بدان همت گماشته شده است، عزم جدی مسئولان را به اقدام در این امر اساسی و حیاتی نوید می‌دهد، حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است، باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند و این امر جهادی از سر اخلاص و همتی سستی‌ناپذیر را می‌طلبد، جمهوری اسلامی ایران که جز خدمت به مردم و افراشتن پرچم عدالت اسلامی، هدف دیگری ندارد، نباید در این راه دچار غفلت شود، باید رفتار قاطع و منصفانه علوی را مد نظر داشته و به کمک الهی و حمایت مردمی که انصاف را قدر می‌شناسند، تکیه نماید.

رهبر انقلاب اسلامی هم‌چنین در جایی دیگر در راستای مبارزه با فساد و جلوگیری از شیوع فساد اقتصادی در تار و پود اقتصاد کشور فرمودند: «اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکان‌های حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدها و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار، تولیدکننده و اشتغال‌طلب همه و همه احساس ناامنی و ناامیدی خواهند نمود و کسانی از آن‌ها، به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.»

حال در سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، برای تحقق این رویکرد بزرگ و تحول‌آفرین در اقتصاد ایران بدون تردید یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرد مفهوم مبارزه با فساد اداری و اقتصادی است.



لذا برای برون رفت از این وضعیت باید عزم جدی صورت پذیرد تا هم فضای اقتصاد از فساد پالایش گردد و هم فضای عمومی جامعه رنگ عزم جدی نظام را برای مبارزه با فساد در هر سطح و میزانی دریابد و هم رونق اقتصادی سالم، مطلوب، تولید محور و اشتغال آفرین حاصل گردد.

(<http://www.icana.ir/Fa/News/۱۸۱۱۱۴>)

۴. توازی فساد اداری و عدم توسعه اقتصادی

موضوع مفاسد در سیستم اداری و در جوامع گوناگون، در طول تاریخ، همواره مسئله ای اسفبار و دردناک و عامل بسیاری از نابسامانی ها، دردها، رنجها، بی عدالتی ها، تبعیض ها، چالش ها، گسترش فساد و انحراف در جوامع بوده است.

فساد اداری و مبارزه با آن به طور مستقیم و غیر مستقیم با اقتصاد و توسعه آن مربوط است به طوریکه می توان گفت مبارزه با مفسدان اداری یکی از مصادیق تحقق اقتصاد شکوفا و رو به رشد است. (http://alef.ir/vdca_onuw49n6y1.k5k4.html0219470)

فساد اداری یک پدیده جهانی است که در همه کشورها وجود دارد، لکن بر اساس شواهد کشورهای در حال توسعه را بیش از سایرین مورد آسیب قرار می دهد، رشد اقتصادی را سرکوب می کند و بودجه های مورد نیاز برای آموزش، بهداشت و سایر خدمات عمومی را از مسیر خود منحرف میکند. میان فساد و توسعه رابطه معکوسی برقرار است، به نحوی که می توان گفت فساد هزینه های توسعه را افزایش می دهد.

هر یک از شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی همبستگی کامل معناداری با میزان فساد نشان می دهد. تمرکز اقتصاد و گسترش بخش های عمومی در دست دولت و محدود بودن فضای اقتصاد خصوصی، از عوامل بروز فساد در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. (طاهری، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، ص ۱۳)

در کشورهای توسعه نیافته به راحتی می توان یک سلسله مراتب نظام مند و مشخص را بین سطوح مختلف فساد مشاهده کرد. فساد به راحتی از پایین به بالا و بالعکس جابجا شده، از بالا به پایین و در عرض نیز انتشار می یابد. افرادی که قدرت را در مقطعی به دست می گیرند فرصت را غنیمت شمرده، اقدام به دست اندازی به منابع اقتصادی می کنند و با توجه به نبود احساس ماندگاری و ثبات در میان این نوع سیاستمداران، در فرصت اندکی که در اختیار دارند، خواهان



تصاحب منابعی هستند که بعد ها دیگر در اختیار آن ها نخواهد بود. از سوی دیگر فساد مالی و سیاسی خود موجب ایجاد نگرش منفی و اعتراض آمیز در جامعه شده، به نوعی این نظام ها را با فقدان مشروعیت و بی ثباتی روبرو می سازد. (رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۴۸)

به طور کلی فساد اداری با هدر دادن منابع ملی همراه است، در حالی که این منابع باید به شیوه های درست و در جایگاه اصلی خود مورد بهره برداری قرار می گیرند، تا موجب رشد و شکوفایی کشور و پویایی و اقتدار حکومت گردند.

از آن جا که فساد، فرآیند صرف منابع مالی را از هدف مفروض خود منحرف می سازد، این منابع قادر نخواهند بود کمک چندانی به رشد و توسعه اقتصادی کشورها کنند. (آیجی، فساد اقتصادی، علل و نتایج بروز آن در اقتصاد ایران، ص ۱۰۰)

فساد با تحریف مقررات قانونی توسعه را تخریب و بنیان های اساسی آن را سست کرده، زیرساخت های رشد را از بین می برد. فساد اداری بر برنامه های توسعه اقتصادی، آثار مخرب زیر را بر جای خواهد گذاشت:

کاهش بهره وری سرمایه گذاری های عمومی

کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی

افزایش قیمت ها

افزایش هزینه زندگی

کاهش سطح خدمات اجتماعی به ویژه برای افراد فقیر و کم درآمد

کاهش رشد اقتصادی و افزایش رقابت ناسالم در فعالیت های اقتصادی

افزایش بیشتر فساد. (ربیعی، زنده باد فساد، جامع شناسی فساد در دولت های جهان سوم، ص ۴۵)

۵. سایر پیامدهای فساد اداری

همان طور که عوامل به وجود آورنده فساد در جامعه از گستره بالایی برخوردار است، آثار و نتایج ناشی از آن در جامعه نیز گسترده است. فساد هم چون غده سرطانی است که آسیب های بسیاری را بر جامعه و کشور وارد می آورد. (محمودی، فساد اداری و راههای پیشگیری، ص ۳۵) می توان موارد زیر را به عنوان آثار ناشی از وجود فساد اداری در جامعه نام برد:

زائل کردن حکومت مداری مطلوب و دموکراسی



کاهش احترام به قانون اساسی

تخریب مشروعیت حکومت و حاکمیت قانونی

خنثی کردن حرکت توسعه کشور

زحمت بیهوده برای جلوگیری از شیوع فساد و شناسایی آن

کاهش بهره‌وری

افزایش هزینه زندگی مردم

از بین رفتن شفافیت و حساب پس دهی

کاهش فرصت‌های سالم پیشرفت برای افراد، مؤسسات و سازمان‌ها

۶. بررسی رویکردهای پیشگیری از فساد اداری

مهم‌ترین مساله در پیشگیری، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فساد اداری، نظارت و اتخاذ رویکردی جامع نگر به موضوع فساد، و پرهیز از نگاه جزیره‌ای و جزئی‌نگری در جهت ریشه کن کردن آن می‌باشد. (ملایی راشد، بررسی جایگاه سازمان بازرسی کل کشور در تدوین راهبردهای پیشگیری، ...، ص ۴۳۷). تمرکز بر پیشگیری مهم‌ترین و اصولی‌ترین روش برای اصلاح اساسی و ایجاد سلامت اداری می‌باشد هر چند نتایج آن در کوتاه مدت حاصل نخواهد شد.

بر پایه یک نگرش سیستمی به سازمان و پدیده‌ای هم‌چون فساد اداری که طی فرایندهای کاری سازمان شکل می‌گیرد، این نتیجه حاصل می‌شود که برنامه پیشگیری از فساد اداری باید از سبک و سیاقی سیستمی برخوردار باشد، به گونه‌ای که همه عوامل به وجود آورنده این پدیده را مورد توجه قرار دهد و براساس مهم‌ترین آن‌ها، سیستم پیشگیرانه‌ای را برای آن طراحی کند. ایجاد یک سیستم پیشگیرانه مقابله با فساد اداری به جای نظام کنترل تخلفات را می‌توان به عنوان یک راهبرد اساسی در مسیر مبارزه با فساد اداری و دستیابی به سلامت اداری مطرح کرد.

منظور از سیستم پیشگیرانه این است که نظام تمرکز یافته بر کشف موارد فساد و تنبیه متخلفان، به سیستم بازدارنده عوامل فساد تجهیز گردد، به ترتیبی که با تکیه بر یک رویکرد سیستماتیک و



جامع، نسبت به رفع علل فساد و حل اساسی مسئله فساد در سطح کشور اقدام کند.

۷. راهکارهای پیشگیری از فساد اداری

راه حل برای پیشگیری از فساد اداری در یک عنصر و عامل خلاصه نمی شود، بلکه عناصر و عوامل زیادی باید دست به دست هم بدهند تا فساد در کشور کاهش یابد. از جمله عوامل ذیل می تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد، به طوری که - ضمن الگو قرار دادن فرمان های مقام معظم رهبری - بدون هر یک از آن ها مبارزه با فساد نتیجه مؤثر نخواهد داد.

۷-۱. نقش قوای سه گانه در پیشگیری از فساد اداری

مطابق با فرمایش رهبر معظم در این کشور باید با فقر، فساد و تبعیض مبارزه شود. علاج مشکلات این کشور این است که به طور جدی اجرای عدالت پیگیری شود؛ تبعیض برداشته شود؛ با فساد و فقر و عوامل فقر به طور واقعی مبارزه شود؛ این کارها، کارهای قوای سه گانه است؛ اعم از قوهی مجریه و قوهی مقننه و قوهی قضاییه. البته مهمترین بخش در اختیار قوهی مجریه است.

(<http://farsi.khamaneie.ir/fa/speech/detail.jsp?id=831110a>)

۷-۲. نقش اصلاح قوانین و مقررات در پیشگیری از فساد اداری

ضعف قانونی از دو جنبه بر روند فساد تاثیر می نماید؛ نخست، ضعف قوانین مناسب در مبارزه علیه فساد، به تعبیری فقدان قانون منسجم ضد فساد به عنوان عاملی مؤثر در بروز و گسترش فساد عمل می نماید. سپس، قوانین ناکارآمد در بخش های تجاری، مالی، بانکی، ثبت اسناد، وسایر ابعاد اقتصادی، خود پناهگاهی برای افراد فاسد و بروز فساد می شود. قوانین ضعیف توجیه کننده اعمال فساد آمیز شده و امکان برخورداری از منافع موجود در درون سیستم را تسهیل می نماید. (ربیعی، زنده باد فساد، جامع شناسی فساد در دولت های جهان سوم، ص ۶۶)

هنگامی که قوانین و مقررات بیش از حد نیاز وجود داشته باشد، شهروندان دچار وسوسه دور زدن آنها خواهند شد و از سوی دیگر، کارکنان فاسد نیز طوری رفتار خواهند نمود که ارباب رجوع بپذیرد که قوانین و مقررات موانعی هستند که روند انجام امور او را کند می کند و در اینجاست که در نتیجه ی توافقات ضمنی و سپس آشکار میان کارمندان و ارباب رجوع، فساد اداری رخ می دهد.



قوانین باید شفاف و بدون اجمال باشد تا دیگر بهانه ای برای کارمندانی که در عمل سبب تاخیرهای اجرائی می شوند تا در پی آن رشوه دریافت کنند، وجود نداشته باشد.

۳-۷- نقش دستگاه قضائی در پیشگیری از فساد اداری:

محاکم دادگستری در مرکز نظام قضایی و حقوقی کشور قرار دارند. آحاد ملت برای کسب حقوق از دست رفته خود، چشم امید به این نظام دوخته و ثمره تمام تلاش ها برای تحقق بخشیدن به «عدالت» را در آرای صادره از آن جستجو می کنند. نحوه رسیدگی به دعاوی و مفاد آرای صادره نه تنها بیانگر کیفیت، حدود سلامت و چگونگی کارکرد نظام قضایی کشور است، بلکه از منظر عموم به نوعی منعکس کننده سطح و میزان تحقق عدالت سیاسی و اقتصادی نیز هست.

دستگاه قضائی در اکثر کشورها عمدتاً خود بخشی از روند موجود فساد بوده و به عنوان بخش مکمل فساد در کنار دستگاه های اجرایی، این فرایند را پیچیده تر می سازد.

دستگاه قضائی از دو جنبه قابلیت تاثیر گذاری عمیق و پایدار بر فرایند فساد را دارد. نخست، کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، عامل جری شدن مرتکبین فساد خواهد شد. سپس فاسد بودن عناصر قضائی که با اعمال نفوذ در رسیدگی ها یا نارسیدگی در پرونده ها، بخشی از زنجیره کارکنان فاسد را تشکیل می دهند. (ربیعی، زنده باد فساد، جامع شناسی فساد در دولت های جهان سوم، ص ۷۲)

نظارت بر دستگاه قضایی می تواند راه حلی پیشگیرانه برای فساد باشد. یک نوع نظارت و کنترل مربوط است به حوزه ی قضائی اداری یا کیفری. در این حوزه، تاثیر وقایع مجازات ها بستگی دارد به میزان استقلال قضات و برخورداری آن ها از امکانات و ابزارهای مادی و قضائی (دلاپورتا، فساد و دموکراسی، ص ۱۹).

زمانی که قوه قضائیه به وظیفه خود عمل نکند و مجرمین از پنجه عدالت به دلایل مختلف بگریزد، یا به مجازاتی کمتر از عمل ارتكابی محکوم شود؛ این خود مشوقی برای دیگران در ارتکاب جرم خواهد شد، لذا وجود قضات سالم در جهت مقابله با فساد لازم و ضروری است. بادستگاه قضائی ناسالم، مبارزه با فساد توهمی بیش نخواهد بود.



۴-۷- نقش دستگاه های نظارتی در پیشگیری از فساد اداری:

نظارت دقیق و کامل بر دستگاههای مختلف کشور و انعکاس صحیح مشکلات و معایب دو وظیفه اصلی سازمان بازرسی کل کشور می باشد و وجود این سازمان تضمین کننده سلامت و صحت عمل دستگاه های مختلف دانسته شده است. همان طور که بنا بر فرمایشات مقام رهبری مبنای تشکیل نظام اسلامی بر صلاح و درستی است بنا بر این هیچ گونه فسادى در هیچ جا قابل قبول نیست و سازمان بازرسی باید با گسترش نظارت بر همه دستگاه ها در هر رده‌ای، بخصوص دستگاه اجرایی و قضایی، مراقبت کند که مطلقاً در هیچ گوشه‌ای، فساد وجود نداشته باشد.

(<http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=17929>)

یکی از شیوه های مبارزه با فساد اداری نظارت مستمر، دقیق و پیگیری جدی موضوع است، به طوری که متخلف امنیت نداشته باشد و هر لحظه هرجا خود را با بازرسان بصیر، آگاه، روشن و قاطع مواجه ببیند. (عباس زادگان، فساد اداری، ص ۱۵۰)

اهمیت نظارت بر اموراتصادی، اجتماعی و فرهنگی چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد. به طوری که در اصول ۵۴، ۵۵، ۱۷۵ قانون اساسی به ضرورت استقرار دستگاه های نظارتی چون دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری اشاره شده است. در واقع قانون اساسی، نظارت را به عنوان یکی از ارکان اساسی اداره امور کشور شناخته است. این نوع نظارت ها توان لازم را در جهت کنترل بیشتر مقام های اجرایی فراهم می سازد. اما نباید از نظر دور داشت که هرگونه تدابیر نظارتی نیازمند اقدامات ذیل است:

- کادر اداری حرفه ای؛ حرفه ای و تخصصی نمودن سازمانهای نظارتی به عبارت دیگر بحث های تخصصی و افراد آموزش دیده برای امور کنترلی می تواند توان نظارتی را بالا برد.

- استقلال بودجه ای

-توان قابل ملاحظه ی نظارت بوروکراتیک

- داشتن نقش نهادی در تایید انتصابات سیاسی

- ارتباطات اطلاعاتی بین سازمانهای نظارتی و هماهنگی بین آن ها



برای تقویت امر نظارت و بازرسی می توان از نظارت همگانی (نظارت و شکایت مردم، احزاب، مطبوعات،...) استفاده کرد. اگر احزاب، مطبوعات، افکار عمومی، بطور ساختاری در جهت کاهش تخلفات، کارآیی عملیات کنترل و نظارت ترغیب شوند خود کمک شایان توجه ای به امر نظارت دارد، که با افزایش کنترل سازمانهای اداری از بروز فساد جلوگیری خواهد شد.

۵-۷. نقش آزادی مطبوعات در پیشگیری از فساد اداری:

وجود رسانه ها، روزنامه ها و مطبوعات آزاد در هر جامعه ای به مثابه چشم و گوش مردم برای بررسی رفتارهای مدیران دولتی، یک موهبت است. مطبوعات و رسانه ها بدون اینکه هزینه ای بر دوش دولت بگذارند، از طریق کشف اخبار و گزارش ها و انتشار سریع و پر شمار آن در جامعه، راه نفوذ فساد را کاهش می دهد. خبرنگاران، گزارشگران و مقاله نویسان در مطبوعات آزاد می توانند و باید در شرایط آزاد، به کسب خبر پرداخته و از آن مهمتر بتوانند اخبار کسب شده را در اختیار خوانندگان و بینندگان خود قرار دهند.

کشورهایی که در مبارزه با فساد کامیابی بیشتری به دست آورده اند آن دسته از کشورهایی هستند که آزادی مطبوعات در آن ها نهادینه شده است. اگر نهاد دولت می خواهد مبارزه با فساد موثر باشد، راهی ندارد جز این که مطبوعات مستقل و آزاد و غیردولتی در آن نقش خود را ایفا کنند. در غیاب مطبوعات آزاد غیردولتی و در شرایطی که همه رسانه ها و روزنامه ها و مطبوعات وابسته به نهادهای دولتی باشند، درج اخبار مربوط به فساد اقتصادی، اعتمادی ایجاد نخواهد کرد. مردم و روزنامه خوانان در همه جامعه ها نشان داده اند به مطبوعات آزاد و مستقل اعتماد بیشتری دارند.

نمی توان از مطبوعات و رسانه های دولتی انتظار داشت همه واقعیت ها را درباره فساد دولتی اولاً به دست بیاورند، ثانیاً منتشر کنند و ثالثاً مردم آن ها را باور کند.

دولت نیز اگر می خواهد با فساد مبارزه کند، باید به مطبوعات آزاد اجازه فعالیت دهد. که البته این امر نیز نه تنها مخالفتی با خواسته ها و فرمایشات مقام رهبری در راستای نظارت مردم بر دولت و سازمان های دولتی ندارد، بلکه موازی و همسو با آن و یکی از شیوه های دستیابی به هدف مذکور نیز هست.



۶-۷. نقش احیاء و تقویت ارزش های مذهبی و اخلاقی در پیشگیری از فساد اداری:

یکی از دلایل عمده ارتکاب فساد در دستگاه های اداری، جهل، نادانی و بی توجهی آنان به باور های اخلاقی و ارزش های انسانی است. هر قدر این باور ها و عقاید در فرد قوی تر باشد کم تر تحت تاثیر انگیزه های نادرست قرار می گیرد و در نتیجه، امکان ارتکاب به فساد در چنین فردی کم تر است.

برای افزایش ارزش های اخلاقی، برخی از صاحب نظران پیشنهاد های زیر را مطرح می کنند:

تدوین قوانین و مقررات خاص برای هدایت رفتار کارکنان در زمینه های اخلاقی.

گنجاندن اصول و قوانین اخلاقی در برنامه های آموزشی در کلیه سطوح سازمان.

تاکید بر ارزش های معنوی و تعالیم دینی و تشویق افراد صالح و درستکار در خدمات دولتی.

استفاده از رسانه های گروهی در تقبیح فساد و توسعه سلامت اداری.

توجه به سیاست های عدالت اجتماعی.

تحول در نگرش های مردم به ویژه کارکنان و مدیران، بسط ارزش های اسلامی، خدامحوری،

ایمان قوی، مشارکت عمومی و....

حقیقت این است که تقویت و حفظ دین و به عبارتی «دینداری» میتواند بسیاری از مشکلات

فردی و سازمانی ما را حل و فصل نماید. (عباس زادگان، فساد اداری، ص ۱۵۰)

۷-۷. نقش طرح میثاق سلامت در پیشگیری از فساد اداری:

میثاق سلامت (Integrity Pact) به عنوان توافقی بین دولت (به عنوان ارائه دهنده خدمات) و

ملت (به عنوان مراجعه کنندگان به دولت) است به طوری که ملت رشوه ندهد و دولت نیز رشوه

نگیرد.

میثاق سلامت برای رسیدن به دو هدف اصلی مورد توجه قرار گرفته است:



توانمندکردن شرکت ها و موسسات خصوصی (و افراد) به خودداری از رشوه دادن، با ایجاد اطمینان از این که:

رقیبان آن ها نیز از رشوه دادن خودداری می کنند؛ دولت، خود را متعهد به جلوگیری از فساد در معاملات، برنامه های خصوصی سازی و صدور پروانه برای موسسات خصوصی همچنین پیروی از رویه های شفاف می داند.

توانمندکردن دولتها در کاهش هزینه بالای مبارزه با فساد.

هدف نهایی برنامه میثاق سلامت، حذف فساد از ارتباطات اداری و خدماتی میان ارباب رجوع و کارمندان و کاهش هزینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ناشی از فساد است. جنبه های سلامت سازمانی شامل آئین نامه ها و مدیریت شرکت ها، سرپرستی، شرایط کاری، مناسبات میان افراد (روابط انسانی)، پول، مقام و امنیت می شود. این جنبه ها ربطی به ذات امور ندارند، بلکه به شرایطی که کار در آنها اجرا می شوند، مربوط می شود. (هرسی، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۲۰).

۸-۷. نقش تشکیل سازمانهای مستقل نظارت در پیشگیری از فساد اداری

اگرچه تحقیقات و نظرسنجی های مختلف در نقاط مختلف جهان حکایت از آن را دارد که افراد به کارایی چنین سازمان هایی در بلندمدت چندان خوش بین نیستند، ولی وجود چنین تشکیلاتی می تواند به عنوان ابزاری مقتدر عمل کند که نمایانگر تعهد بلندمدت و شایسته ی دولت در این زمینه است؛ البته برای مقابله با سوء استفاده های سیاسی احتمالی از این ابزار، باید مکانیزم های کنترلی لازم نیز پیش بینی شود. (گروه مترجمین مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱). با توجه تخصصی شدن امور در این سازمان و استفاده از افراد متخصص، کشف فساد، راهکارهای مقابله و پیشگیری از آن به دقت مورد بررسی متخصصین قرار خواهد گرفت. در نتیجه تشکیل سازمان مستقل در راستای مبارزه با فساد اداری توان مقابله با فساد و پیشگیری از آن را بالا خواهد برد.



نتیجه بحث

ظهور فساد اداری قدمتی به درازی جامعه بشری دارد و رابطه آن با توسعه نظام سیاسی مستقیم است تا جایی که پیدایش آن می‌تواند موجب اخلال در نظام سیاسی یک کشور شود. در یک نظام اداری فاسد، کارمندان از موقعیت انحصاری خود در ارائه خدمات بهره می‌گیرند، و با شغل خود به تجارت می‌پردازند که این امر علاوه بر آسیب زدن به توسعه، مانع رشد رقابت سالم و عدالت اجتماعی می‌شود.

بررسی ریشه‌های فساد اداری ما را به دلایلی رهنمون می‌سازد که موجد محیطی است که در بستر آن عوامل انسانی جرات می‌یابند تا به راحتی با سوء استفاده از موقعیت شغلی ایجاد شده، دست به اقداماتی بزنند که در پرتو آن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نقض و یا حق مسلم فرد یا گروهی را به آسانی تضییع نمایند. همان طور که گفته شد موضوع مفاسد در سیستم اداری و در جوامع گوناگون، در طول تاریخ، همواره مسئله ای اسفبار و دردناک و عامل بسیاری از نابسامانی‌ها، دردها، رنج‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها، چالش‌ها، گسترش فساد و انحراف در جوامع بوده است.

فساد اداری و مبارزه با آن به طور مستقیم و غیر مستقیم با اقتصاد و توسعه آن مربوط است به طوری که می‌توان گفت مبارزه با مفسدان اداری یکی از مصادیق تحقق اقتصاد شکوفا و رو به رشد است.

در زمینه مبارزه با فساد اداری، صاحب‌نظران سازمانی معتقد، به رویکردهایی هستند که بیشتر مبتنی بر پیشگیری از بروز چنین پدیده ای باشد، تا اینکه بخواهد از طریق اعمال مجازات بر کارکنان خاطی با چنین پدیده گسترده ای مبارزه کند. رویکرد اساسی که در این مقاله به آن پرداختیم این است که، به جای اتکا بر رویه‌هایی که مبتنی بر تنبیه بعد از ارتکاب فساد است، از ایجاد و راه اندازی یک سیستم پیشگیری از فساد استفاده نماییم.

بخشی از عواملی که نقش مهمی در پیشگیری از فساد اداری دارند در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت؛ مانند: ایجاد تعهد اخلاقی، اصلاح قوانین و مقررات، نقش مطبوعات و نقش دستگاه‌های نظارتی و نقش قوای سه‌گانه. ما بدین نتیجه رسیدیم که پیشگیری از فساد با شعار



دادن تحقق نمی یابد، این کار مستلزم عزم ملی، خواست همگانی وجدیت دولت وقاطعیت دستگاه قضائی در برخورد بامجرمین می باشد.

مبارزه بافساد و پیشگیری از آن باید ابتدا از بخش ها ونقاط حساس شروع شود و هدف خشکاندن ریشه باشد ونه قطع کردن شاخ و برگ ها. مهمترین مساله در پیشگیری، کنترل و کاهش آسیب های اقتصادی ناشی از فساد اداری در کشور، نظارت و اتخاذ رویکردی جامع نگر به موضوع فساد بوده و باید از نگاه جزیره ای و جزئی نگری در جهت ریشه کن کردن آن پرهیز نمود. و در آخر آن که پیشگیری از فساد اداری باید با هدف مختل کردن این قسم جرایم، دستگیری مجرمین، برخورد قاطع و جدی دولت و دستگاه قضایی با مجرمین، ضبط سودهای غیر قانونی ناشی از آن باشد.

و تنها با تمرکز بر چنین اهدافی است که می توان اعتماد و اطمینان را در عامه مردم به وجود آورد که دولت و حکومت در این مبارزه جدی و مصمم است و پس از فراهم آوردن زمینه اعتماد شاهد همکاری و همراهی مردم و افکار عمومی با دولت و حکومت در این مسیر خواهیم بود.



پی نوشت

اصل پنجاه و چهارم: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم: دیوان محاسبات به کلیه حساب های وزارتخانه ها، مؤسسات شرکتهای دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.

دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریح



بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

اصل یکصد و هفتاد و پنجم: در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند. (http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution)



فهرست منابع و مأخذ الف: کتب و مقالات:

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۱. آیچی، مهدی، ۱۳۸۹، **فساد اقتصادی، علل و نتایج بروز آن در اقتصاد ایران**، همایش ارتقای سلامت اداری، انتشارات زمان نو.
 ۲. احمدی، مرتضی، ۱۳۷۱، **مبارزه با فساد اداری در کشورهای در حال توسعه**، چهارمین اجلاس بازرسان کل آسیا، تهران، انتشارات سازمان بازرسی کل کشور.
 ۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، 1410، **غرر الحکم و درر الکلم**، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دارالکتب اسلامیه.
 ۴. دلاپورتا، ۱۳۷۵، **فساد و دموکراسی**، پیام یونسکو، شماره ۳۱۳، سال ۲۷.
 ۵. ربیعی، علی، ۱۳۸۳، **زنده باد فساد، جامع شناسی فساد در دولت های جهان سوم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



۶. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۹، **توسعه و تضاد**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشارات
۷. سرداری، احمد، ۱۳۸۰، **رویکردی بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه**، مجموع مقالات دومین همایش علمی پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چاپ اول، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
۸. صفری، حمید رضا، ۱۳۸۰، **رویکردی بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه**، مجموع مقالات دومین همایش علمی پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چاپ اول، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
۹. طاهری، شهنام، ۱۳۸۰، **توسعه اقتصادی و برنامه ریزی**، هوای تازه، تهران
۱۰. عباس زادگان، محمد، ۱۳۸۳، **فساد اداری**، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
۱۱. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، ج ۹، چ سوم، تهران
۱۲. گروه مترجمین مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۸، **نقش دولت در جهان در**

حال تحول

۱۳. محمودی، علی، ۱۳۸۶، **فساد اداری و راههای پیشگیری**، نشریه حمایت
۱۴. ملایی راشد، مصطفی، ۱۳۹۰، **بررسی جایگاه سازمان بازرسی کل کشور در تدوین راهبردهای پیشگیری**، کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از فساد اداری کشور با استفاده از تحلیل عوامل استراتژیک با رویکردی بر حکمرانی خوب، خلاصه مقالات دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران (انجمن جامعه شناس)
۱۵. هرسی، پال، ۱۳۸۲، **مدیریت رفتار سازمانی**، تهران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی



ب: منابع مجازی و سایت ها:

۱۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم پاکدشت، ۱۳۸۳، <http://farsi.khamaneie.ir/fa/speech/detail.jsp?id=831110a>
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۲،

(<http://farsi.khamaneie.ir/fa/speech/detail.jsp?id=830419c>)

۱۸. دیدار مسئولان سازمان بازرسی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵،

<http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=17929>

۱۹. فرمان ۸ ماده ای به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰،

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3062>

<http://www.icana.ir/Fa/News/181114> .۲۰

http://alef.ir/vdca_onuw49n6y1.k5k4.html0219470 .۲۱

http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution .۲۲

<http://iqna.ir/fa/news/1452198/> .۲۳



نگاه به بیرون برای حل مسائل اقتصادی هیچگاه به نتیجه نخواهد رسید، بنابراین باید همواره به دنبال استفاده از ظرفیت های داخلی کشور بود و اقتصاد مقاومتی که مورد استقبال همه ی صاحب نظران اقتصادی قرار گرفت نیز، ناظر بر توانایی ها و ظرفیت های درونی کشور و ملت است.

مقام معظم رهبری مدظله العالی دی ماه ۱۳۹۴



مشهد - چهارراه لشکر - بین امام خمینی ۴۶ و ۴۸ - مدرسه علمیه اسلام شناسی

حضرت زهرا سلام الله علیها - معاونت پژوهش

تلفن: ۰۵۱-۳۸۵۲۵۲۵۱

www.islamshenasi.ir

is.pajohesh@yahoo.com